
اللهم صل علی محمد و آل محمد
درآمدی بر جایگاه مسجد
در تمدن اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

نویسنده:

عباس برومند اعلم

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : برومند اعلم عباس عنوان و نام پدیدآور : درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی عباس برومنداعلم مشخصات نشر : تهران ستاد اقامه نماز ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری : [۱۴۳] ص فروست : ستاد اقامه نماز؛ ۱۳۵.

آثار برگزیده سومین مسابقه جوانان نویسنده و نویسندگان جوان ۱. شابک : ۴۰۰۰ریال ۹۶۴-۷۳۰۹-۱۷-۱ یادداشت : چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز، ۳۸۰(فروست). یادداشت : کتابنامه ص [۱۴۳ - ۱۴۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان دیگر : جایگاه مسجد در تمدن اسلامی موضوع : مسجد ها شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز رده بندی کنگره : ۱۳۸۰ BP۲۶۱ /ب ۴د۴ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۵ شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۹۱۰۴۷

مقدمه ناشر

نماز میدان فراخ و عرصه ی پهناوری است که روح و اندیشه انسان در آن وسعت می یابد و به گستردگی آن فرصت پرواز پیدا می کند. نماز به عنوان تجلی نهاد عبادی دین و نمود بندگی انسان مسلمان ، در عصرهای مختلف میان نسلهای مسلمانان با قومیت ها، فرهنگ ها و جغرافیای متفاوت ، پدید آور عالی ترین و فاخرترین نمونه های فرهنگی ، هنری و معماری بوده است که خود بستر ظهور ماندگارترین حرکتهای اصیل اسلامی ، انسانی در حوزه های سیاست ، اجتماع ، فرهنگ و اقتصاد شده است .

با آن که در دورانهای مختلف ، گرایش ها و باورها در معرض تعرض اندیشه های بیگانه و یا تحت فشار فرهنگهای مهاجم قرار گرفته و در رفتار و کردار و عواطف آحاد مردم تاثیر گذاشته است ، اما هیچگاه شعله های اعتقاد و ایمان به خدا

و رهبران الهی در دل مردم افسرده نشده است و عالم هدایت و شعائر دینی در کانون های قدسی آن همچون مساجد و حرم های مطهر به خاموشی و خمودی نگرائیده است . در اوج فشار و هجوم ، رویشی تازه از ایمان و اعتقاد در میان مسلمانان مخصوصا نسل جوان آن پدید آمده است که بهاری مجدد را نوید داده و دوباره ، شکوفایی ، و رشد و حیات مجدد در سبزه زار حیات مسلمانی رخ نموده است .

در روزگار انقلاب اسلامی که پیر فرزانه ای آن را رهبری نمود. نسل جوان ، فریاد گران پرخروشی بودند که ندای توحید و عدالت و کرامت انسانی را در مصاف های مبارزه و درگیری با پیشوایان شرك و ظلم و بردگی سر دادند و در میدان مقابله با آنها با استعانت از نماز مقاومت کردند تا سرفرازی و فرازمندی انسان مومن به خدا را در برابر دیدگان مبهوتان قدرت طاغوتها به نمایش گذاشتند و نقاب از چهره اقتدار پوشالی ابرقدرتها بر گرفتند.

باز فهمی منشا این قدرت الهی در نسل انقلابگر دو دهه اخیر ایران اسلامی و بسط و توسعه آن در میان نسل دوم و سوم انقلاب و همچنین توده های مسلمان و محرومان و مستضعفان سایر نقاط دنیا از اهمیت ویژه ای برخوردار است . یقینا این باز فهمی نیازمند بازشناسی و آسیب شناسی جریان دینگرایی و دلدادگی به ارزشها و آرمانهای اسلامی و قرآنی است . پدیده بازگشت به دین در دوره رواج ارزشهای غربی و سلطه حاکمان دین ستیز نه این چنین است که معلول سخت گیری و دیکتاتوری آن دوره باشد، بلکه

بـازگشت به دین ، رجوع به فطرت دینی و حاصـل روشـنگریهای دیر پای عالمان و اندیشـمندان اسـلامی بود که بـذر اعتقاد و ایمان را در فطرتها سـیراب می ساختنـد.امروز نیز باز فهمی دین نیازمنـد بازشناسـی و روشـنگری و سـیراب سازی انـدیشه ها و جانها از آبشـخور زلال معارف اسـلامی است .آمیختگی با خرافه ، دلدادگی به اسـطوره و احساس سیرابی با هیجان و عاطفه ، نهاد دین و باور به آن را در معرض خطر پوسیدگی و از درون پاشیدگی قرار می دهد. اما تعقل و تدبیر در آموزه های دینی و الگو و اسوه قرار دادن پیشوایـان معصوم (ع) و پاسـخوگویی به پرسشـهای درونی و بیرونی به کمک انـدیشه و فکر، حاکمیت نهاد دین را استحکام بخشید و دینداران را در مواجهه با شبهه و تردیدها تقویت می کند.

مسابقه نویسندگان جوان و جوانان نویسنده ، گامی در جهت آماده سازی مخاطبان جوان در میدان تدبیر و اندیشه و بازشناسی و باز فهمی راز قدرت انقلاب اسلامی در مواجهه با قدرتهای مادی جهان معاصر است . آنان در چنین مجالی فرصت می یابند توسن فکر خویش را در عرصه هـای مختلف به حرکت در آورنـد. به زوایـای مختلف سـر بکشـند و با سـر پنجه قلم ، گزارش کاوشهای علمی خود را بنگارند.

در سومین مسابقه نویسـندگان جوان نیز انبوهی از جوانان نویسـنده به فکر و تامل و تحقیق و پژوهش پرداختنـد و دریافت های خود را در قالب های متنوعی از نوشته ها و سروده ها به صورت کتاب عرضه داشته اند.

در این میان همت ما نیز بر این بود که همچون آینه دارانی سیمای

زیبای اندیشه و فکر جوانان دلداده زیبای مطلق را به همه دوستداران زیبایی گفت و گو با او بنمایانیم . آن چه شما خوانندگان در این مجموعه می بینید ما به ازای تجلی آن جمال و برون داد این همت است . توفیق نمازیان را در گسترش فرهنگ بندگی پروردگار بندگان خواستاریم .

دکتر محمدیان معاون تحقیق و تالیف

مقدمه

و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱)

مسجد این خانه خدا در روی زمین ، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر بزرگوار اسلام در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی ، در مدینه بنیان نهاده شد و از همان آغاز همچون دین مبین اسلام ، جامع و همه جانبه بود.

مسجد که نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می شود از همان بدو تاسیس علاوه بر این که پایگاه دینی و معبد مسلمین به شمار می رفت ، نخستین کانون فعالیتهای سیاسی ، اجتماعی ، علمی و فرهنگی مسلمین نیز بود و پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم در این مکان استوار شد چرا که مقر حاکمیت پیامبر در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می شد.

بدین ترتیب مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی ، به عنصر مادی و عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه گسترده تمدن اسلامی جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد به طوری که هر کجا و در هر

شهر و قریه ای که مسجدی وجود داشت ، آن منطقه جزء قلمرو فکری و فرهنگی و البته گاه سیاسی اسلام شمرده می شد.

مساجـد با کارکردهای متعددی که داشت ، آن چنان در درون جامعه اسـلامی نهادینه شد- مومنان آن را بر خانه های خویش ترجیح می دادند، در واقع ویژگی اصـلی مسجد این بود که هم چون اسلام با همه شوون زندگی مردم سر و کار داشت و البته به همه آنها جهت الهی و دینی می داد و این با روح اسـلامی نیز سازگار بود چرا که اسـلام جوهره همه فعالیتهای مسـلمین در جامعه اسلامی را عبودیت می دانست .

این نهاد مقدس نیز همانند سایر نهادهای تمدن اسلامی و همچون خود تمدن اسلامی فراز و فرودهای فراوانی را طی کرد تا به زمـان حـال رسـید، روزگـاری در دوران صـدر اسـلام ، مسـجد قلـب تپنـده امـت و جـامعه اسـلامی و مقر حـاکمیت و حضـور بزرگترین فرسـتاده الهی (ص) و مرکز بی بـدیل همه فعالیتها و امور جاری مردم بود، و مردم همه جهت گیری های خود را از آن اخـذ می نمودنـد، پس از ارتحال نبی اکرم (ص) در دوران خلفای راشدین نیز اوضاع تا حدود زیادی به همین منوال بود، اما با به قـدرت رسـیدن بنی امیه ، و حاکمیت آنها بر جهان اسـلام توام با انحرافات و بـدعتهای فراوانی که در همه ابعاد اسـلام اتفـاق افتـاد، تحولات فراوان نیز در کارکردهای مسـجد آغاز گشت و این تحولات منفی به تدریـج ادامه یافت تا جایی که در دوران حاکمیت بنی عباس و بعد از آن مرکز جامعه به حاشیه رانده

شـد و اهم کارکردهـای خود را از دست داد و دیگر نه پایگـاه حـاکم بود نه پایگـاه حضور مردم ، این وضـعیت تا دوران حال ادامه یافت و تلاشهای پراکنده و مقطعی برای احیای موقعیت آن نیز ثمری نداشت و اکنون ما وارث این روند تاریخی هستیم .

اما امروز شرایط متفاوت است و ما اگر- بخواهیم نمی توانیم نسبت به شرایط مساعد جامعه بی اعتنا باشیم ، امروز در قسمتی از جهان اسـلامی انقلابی به پیروزی رسـیده است که کانون جوشـش آن ، مساجد بوده و حکمتی بر سـر کار آمده است ؟ داعیه دار پـایه گـذاری نظـامی مبنی بر احکـام اسـلام نـاب است و الگوی این حکومت ، نظام حاکمیت پیامبر (ص) در مـدینه النبی است و کدام نهاد در مدینه النبی مهم تر از مسـجد و کدام مکان مرکزی تر و راهبردی تر از مسجد بود؟ و مگر می شود داعیه تاسیس حکومت اسلامی داشت و به بازگرداندن وضعیت مساجد به حال مساجد صدر اسلام نی اندیشید؟

مبنای ما در نگارش این نوشتار نیز همین بود؛ چرا که معتقدیم نمی توان بدون شناخت پیشینه و تاریخ یک موضوع و یا نهاد به احیاء آن پرداخت ، لازم است که ابتدا گذشـته مسـجد و فراز و فرودهای آن را بشناسیم تا با نگاهی روشن و اندیشه ای عبرت یافته وارد میدان شویم در جهت احیای مساجد اسلامی تلاش نماییم .

در این نوشـتار پس از بررسـی برخی مفـاهیم مربـوطه ، به بررسـی موقعیت مسـجد رد صـدر اسـلام و نحوه و علـل تاسـیس آن پرداخته ایم و سپس کارکردهای متعدد مسجد در صدر اسلام

را تبیین نمودهایم ، آن گاه به بررسی تحولات ساختاری در کارکردهای مسجد در دوران میانه تاریخ اسلام و بیان علل این تحولات پرداخته ایم ، آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این که در این نوشتار تلاش شده است ، حیت الامکان تبیین مطالب توام با آوردن نمونه های تاریخی باشد تا مطالب مزبور مستند و قابل دفاع باشد.

آن چه که مسلم است این نوشتار همان طور که از عنوان نیز پیداست تنها در آمدی است بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی که نگارنده در حد بضاعت اندک خود آن را به رشته تحریر در آورده است و بدیهی است که مسجد و ابعاد آن عظیم تر از آن است که بتوان به متونی چون این متن اکتفا کرد و بلکه همت پژوهشگران برجسته ای را می طلبد تا هر چه بیشتر در روشن کردن این جایگاه در تمدن اسلامی بکوشند، در پایان لازم می دانم از ستاد محترم اقامه نماز و به ویژه معاونت محترم تحقیق و تالیف این ستاد که فرصتی را برای انجام چنین پژوهشهایی فراهم نمودند نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم .

وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

عباس برومند اعلم .

تعاریف

مسجد

این واژه که مبنایی ترین واژه در این نوشتار است از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی لغوی واژه مسجد

در بررسی لغوی و ریشه ای کلمه مسجد در کتب لغت معتبر نظرات نزدیک و مشابهی دیده می شود. ابن منظور در لسان العرب درباره مسجد می نویسد: مسجد و مسجد: جایی است که در آن سجده می کنند و مفرد مساجد است . زجاج می گوید: هر جایگاهی که در آن عبادت کنند مسجد است . همانطور که پیامبر (ص) فرمود: جعلت لی الارض مسجدا طهورا...ابن اعرابی می گوید: مسجد به فتح جیم ، محراب و نماز گاه خانه هاست و مسجد به کسر جیم ، نماز گاه جماعات است و جمع آن مساجد است .(۲)

در تاج العروس نیز ذیل کلمه مسجد که از ریشه است چنین آمده است : مسجد به کسر جیم ، هر جایگاهی که در آن سجود کنند و در کتاب الفروق نوشته ابن بری آمده است که مسجد خانه ای است که در آن سجده می کنند و به فتح جیم موضع قرار گرفتن پیشانی است .(۳)

و با توجه به ورود این کلمه به زبان فارسی و استعمال کامل آن در این زبان در مراجعه به لغت نامه های فارسی نیز معانی ذیل برای مسجد به دست آمد: سر بر زمین نهادن ، محل و موضعی که در آن جا سجده کنند و هر محلی که در آن عبادت کنند و از آن جمله است اطلاق مسجد بر جامع و گویند مسجد با کسر جیم اسم است محل عبادت را، خواه در آن جا سجود بکنند یا

نکننـد و هر گاه فعل و عمل آن مورد نظر باشد، جای عبادت مسـلمانان ، خاه خدا، محل سـجود، جای نماز خواندن ، خانه ای که برای گزاردن نماز سکنه کویی یا شهری سازند.(۴)

دربـاره علت نامگـذاری محـل عبـادت مسـلمین به این نـام ، نظریـاتی وجـود دارد از جمله یـک نظر آن است که در عبادتگـاه مسـلمین بزرگترین عبادتی که انجام می شود نماز است و این عبادت عظیم ترین عبادت و اولین فرع از فروع دین محسوب می شود و سـجده نیز که در هر رکعت نماز دوبار تکرار می شود مهمترین و ضمنا بهترین و زیباترین رکن نماز است که نماد اوج بندگی مسـلمین است که در نماز ظاهر می شود. بدین ترتیب این عبادتگاه که در آن مسـلمین به صورت دسـته جمعی هر روز بارها در آن به سجده می افتند و بر درگاه باری تعالی پیشانی بندگی می سایند، مسجد یعنی محل سجود نامیده شده است .

دیدگاه دیگر که از یک روی کرد تاریخی نشات می گیرد می گوید: که مسجد معرب مزکت یا مزکت است که این کلمه از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است و اعراب نیز آن را به صورت مسجد به عبادتگاهی خود اطلاق کرده اند.

البته در این که سابقه این کلمه به پیش از اسـلام بر می گردد تردیـدی نیست و مساله در ریشه عربی یا غیر عربی آن است که به نظر می رسـید ریشه غیر عربی آن صـحیح تر باشد؛ چرا که سابقه استعمال این کلمه در خارج از جهان عرب وجود دارد. از آن جمله حضرت سلیمان (ع) که پس از ساختن

معبد در اورشلیم آن را مسجد الاقصی نامید(۵)

و این نام ارتباطی به دوره اسلامی و یا جهان عرب نداشته است . بعدها یهودیان بنی اسرائیل که پس از دوران اسارت بابلی ، زبان عبری را که زبان تورات است فراموش کرده و به زبان آرامی تکلم می کردند نیز این معبد را به همین نام یم شناختند.

اما روایت در کتاب سنن بیهقی دیده می شود که ظاهرا مضمون آن می تواند در تضاد با نظریه فوق باشد. در این روایت از قول ابوذر صحابی بزرگوار رسول خدا (ص) نقل شده است که گفت : به رسول خدا (ص) گفتم : یا رسول الله اولین مسجدی که در زمین ساخته شد کام است ؟ فرمود: مسجد الحرام . گفتم : سپس کدام مسجد؟ فرمود: مسجد الاقصی (۶)

بدین ترتیب اگر خانه کعبه از زمان احداث مسجد الحرام نامیده شده است و با توجه به تقدم ساخت آن بر مسجد الاقصی که در آن تردیدی نیست چرا که حتی اگر روایاتی که پیشینه این خانه را تا زمان خلقت زمین و یا زمان حضرت آدم و یا حضرت نوح به عقب می برد را نپذیریم در ساخت این خانه توسط حضرت ابراهیم (ع) به تصریح قرآن شکی وجود ندارد باید گفت که این کلمه ریشه عربی و بلکه ریشه آسمانی دارد و اولین با در میان اعراب استعمال شده است . و سپس یهود که از پیروان ادیان ابراهیمی محسوب می شوند با پیروی از حضرت ابراهیم کلمه مسجد را برای معبد خود برگزیده اند، البته نباید از نظر دور داشت که در قرآن هر

کجا سخن از ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم به میان آمده از لفظ بیت استفاده شده است .

بنابر این مشاهده می شود که نظر قطعی درباره ریشه تاریخی این کلمه وجود ندارد و نگارنده در حد بضاعت اندک خود احتمالات مختلف را طرح کرده است تا خود زمینه ای برای پژوهشی مستقل در این زمینه باشد.

بررسی اصطلاحی واژه مسجد

در بررسی اصطلاحی با توجه به این که روال بر این است که واژه مورد نظر در اصطلاح حوزه علمی مورد تحقیق بررسی می شود، طبیعی است که باید نگاهها را از گذشته تاریخی این کلمه برداشته و متوجه حوزه تمدن اسلامی کرد.

مسجد در تاریخ تمدن اسلامی اولین نهاد اجتماعی و سازمانی است که مستقیما از سوی پیامبر اکرم (ص) و در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی پایه گذاری شد و تا مدتها قلب تپنده جامعه اسلامی و مرکز بی بدیل اجتماع مسلمین بود.

این نهاد در طول تاریخ تمدن اسلامی و نشیبهای متعددی را طی کرده است که بدون تردید درخشان ترین فراز حیاتش دوران صدر اسلام است . این مکان مقدس گرچه در ظاهر دچار تحولات شگرفی شده و گاه زینتهای آن به حدی بوده که با کاخهای پادشاهان برابری می کرده است ، اما در باطن هرگز تعریف اصیل خود که همانا قطعه زمینی پاك برای عبادت فردی و اجتماعی امت بود را از دست نداده و نخواهد داد.

مسجد قطعه ای کوچك یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت ، تسطیح و پاکیزه کردن آن ، سمت قبله در آن مشخص می شود و به نماز اختصاص می یابد.

این قطعه زمینها گاهی دارای

دیوارنـد و گاهی بدون آن ، با شن پاکیزه و با حصـیرهای ارزان یا فرشـهای گران قیم فرش می شوند. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقفها، گنبدها و ماذنه های بزرگ بر پا میشود و گاهی نیز هیچ یک از اینها را ندارد. اما این در مسجد بودن آن تاثیری ندارد؛ زیرا یک مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم ترین مساجد مکانی مقدس با ویژگیهای ممتاز است .(۷)

مسجد از همان ابتدای تاسیس تنها یک عبادتگاه مسلمانان نبود بلکه محل اجتماع عمومی و نشانه وحدت امت نیز به شمار می رفـت . چنـان که جـامع نیز که به مسـجد گفته می شـود حکـایت از همین اجتمـاع دارد و طـبیعی است که در جـایی که محل اجتماع مردم است صرفا امور عبادی مطرح نیست بلکه همه شوون جامعه اعم از سیاسی ، اقتصادی ، قضایی ، ارتباطی ،تبلیغاتی و.. نیز مطرح می شود و لـذا مساجد به ویژه در صدر اسـلام کارکردهای متعدد داشـتند. اما در مسـجد یک راز نهفته بود و آن این که گر چه مسـجد کارکردهـای متعـدد داشت ، ولی بـا این همه این مکـان ، مسـجد و محـل عبادت بود و این جوهره همه فعالیتهای سیاسـی ، اجتماعی ، اقتصادی و...امت مسـلمان در راسـتای عبودیت بنـدگان برای خداونـد است . شایـد این اقدام را بایـد نوعی حرکت نمادین پیامبر (ص) و بلکه اسـلام تلقی کرد؛ اگر بپـذیریم جوهره جامعه اسـلامی عبودیت است ، می توان گفت :همه چیز از مسجد می جوشد و در جامعه سریان می یابد.

بدین ترتیب مسجد و تاسیس آن پاسخی بود به

یـک نیـاز؛ نیـاز جمـاعتی که تمـدنی جدیـد را مبتنی بر بینش الهی پـایه ریزی می کرد و طبیعی است که در این مسـیر نیازمند نهادهای جدیدی باشد که با نگرش خاص او به عالم و هستی مناسبت داشته باشد.

بینشـی که دنیا را مزرعه آخرت و آبادانی اخروی را در گرو آبادانی دنیا و سعادت جاودانی را در گرو حیات اجتماعی پاک و الهی می دانست .بینشـی که سـلوک فردی محض را مردود و سلامت جامعه در همه عرصه ها را ضامن سلامت فرد می شمرد. مسجد با کارکردهای متعدد و متنوعی که داشت بهترین و مناسب ترین پاسخ به این نیاز بود.

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی در واقع بستر حرکت پژوهشی ما را تشکیل می دهد. چرا که ما در این نوشتار به دنبال بررسی جایگاه مسجد در تمدن اسلامی هستیم ، بنابراین این واژه مرکب نیز باید از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی

واژه تمـدن اسـلامی از آن جا که یک ترکیب است لـذا مسـتقلا در لغت نامه ها، دارای معنا نیست بلکه هر یک از این واژه ها جای از یکـدیگر دارای معنا می باشد.لـذا ابتـدا معنای لغوی تمدن را بررسـی می کنیم ، سـپس ترکیب آن را به صورت تمدن اسلامی ،

تمـدن در لغت به معنـای تخلق به اخلاق اهل شـهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت ، در شـهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه ، مجازا تربیت و ادب می باشد.(۸)

کلمه اسـلامی نیز که به ثمن اضـافه می شود در واقع یـک وصف است و این ترکیب وصـفی است یعنی تمـدنی که متصف به اسـلام است و بر اساس آن شـکل گرفته است و بینش حاکم بر آن و در واقع روح فرهنگ آن ، محصول یک دین آسمانی به نام اسلام است .

بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی

با توجه به وجود تعاریف متعـدد از فرهنگ و تمدن باید یک تعریف نسـبتا کلی که تا حدودی جامع همه تعاریف دیگر باشـد را مبنا قرار دهیم تا بر اساس آن بتوانیم تمـدن اسـلامی را نیز مورد بررسـی قرار دهیم ، آن تعریف کلی عبارت است از این که تمدن وجه عملی وفیزیکی حیات بشری می باشد، دربرابر فرهنگ که وجه نظری حیات بشری است .

در بیان معنای اصـطلاحی تمدن اسلامی نیز با تکیه بر تعریف فوق برای تمدن باید گفت که تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضا تحولات

گسترده ای که در برخی نهادها و نمودهای عینی جامعه بشری با این پشتوانه پدید آمده است . این یک معنا اصطلاحی کلی برای تمدن اسلامی است . لذا برای فهم دقیق ترآن اندکی این معنا را شرح می دهیم .

اسلام به عنوان دین خاتم در منطقه ای ظهور می کند که در آن سابقه رشد نهادهای فرهنگی و تمدنی اگر ساقط نباشد، بسیار محدود است .اصولاً اعراب تمایل زیادی به تمدن گریزی یا تمدن ستیزی داشتند و این البته به علت حریت فردی بود که در گمان عرب بسیار قوی بود و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند این آزادی فردی را از دست بدهند که البته این مورد بحث ما نیست .روایات و قرائن تاریخی که از اوضاع عرب دوره جاهلیت در دست است به ویژه از نواحی مرکزی عربستان حالی از یک نوع عقب افتادگی بسیار شدید است که انسان را شگفت زده می کند.باید توجه داشته باشیم که این در زمانی است که در نزدیکی جزیره العرب تمدنهایی مثل ایران و مصر و شامات و در فاصله ای دورتر تمدنهای هند و یونان بعضا در اوج شکوه و تلالو خود به سر می برند.

در یک چنین بستری پیامبر اسلام (ص) ظهور می کند و رسالت را با خواندن آغاز می کند و درست از همان نخستین لحظات بعثت تاسیس نهادهای فرهنگی و تمدنی در دستور کار رسالت پیامبر قرار می گیرد و پس از آن نیز آن حضرت با پشتوانه فرهنگ آسمانی اسلام به جد شروع به تاسیس نهادهای مختلف فرهنگی ، سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی می کند

که همین نهادها پایه های اولیه تاسیس تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.

شاید بهترین مثال از این نهادها مسجد باشد که با آن چه در تبیین مفهوم تمدن اسلامی گفته شد مناسبت کامل دارد. مسجد نهادی است که از بطن اسلام جوشیده است و کارکردهای متعددی نیز برای آن در نظر گرفته می شود. و البته مشابه مسجد موارد دیگری چون مفاهیم زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را نیز می توان نام برد که همگی یا به وسیله اسلام تاسیس شده اند یا توسط اسلام اصلاح و متحول شده اند و با تکیه بر آنها می توان مفهوم تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار داد.

مسجد در صدر اسلام

اشاره

همان طور که اشاره شد بدون تردید درخشان ترین فراز حیات مسجد در طول تاریخ تمدن اسلامی متعلق به صدر اسلام است و در این دوره است که مسجد همه کارکردهای خود را بالفعل دارا می باشد و در جایگاه واقعی خود در جامعه اسلامی قرار دارد.

بدیهی است که اگر قرار است جایگاه مسجد در تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم ابتدا باید به سر چشمه مراجعه کنیم و جایگاه مسجد در صدر اسلام را بشناسیم تا در دوره های بعدی فراز و نشیبهای گوناگون این نهاد را با معیاری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم . لذا در این فصل ضمن بررسی جایگاه مسجد در قرآن و سنت ، نگاهی به چگونگی تاسیس و تثبیت این نهاد در جامعه مدینه انداخته و سپس تسری این سنت در سراسر جهان اسلام در دوره فتوحات را بیان نموده ایم .

جایگاه مسجد در قرآن و سنت

توضیح

قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی و قطعی نزد همه مسلمین و همه پیروان مذاهب اسلامی مورد قبول است . و اساسا محتوای اسلام و پیام آسمانی این دین مقدس را از این دو منبع استخراج می نمایند. گر چه منابع دیگری نیز برای استخراج این محتوا مد نظر است ، اما هیچ یک از آنها مانند قرآن و سنت از اجماع کامل در نزد عموم مذاهب اسلامی برخوردار نیستند.

لذا مناسب است که در آغاز بحث درباره مسجد در صدر اسلام نگاهی داشته باشیم به موقعیت و رتبه این نهاد مقدس دینی در آیات الهی و روایات تا با در نظر داشتن این موقعیت ممتاز بحث را ادامه دهیم .

مسجد در آیات الهی

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغو و الاصال (۹)

در خانه هایی خدا رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او

کنند.

مسجد جایگاهی است که خداوند آن را رفیع گردانیده است ؛ تا به آن جایگاهی را که خداوند رفیع کرده است ، چه کسی می تواند تضعیف کند و رفعت آن را چه کسی می تواند توصیف نماید.

و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا(۱۰)

و مساجد مخصوص و از آن خداست پس نباید با خدا احدی را غیر او پرستش کنید.

در این آیه شریفه خداوند خطرنشان می سازد که مسجد متعلق به خداست و مفهوم این آیه با رجوع به روایاتی که در ادامه این نوشتار می آید و در آن تصریح می کند که مساجد خانه های

خدا در روی زمین است بهتر فهمیده می شود.

بـدین ترتیب صاحب اصـلی مساجـد خداونـد است که در آن جا میزبان بنـدگان مومنی است که برای عبادت او به مسـجد می آینـد و طبیعی است که چنین خانه هایی باید بزرگترین پایگاه توحید و یگانه پرستی در جامعه اسـلامی باشـند. پایگاههایی که در آن هر روز تنیـدن نوبت به یگانگی خداونـد و اصل توحید به عنوان مبنایی ترین رکن دین اسـلام شـهادت داده می شود تا تذکاری باشد دائمی برای مومنین و بدین وسیله جامعه اسلامی همواره از پلیدی شرک مصون بماند.

و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین (۱۱)

و در هر مسجد و در هر عبادت روی به حضرت او آرید و او را از سر اخلاص بخوانید.

در همه مساجد تنها یک جهت معروف و شـناخته شده است و آن جهت قبله است ؛ یعنی سمتی که رو به سوی بیت الله ، خانه کعبه و حرم امن الهی دارد. و همه مومنین نیز در مسـجد به هنگـام به جـا آوردن اداب دینی و عبـادی موظفنـد به همان سـمت بایسـتند و وجوه خود را از هر سـمت و جهتی به آن سو بگرداننـد و خالصانه خداونـد را بخواننـد و بر بنـدگی خود در برابر او تاکیـد نماینـد و این یعنی این که جهت گیری عمومی مومنین و مسـلمین ، توحیـدی است و در مسـجد؟ پایگـاه توحیـد جامعه است آن محسـوس تر و بـارزتر است . مـومنین بـا این جهت گیری مشـترک و بـا انجـام دادن یـک رفتـار مشـترک بر اتحـاد و یگانگی جامعه اسلامی و امت مسلمان نیز صحه می گذارند.

تصور این

که هر روز صدها میلیون انسان مسلمان در سراسر جهان در مساجد جمع می شوند و همه به یک سو می ایستند و یک عمل را انجام می دهنـد بسـی دشوار و در عین حال شـکوهمند است . در واقع مساجد علاوه بر این که پایگاه توحیدند، پایگاه نمایش روزانه مفهوم امت واحده نیز هستند.

یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد (۱۲)

ای فرزندان آدم زینتهای خود را به هنگام حضور در مسجد و در هر عبادت به خود بر گیرید.

وقتی میزبان خداست که خود زیبا است و دوستدار زیبایی ، شایسته است که میهمانان نیز در خانه خدا پاکیزه و آراسته حضور یابند و بدین طریق خانه و صاحبخانه را تکریم نمایند.

روایات و احادیث متعدد درباره پوشیدن بهترین لباسها و استعمال عطر و حضور پاکیزه و آراسته در مساجد وارد شده است که در بخش بعید به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

انمـا یعمر مساجـد الله من امن بـالله و الیـوم الاـخر و اقـام الصـلوه واتی الزکـوه و لم یخش الاـ الله فعسـی اولئـک ان یکونـوا من المهتدین (۱۳)

منحصـرا آباد کردن و تعمیر مساجـد خدا به دست کسانی است ؟ به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند. آنها امیدوار باشند؟ از هدایت یافتگان هستند.

طبیعی است همان طور که مومنین باید پاکیزه و آراسته باشند، مساجد خداوند نیز باید پاکیزه و آباد و معمور باشد.

البته بایـد توجه داشت ؟ آبـادانی و سـاختن مساجـد به تصـریح قرآن کریم منحصـرا بایـد توسـط صالحین و مومنین راستین که فرمانبرداران واقعی خداوند هستند صورت

گیرد تـا انفـاس پـاک آنـان موجب رونق و آبادی معنوی مساجـد نیز بشود و اثری از ریا و تظاهر و شـرک و نفاق در آن باقی نمانـد. به همین منظور خداوند در آیه دیگری مشـرکین و آن که ایمان واقعی ندارند را از تعمیر و ساخت مساجد منع می کند و اعمال آن ها را بیهوده و نابود توصیف می نماید.

ما کان للمشرکین این یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون (۱۴)

مشـرکان را نرسـد که مساجـد خدا را تعمیر کنند در صورتی که به کفر خود شـهادت می دهند. خدا اعمالشان را نابود خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود.

و من اظلم ممن منع مساجـد الله یـذکر فیها اسـمه و سـعی فی خرابها اولئک ما کان لهم این یـدخلوها الا خائفین لهم فی الـدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم (۱۵)

و کیست سـتمکارتر از آن که مردم را از ذکر نـام خـدا در مساجـد، منع کنـد و در خرابی آن اهتمـام و کوشـش نمایـد، چنین گروهی در مساجـد مسـلمین در نیاینـد جز آن که بر خود ترسان باشـند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصـیب است و در آخرت عذابی بسیار سخت .

ایـن آیـه در حکـم انـذاری دائمی برای همگـان اسـت کـه مبـادا بـا منـع مردم از مساجـد و تخریب خـانه هـای خـدا در ردیف ستمکارترین و خوارترین مردم قرار گیرنـد. به عبارت دیگر این آیه به مانند حفاظی دائمی در طول تاریخ اسـلام بوده است .و باعث مصونیت مساجد از تعدی افراد مختلف شده است .

گر چه کسانی که ایمانی

نداشته و یا کافر بوده اند از این مساله مستثنی بوده اند و به عذاب عملکرد خود گرفتار شده و خواهند شد.

و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا(۱۶)

اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه ها و دیوسیرتها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شد.

در این آیه شریفه یکی از فلسفه های تشریع جهاد در راه خدا که همانا حفاظت مساجد از ویرانی و پایداری ذکر و تسبیح خداوند در جامعه است بیان می شود. و مسلمین بدین طریق موظف می شوند که در راه خدا با ستمکارترین مردم که به تخریب مساجد و مقابله با مظاهر دین می پردازند جهاد کنند و این گونه دین خدا را یاری کند که یقینا یاری خواهند شد.

و الذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المومنین و ارصاد لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون لا تقم فیه ابدا(۱۷)

آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام بر پا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسمهای موحد یاد می کنند که در بنای این مسجد ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم خدا گواهی می دهد که محققا دروغ می گویند و تو ای رسول ما هرگز در مسجد آنها قدم

مگذار.

این آیه درباره مسجد ضرار نازل شده است و مهترین نکته ای که از این آیه استفاده می شود این است که اساسا مسجد دارای تقدس ذاتی نیست بلکه تقدس : در صورتی است - پایگاه توحید و در خدمت اهداف دین محل ذکر و یاد خدا و عبادت بندگان مؤ من خدا باشد. و گرنه اگر به جای اینها در خدمت تفرقه و نفاق باشد و برای تضعیف جامعه اسلامی و رخنه در صفوف امت مسلمان تاسیس شده باشد نه تنها تقدسی ندارد بلکه همچون بتکده باید نابود شود و از بین برود. همان طور که پیامبر اکرم (ص) چنین کرد و مسجد ضرار را به آتش کشید.

اما درباره مسجد ضرار و ماجرای تاریخی آن با توجه به این که در این نوشتار درباره این مسجد چیزی نیامده است ، لازم است در این جا به صورت خلاصه اشاره ای به این واقعه تاریخی بنماییم .(۱۸)

جمعی از منافقین مدینه در فاصله ای دورتر از مسجد پیامبر اقدام به ساختن مسجدی کردند که هدف اصلی آنها به تصریح قرآن کریم ، ایجاد تفرقه و جلوگیری از حضور مسلمین در صفوف نماز جماعت مسجد النبی بود. این جمع پس از ساخته شدن مسجد به نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و از ایشان خواستند که برای افتتاح مسجد در آن نماز بگزارد و هدف آنها این بود که با این اقدام به عملکرد خود مشروعیت داده باشند و اعتبار لازم را در نزد مسلمین از این رهگذر به دست آورند.اما پیامبر اکرم (ص) که آماده سفر برای غزوه بلوک بودند این کار را

به پس از بازگشت از این غزوه موکول فرمودند.در سفر بازگشت نیز این آیات بر پیامبر نازل شد و خداوند بدین وسیله پیامبر و مسلمین را از نیت منافقین آگاه نمود. پیامبر نیز دو نفر از اصحاب خود را فرستادند تا مسجد را تخریب نموده و به آتش کشیدند و این روایات تاریخی عبرتی شد برای مسلمین که به هر کاری که با ظاهر دینی انجام می شود اطمینان نکنند و مراقب نفوذ منافقین در صفوف خود باشند.

لمسجد اسس علی التقوی من اول من اول یوم احق ان تقوم فیه ، فیه رجال یحبون ان یتطهر وا و الله یجب المطهرین (۱۹)

همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر این که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا مردان پاک مهذب را دوست می دارد.

این آیه شریفه نیز که به ضرورت اساس تقوا برای مساجد تاکید دارد به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا نازل شده است که پیامبر اکرم (ص) در نخستین روزهای ورود به مدینه آن را تاسیس نمودند؛ البته برخی نیز معتقدند که این آیه درباره مسجد النبی است که هر یک صحیح باشد در اساس تقوای آنها تفاوتی نمی کند.

به این ترتیب با بررسی آیاتی چند از قرآن مجید به عظمت جایگاه مسجد در کلام وحی پی بردیم . و اکنون جایگاه این نهاد مقدس را در احادیث و روایات مورد بررسی قرار می دهیم .

مسجد در احادیث و روایات

در جوامع روایی شیعه و سنی به حدی حدیث و روایات در عظمت جایگاه مسجد

و همچنین فضیلت نماز و عبادت در مساجد و تکریم اهل مسجد وارد شده است که بایستی دست به گزینش زد و اخباری را بیان نمود تا به صورت اجمال نسبت به جایگاه مسجد در سنت آگاهی پیدا کرد.

باید توجه داشت که این سخنان و احادیث از زبان کسانی نقل می شود که مسلمین در طول تاریخ به نام سنت همه تلاش خود را در تاسی به رهنمودهای آنها نموده اند و همواره به عنوان پیشوایان خود به آنها اقتدا کرده اند، بنابراین کاملا طبیعی است که این تکریم و تعظیم بازتاب گسترده ای در میان مسلمین داشته و آنها را به توجه همه جانبه و حضور پیوسته در مساجد در طول تاریخ واداشته است .

در این بخش بیشتر به نقل احادیث و روایات اکتفا شده و کمتر توضیح و تفسیر داده شده چرا که احادیث خود گویاترین و رساترین بیان را دارا می باشند.

امیرالمؤ منین علی (ع) فرمود: دنیا مسجد محبان خداست و نماز گاه فرشتگان او(۲۰)

در تکریم و احترام خاصی که پیامبر اکرم (ص) برای مسجد قائل بوده اند چنین نقل شده است که : رسم رسول خدا (ص) بود که هر گاه از سفری بر می گشت ابتدا به مسجد می رفت و دو رکعت نماز می خواند. سپس در آن جا می نشست و مردم به دیدنش (۲۱)

می آمدند.

جناب شیخ صدوق در کتاب شریف من لا یحضره الفیه چنین روایت می کند: که در تورات ثبت و مقرر گردیده ، به راستی خانه های من در روی زمین همان مساجد است ، هلا فرخنده باد آن بنده ای

که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه ام زیارت کند. البته که گرامی داشت میهمان بر صاحبخانه لازم و فرض است . حالا آنان را که در تاریکیهای شب گام برداشتن به سوی مساجد را پیشه ساخته اند. بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: خدوانذ تبارک و تعالی فرموده است : که همانا مساجد خانه های من در زمین است . می درخشند برای اهل آسمان همان طور که ستارگان برای اهل زمین می درخشند.(۲۲)

و نیز فرمود: در دنیا همچون میهمانان باشید و مساجد را خانه های خود گیرید.(۲۳)امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: نشستن در مسجد در نزد من بهتر است از نشستن در بهشت ، چرا که در نشستن در بهشت خشنودی من است و در نشستن در مسجد رضایت پروردگارم .(۲۴)

در بحار روایت شده است که ابو بصیر گفت : از امام صادق (ع) از علت تعظیم مساجد پرسیدم ، پس فرمود: همانا امر به تعظیم مساجد برای این است که مساجد خانه های خدا در زمین است .(۲۵)

و نیز امام علی چ) می فرماید: هر کس مسجدی را بزرگداشت و احترام کرد در روز قیامت پروردگار را خندان و شادان ملاقات می کند نامه عملش به دست راستش داده می شود.(۲۶)

در باب تحیت و احترام مسجد به هنگام ورود احکام و روایات فراوانی وارد شده است که در برخی از آنها از حق مسجد بر مومنین سخن به میان آمده است که از آن جمله پیامبر اکرم (ص) می فرماید: حق مساجد را

بدهید که آن دو رکعت نماز است قبل از این که بنشینید و یا هنگامی که یکی از شما وارد مسجد می شود ننشیند تا این که دو رکعت نماز به جا آورد.(۲۷)

درباره فضائل اهل مسجد و ثوابی که نصیب آنها می شود نیز احادیث فراوانی وجود دارد.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس پیاده به سوی مسجدها گام بردارد، یا رو به مسجد رود، پاهای خود را بر هیچ تر و خشکی نگذارد، مگر این که برای او تسبیح خداوند گویند تا طبقه هفتم زمین .(۲۸)

امیرالمومنین (ع) می فرمود: هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز به طرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برداری که در راه خدا مورد استفاده او باشد. یا طرفه دانشی که از زبده های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف خدا که در انتظار او بوده ، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله ای که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید، و یا آن که از سر شوم و حیا گناهی را ترک کند.(۲۹)

رسول خدا (ص) فرمود: هفت فرد را خداوند در سایه خود قرار می دهد روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست . امام عادل و جوانی که در عبادت خدا رشد کند و بزرگ شود و مردی که قلبش وابسته به مسجد است هنگامی که از آن خارج می شود تا این که بدان

باز گردد...(۳۰)

امیر المومنین علی (ع) فرمود: برای همسایه مسجد نمازی نیست مگر در مسجد، جز آن که برای او عذر و علتی باشد، پس گفتند یا امیر المومنین همسایه مسجد کیست ؟ فرمود: هر کس که صدای منادی را بشنود.(۳۱)

و نیز رسول خدا (ص) فرمود: هر گاه مردی را دیدید که عادت به حضور در مساجد دارد برای او به ایمان شهادت دهید.(۳۲)

و درباره آبادانی و ساختن و نیز پاکیزه کردن مساجد نیز روایاتی موجود است که از آن جمله :

امام باقر (ع) فرمود: هر که مسجدی بسازد اگر چه به اندازه لانه باشد،(۳۳)خداوند عز و جل برایش در بهشت خانه ای می سازد.(۳۴)

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: هر بنایی وبال صاحبش ، در روز قیامت خواهد بود جز مسجد

و نیز فرمود: هر که در مسجدی از مساجد خداوند متعال چراغی افروزد، تا وقتی روشنایی آن چراغ در آن مسجد باقیست ، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای او طلب آمرزش کنند.

و در باب پاکیزگی مسجد فرمود: هر کس روز پنجشنبه و شب جمعه مسجد را بروبد و به اندازه سرمه ای که در چشم کنند از زباله آن جا بیرون برد خداوند تعالی او را بیامرزد.(۳۵)و مساجدتان را از ناپاکی و آلودگی حفظ کنید.(۳۶)

و از امام صادق (ع) نقل شده است که : سه چیز به خداوند متعال شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهل (و همسایگانش) در آن نماز به پا نمی دارند، و عالمی که در میان جهال است و قرآنی که (در گوشه ای قرار داد) غبار بر آن نشسته است و آن را

نمی خوانند.(۳۷)

اینها تنها گوشه ای از روایاتی است که در منابع روایی مذاهب اسلامی درباره فضیلت و عظمت جایگاه مسجد آمده است و اکنون با مشاهده این جایگاه می توان درک کرد که چرا مساجد این نهادهای مقدس جامعه اسلامی ، در طول قرنهای متمادی همچنان اعتبار و ارزش خود را در میان مسلمین حفظ کرده است و چون نمادی استوار برای تمدن اسلامی دوشادوش تاریخ این تمدن حرکت کرده و به زمان ما رسیده است و یقینا پس از این نیز چنین خواهد بود.

مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه

قسمت اول

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت و ورود به شهر مدینه در نخستین گام در راستای تحقق حاکمیت خویش اقدام به تاسیس یک نهاد اجتماعی دینی نمود که مسجد نام داشت .گر چه نهاد نماز جمعه پیش از ساختن مسجد النبی پایه گذاری شد، اما اگر مبنا را ورود به حدود مدینه قرار دهیم باز هم ساخت مسجد قبا بر نماز جمعه مقدم است . با توجه به چنین تقدمی که مسجد در نظام نوین مدینه دارا است جای این پرسش وجود دارد که چرا مسجد نخستین نهاد این نظام بود؟

در پاسخ به این سوال باید مباحثی چند را طرح کرد تا به اهمیت و ضرورت تقدم تاسیس مسجد بر هر نهاد دیگری پی برد.

با سپری شدن دوران دعوت در مکه و وقوع هجرت به مدینه فراز جدیدی از رسالت پیامبر اکرم (ص) آغاز می شود که در آن جهت گیری اصلی ، بنیانگذاری یک نظام حاکمیت مبتنی بر تعالیم اسلام است .این جهت گیری که اولین نشانه های بارز آن را در جریان بیت عقبه ثانیه (۳۸)و

مفـاد این بیعت می توان یـافت ، حاکی از آغاز حرکتی بی سابقه در محیط جزیره العرب یعنی ایجاد دولت و حکومت متمرکز بود.

همانطور که قبلا نیز اشاره شد نواحی مرکزی جزیره العرب دچار عقب افتادگی تمدنی بسیار شدیدی بود که آن نیز از مدنیت گریزی و بلکـه مـدنیت ستیزی اعراب ناشــی می شـد. در چنیـن محیطی در طـول تاریـخ پیش از اسـلام اثری از تشـکیل یک حکـومت و دولـت مرکزی که اعراب از آن تمکین کننـد مشاهـده نمی شـود. و جـامعه شکسـته عربی تنهـا شاهـد نظـام از هم گسـیخته و غیر متمرکز قـبیلگی در این نـواحی است . بـا این وصـف تجربه دولت مـدینه نخسـتین تجربه در نوع خود در مرکز جزیره العرب محسوب می شود.

دربـاره این که چطور مردم یثرب آمـاده پـذیرش چنین حـاکمتی شدنـد و چه عواملی آنها را به این سو سوق داد که حاکمیت پیامبر و بلکه پیش از پیامبر، ایجاد یک نظام سلطنتی در محیط یثرب را بپذیرند و از آن استقبال کنند، تحلیلهای فراوانی وجود دارد که بحث درباره آنها در این مجال نمی گنجد.

آن چه که مهم است این است که تشکیل دولت نیازمند ابزارها و نهادها و سازماندهی اجتماعی است که در درون آنها روابط اجتماعی مردم و سامانه اقتصادی و سیاسـی جامعه تبیین و در قالب این سامانه احکام دین یا شـریعت اسلامی جاری شود، حال که چنین نظامی بی سابق است پیامبر بایـد از چه الگویی پیروی کند، آیا از نظامهای حکومتی امپراطوریهای روم و ایران تبعیت کند، یا این که نه در فاصله ای نزدیکتر به تقلید از نظام پادشاهی نجاشی عادل بپردازد؟

اما پیامبر پاسخ منفی به این سوال را خود در اعتراض به یکی از اصحاب که از ایشان خواسته بود کمی وضعیت زندگی خود را بهتر کنند داده بودند آن جا که فرمودند: آیا پنداشته ای که این امارت و سلطنت است و نمی دانی آن چه من دارم نبوت است ؟

بدین ترتیب امکان تقلید از آنها منتفی بود گر چه باب اقتباس و استفاده از تجارب مفید آنان هرگز بسته تلقی نمی شد. بنابراین پیامبر باید الگوی جدیدی از حاکمیت و روابط حکومت شونده و حکومت کننده را ارائه می کرد، که این الگو هم با شرایط خاص اعراب جزیره العرب تناسب داشت و هم با جهان شمولی دعوت پیامبر اسلام و جهت گیری جهانی این دین آسمانی .

این الگو که پیامبر با تکیه بر وحی آن را ارائه نمود بر دو روی کرد و نگرش خاص اسلام به حیات اجتماعی نشات گرفته از تفسیر عمومی انبیاء الهی و ادیان توحیدی از این حیات است . نگرشی که حیات اجتماعی را نه تنها منفک از حیات فردی نمی داند، بلکه کمال و سعادت فرد را در گرو سعادت و سلامت جامعه تعریف می کند. در این نگرش افراد جامعه به همان اندازه که در قبال سر نوشت و سعادت خود موجبند، درباره سرنوشت کلی جامعه نیز مسوولیت دارند. با این روی کرد دیگر تحصیل صرف کمال فردی نه تنها مطلوب نیست بلکه تلاشهای ریاضت گرایانه در این مسیر نیز مطرود و مذموم است . کمال انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است و هر یک بدون دیگری ناقص و یا اساسا نا

ممکن خواهد بود.بلکه کمال و تحقق آن ، در بستر حیات فعال اجتماعی و گذر از درون مناسبات همه جانبه اجتماعی ممکن می شود.

بدین ترتیب : تفسیر کمال بشری بر بنیاد ضرورت تکاپوی فعال اجتماعی ، طبعا وجوب تلاش برای تاسیس نظام مطلوب اجتماعی را به عنوان بستر، زمینه و شالوده کمال فردی به دنبال می آورد. به همین دلیل ، رسول خدا (ص) از همان آغاز دوره مدنی ، دوره ای که به عکس عصر مکی سرزمین ، قدرت ، امت و قانون در آن مجتمع و مهیا بود، در قالب وحی و رسالت الهی به تاسیس نظام اسلامی پرداخت و در طول حبات خود در این دوره همه تلاشها را بر آن محور متمرکز ساخت . (۳۹)

با عنایت به این مبانی و شالوده های نظری نسبت به وجود انسان و غایت حیات فردی و اجتماعی او در آیین اسلام ، می توان این نتیجه را گرفت که تمامی سامانه ها و نهادهایی که در نظام حاکمیت مدینه به کار گرفته می شد باید مناسبت تام با این مبانی می داشت و نهادها باید تامین کننده این نگرش خاص از حضور فعال مومنین در بستر جامعه در راستای کمال می بود.

اما رویکرد دیگر عبارت از نوع نگرش خاص پیامبر و اسلام به شیوه حاکمیت و نوع تعادل میان حاکم و مردم و در یک کلام نقش مردم در حاکمیت بود.

مردمی که در عرصه حیات اجتماعی آن چنان که اشاره شد مسوول و حاضر بودند، به طریق اولی در بحث حاکمیت نیز نقش ایفا می کردند. حکومت اسلامی مدینه متفاوت از حکومتهای رایج

آن روز شرق و غرب جهان بود. روابط در این حکومت دو طرفه بود و نه یک طرفه و طرفین در برابر هم مسوولیت داشتند، نه این که یک طرف حق محض باشد و طرف دیگر تکلیف محض آن چنان که در دستگاه حاکمه امپراطوریهای کسری و قیصر رایج بود.

درست است که بنیاد فلسفه سیاسی و اساس حاکمیت پیامبر را جایگاه نبوی او تشکیل می داد و مشروعیت او در نخستین شالوده و اصلی ترین آن بر حق حاکمیت الهی استوار بود، اما به گمان ما خساست که شباهت صوری این فلسفه سیاسی یا تئوکراسیهای شناخته شده در تاریخ فلسفه سیاسی را به معنی همسویی و هم معنایی آنها بدانیم .(۴۰)

تفاوت اصلی در این زمینه را باید در سه حوزه اصلی جستجو کرد که عبارتند از پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم و ویژگیهای حاکم روش اعمال حاکمیت .

۱- در باب پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم باید متذکر شد که گر چه همانطور که اشاره شد حق حاکمیت پیامبر یک حق الهی و ناشی از جایگاه نبوی وی می باشد؛ اما به فعلیت در آمدن این حق حاکمیت تنها با پذیرش مردم میسر است به عبارت دیگر؛ اصل بیعت ارادی آن هم بر بنیاد میثاق روشن و محتوای قرآن آشکار از پیوند دو سویه روابط حاکمیت و ملت در حکومت مدینه خبر می دهد.(۴۱)

بنابراین باید اذعان کرد که پایه مشروعیت اعمال حاکمیت پیامبر، رای و پذیرش مردم بود. در این جا برای این که از بحث اصلی خود دور نشویم به همین مقدار بسنده می کنیم و تنها اشاره می نماییم که در سیره

نبوی نیز این مقوله آشکار است .در مکه که خواست مردم در جهت تحقق این حاکمیت نیست اثری از تلاش پیامبر برای تحقق حکومت اسلامی مشاهده نمی شود و حتی رنگ و بوی آیات مکی نیز بیشتر رنگ بوی عقیدتی ، اخلاقی و تبلیغی است . اما به عکس در مدینه از همان نخستین روزها و حتی پیش از هجرت در روش پیامبر نوعی جهت گیری حکومتی مشاهده می شود و آیات مدنی نیز بیشتر جنبه حقوقی ، تکلیفی و اجتماعی یافته اند. چرا که اهل مدینه برای پذیرش حاکمیت پیامبر اعلام آمادگی کرده بودند.

۲- پیامبر به عنوان حاکم در مدینه به حکومت رویکردی در جهت اعمال حاکمیت شخصی خود ندارد. پیامبر در مدینه شالوده قدرت ، حکومت و اعمال حاکمیت را ناشی از خداوند می داند. ولی نه به عنوان عطیه ای برای اعمال اراده شخصی خود.چنان که پیامبر در سیره سیاسی خود نشان می دهد، این حکومت برای اعمال و تحقق حقوق معین الهی در جامعه و میان امت است نه حقی خاص برای خود او و در راستای خواسته های شخصی وی . به عبارت دیگر حاکمیت الهی پیامبر برای تحقق قانون الهی است ؛ قانونی که مردم آن را به عنوان میثاق ملت و دولت با اراده خود پذیرفته اند.(۴۲)

با این اوصاف شاید بهتر باشد از لفظ حاکم استفاده نکنیم چرا که پیامبر حکمرانی نمی کرد بلکه احکام الهی را در جامعه پیاده می کرد بلکه از واژه دیگری استفاده نماییم و آن واژه امام است .پیامبر جامعه را امامت می کرد و این نوع از حاکمیت با قانون یا زور

و در جهت حفظ نظم و آرامش جامعه نبود، بلکه پیشوایی مردم بود با محبت و عشق در جهت هـدایت و نیل به سـعادت رابطه پیامبر به عنوان امام با مردم به عنوان امت در بررسی سیره آن حضرت در مدینه گواهی است بر صدق سخن ما.

قسمت دوم

پیامبر در رفتار و سـلوک سیاسـی خود نه برای خود و خانواده اش امتیازی قائل بود و نه میان خود و مردم تفاوتی قائل می شد. در اجرای همه احکام خود پیشـقدم بود و دستورات را ابتدا از خود آغاز می کرد تا در عین حال نمونه و اسوه عملی جامعه نیز باشـد. با مردم نشـست و برخاست می کرد و هرگز خود را جـدا از آنها نمی دیـد و در یک کلامماننـد بندگان می نشـست و مانند بندگان غذا می خورد و مانند بندگان زندگی می کرد و تا از این جهان رحلت فرمود چنین بود.

۳- روش اعمـال حـاکمیت پیـامبر نیز روشـی کاملاـ متفـاوت و جدیـد در جهـان آن روز بود. در این روش نقش مردم تنهـا به تشـکیل حکومت و مشـروعیت بخشـیدن به اعمال حاکمیت محـدود نمی شد.بلکه این نقش با تشـکیل حکومت تازه آغاز می گردید و هر لحظه جدی تر می گشت .

پیامبر بزرگوار اسـلام (ص) با تاسـیس نهادهای متعدد روز به روز در جهت تقویت این نقش بر آمد و انجام وظایف اجتماعی و سیاسـی برای مردم را نه فقـط یـک حق شـهروندی بلکه یـک تکلیف الهی می شـمرد. به طوری که سـرباز زننـدگان از این مسوولیت مورد مواخذه قرار می گرفتند. نهادهایی مانند مسجد که در ادامه بیشتر درباره

آن توضیح داده خواهد شد و زکات و جهاد و نماز جمعه و مهمتر از همه امر به معروف و نهی از منکر از این جمله اند. امر به معروف و نهی از منکر که با پشتوانه یک حق برای مومنین واجب شده بود، عالیترین سطح مشارکت اجتماعی در جهت نظارت عمومی و همه جانبه مردم در همه سطوح و ارکان جامعه از صدر تا ذیل را موجب شده بود و آن حق ، مساله ولایت مومنین بر مومنین بود.

بدین ترتیب مشاهده می شود که روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز که دقیقا مبتنی بر حضور و مسوولیت مداوم مردم بود، روشی کاملا متفاوت و بلکه متضاد با الگوهای رایج در آن روز یا امروز جهان بوده و هست .

اکنون که تا حدودی با دو نوع نگرش خاص به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت در الگوی حاکمیت پیامبر در مدینه آشنا شدیم مناسب است بار دیگر به سوالی که در آغاز این بخش مطرح نمودیم باز گردیم و به آن پاسخ دهیم و آن این که ، چرا مسجد نخستین نهاد نظام حکومتی پیامبر در مدینه بود؟

در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود که چنان رویکردی به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت مستلزم این است که نهادهای این نظام نیز در تناسب با این رویکردها باشند. پیامبر اسلام (ص) در نخستین گام برای تثبیت حاکمیت خود نیاز به یک مقر حاکمیت و پایگاه فرماندهی دارد. پایگاهی که مردم آن جا را به عنوان مرکز روحی ، فکری و سیاسی خود بشناسند.با توجه به نگرشهای مزبور آن مرکز نمی توانست

کاخ و قصر و داراالاماره باشد. آن مرکز نمی توانست ایوان مدائن یا شهر ممنوعه و یا تخت جمشید باشد، آن مرکز حتی نمی توانست مجلس سنا که در ظاهر رنگی از مشارکت مردمی ؛ مردمی که نه مشارکت اعیان و اشراف را داشته ، باشد. بلکه این مرکز باید پایگاهی می بود که در آن حاکم و حکومت شونده یک جا حاضر باشند و هر روز یکدیگر را ملاقات نمایند. حاکم در همان جا حکم کند و حکومت شونده همان جا اعتراض و استیضاح کند.حاکم و حکومت شونده همان جا با هم مشورت نمایند و با توجه به جهت گیری الهی این حکومت عبادات اجتماعی به امامت پیشوای جامعه نیز باید در همین مکان صورت گیرد.ابلاغ و تعلیم احکام الهی نیز در همین مکان به عنوان مقر حاکمیت دینی باید انجام شود و...

با توجه به این کارکردهای متعدد اساسا کدام نهاد بهتر و مناسبتر از مسجد را می توان نام برد. مسجد در عین این که معبد و جایگاه عبادت مسلمین بود همه کارکردهای سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، حقوقی ، تبلیغی ، ارتباطی و...را داشت .

به عبارت دیگر مسجد النبی از همان بدو تاءسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی مورد استفاده بود، بلکه نخستین کانون فعالیتهای علمی ، سیاسی و اجتماعی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می رفت . در واقع پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) در این مسجد بنیانگذاری شد و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد.

به عبارت

دیگر مسجد الرسول (ص) برای جامعه اسلامی نوپا در حکم مسجد جامعی بود که ضمن آن که در آن نمازهای جماعت و دیگر آداب دینی برگزار می شد پیامبر و اصحابش در آن گرد هم می آمدند.هرکه می خواست پیامبر را در آنجا ملاقات می کرد و پیامبر هر آن چه که می خواست به شخصه یا به وسیله یکی از صحابه به امتش ابلاغ می نمود و بدین ترتیب مسجد النبی مرکز روحی ، فکری و سیاسی امت و رمز وحدت آنان بود.(۴۳)

با این وصف مسجد النبی باعث ایجاد عنصر مادی ، امت اسلامی و مکانی برای تجمع و دیدار مسلمانان شد. و لذا مکملی برای عنصر قانونی و شرعی تشکیل امت گردید.(۴۴)

اکنون می توان ادعا کرد که ضروری ترین نهاد در جامعه مدینه مسجد بود که پیامبر به درستی آن را به عنوان نخستین نهاد در جامعه مدینه تاءسیس نمود و بدین ترتیب با تشکیل حکومت اسلامی ، پیامبر ادبیات سیاسی جدیدی را پایه گذاری کرد؛ ادبیات سیاسی که در آن حکومت کننده امام و حکومت شونده امت مقر حاکمیت مسجد بود.

مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات

اکنون که دریافتیم که مسجد نخستین نهاد شهر مدینه بود لازم است به این نکته نیز اشاره نماییم که این نقش برای مسجد در تمامی دوران فتوحات حفظ شد و فاتحان مسلمان همواره به این سنت پیامبر تاسی می نمودند. هر کجا شهری بنا می کردند اولین بنای آن که نماد اسلامی بودن شهر محسوب می شد ساختن یک مسجد بود، آنهم در میانه شهر. آن چنان که در بصره و کوفه چنین شد. مسلمین

پس از پیروزی بر سپاه ایران در قادسیه ، بصره و کوفه را از این جهت که برای اقامت سپاهیان اردوگاه مناسبی بود ساختند. در زمان خلافت عمر به سال ۱۶هجری عتبه بن غزوان ، بنیان بصره را آغاز کرد و کوفه نیز به دست سعد بن وقاص بنیاد گرفت ، بصره در آغاز کار به یک دهکده بیشتر شباهت داشت . نخست در آن جا مسجدی ساختند و پهلوی مسجد دارالاماره به وجود آمد و در اطراف آن هر ناحیه به قبیله ای اختصاص یافت که در آن مسجد و...وجود داشت .(۴۵)

درباره کوفه نیز که در سال ۱۷هجری ساخته شد ابوالهیاج بن مالک اسدی نقشه خیابانها و کوچه ها را کشید و مسجد جامع را پی افکند و جلو آن را سایبانی بر ستونهای سنگی ساخت ، مسجد را وسط شهر قرار دادند و کوچه ها از آن آغاز می شد. (۴۶)

در زمان منصور عباسی سپاهی برای فتح مناطق سند گسیل شد که فرمانده آن سپاه هشام بن عمر و تغلبی بود. وی کشتی ها ساخت و آنها را به رودخانه سند انداخت و تا قندهار پیش رفت و آن را فتح کرد و اسیر گرفت و بد بتخانه را ویران ساخت و به جای آن مسجدی بنا نهاد.(۴۷)

به نظر می رسد که در سیره پیامبر علاوه بر آن چه درباره مسجد النبی در مدینه اشاره شد تاکیدات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و پیامبر خود نیز در سرزمینهایی که در طول حیات ایشان به جامعه اسلامی ملحق می گشت چنین عمل می فرمود و از این رو مسلمین با الهام گرفتن از

این سنت مؤ کد نسبت به تاءسیس مسجد در جریان فتوحات اهتمام ورزیدند.به عنوان نمونه در طبقات ابن سعد آمده است که پس از این که در عام الوفود، نمایندگان بنی حنیفه برای پذیرش اسلام از یمامه به مدینه آمده بودند به هنگام بازگشت پیامبر (ص) ظرف آبی به آنها داد که در آن مقداری از آب باقی مانده از وضوی آن حضرت قرار داشت و فرمود: چون به سرزمین خود رسیدید معابد خود را ویران سازید و به جای آنها از این آب بپاشید و همان جا مسجد بسازید و چنان کردند.

در توضیح علت این امر به نظر می رسد علاوه بر آن مطالبی که در بخش قبلی پیرامون ضرورت تاءسیس مسجد به عنوان اولین نهاد در مدینه بدان ها اشاره شد و در این زمینه نیز صدق می کند، یک نکته بسیار اساسی دیگر نیز درباره شهرهای فتوحات وجود داشته است و آن این که مسجد نشانی از روح اسلامی بود و تسلط معنوی مسجد بر شهر باعث تذکر دائم ارزشهای اسلامی و غلبه معنویت بر روابط اجتماعی مردم شهر می گشت وقتی مساجد در وسط شهر ساخته و همه خیابانهای اصلی شهر به آن ختم می گردید، طبیعی است که مردم به صورت روزمره با آن نماد اسلامیت شهرشان ارتباط برقرار می کردند و این باعث می شد که روح ارزشهای اسلامی در جامعه زنده بماند و حال آن که اگر به مساجد توجه نمی شد و یا مرکزیت خود را در شهرها از دست می داد و به حاشیه رانده می شد چنان که در دوره های بعد این اتفاق

افتاد از تسلط معنویت بر شهرها خبری نبود، بدین ترتیب مساجد همواره نماد اسلامیت و حافظ روح اسلامی یک شهر در سراسر جهان اسلام به شمار می رفت .

چگونگی تاءسیس مسجد در مدینه

اشاره

پس از وقوف به موقعیت مسجد، پرداختن به چگونگی تاءسیس مسجد در مدینه با رویکردی تاریخی خالی از لطف نیست .لذا در این بخش به صورت مختصر به ساخت مسجد قبا و نیز مراحل مختلف تاءسیس مسجد در مدینه اشاره شده است و از نحوه ورود پیامبر به مدینه و تعیین زمین مسجد و مشارکت عمومی پیامبر و مردم در ساخت مسجد و نیز طرح بنای مسجد که در مناسبت کامل با روح اسلام بود، سخن به میان آمده است .

بدیهی است که تفصیل این مراحل را باید در کتب معتبر تاریخی جستجو کرد و در این جا به تناسب این نوشتار صرفا به اشاراتی اکتفا شده است .

مسجد قبا

لمسجد اسس علی القوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین . (۴۸)

همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه تقوا محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر آن که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا، مردان پاك مهذب را دوست می دارد.

این آیه به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا یعنی همان مسجدی که پیامبر اکرم پس از هجرت در نخستین روزهای ورود به حوالی مدینه آن را ساخت نازل شده است . مسجدی که اساس آن بر تقوا گذاشته شده و در آن مردانی حضور می یابند که خالصانه در صدد بندگی و تهذیب نفس هستند.

درباره ساخت این مسجد در کتب معتبر تاریخی چنین نقل شده است که : روز دوشنبه بود که رسول خدا (ص) در محله قبا وارد شد

و تا روز جمعه در قبا در میان قبیله بنی عمرو بن عوف ماند و در همان چند روز مسجد قبا را که نخستین مسجدی است که در اسلام بنا شده به دست خود بنا کرد.(۴۹)

مسعودی نیز در مروج الذهب با اشاره به تاریخ ورود پیامبر روایت مشابهی را نقل می کند و می نویسد: ورود پیامبر (ص) به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود. وقتی به مدینه رسید در قبا بر سعد بن هیثمه فرود آمد و مسجد قبا را ساخت و روز دوشنبه و سه شنبه و چهار شنبه و پنجشنبه در قبا بود و روز جمعه چاشتگاه به راه افتاد.(۵۰)

بدین ترتیب اگر تاریخی که مسعودی نقل کرده است را بپذیریم ساخت مسجد قبا در فاصله دوازدهم تا شانزدهم ربیع الاول سال اول هجری صورت گرفته است . با توجه به این که پیامبر برای رسیدن علی (ع) که در مکه به موجب ماموریتهایی که داشت باقی مانده و سپس حرکت کرده بود، در قبا منتظر مانده بودند و می خواستند که با علی (ع) وارد مدینه شوند. پس از پیوستن ایشان به پیامبر (ص) در قبا به موجب برخی روایات ، رسول گرامی اسلام (ص) مسجد قبا را با یاری علی (ع) بنا کرد.(۵۱)

البته با توجه به حضور برخی مسلمانان در قبا و در میان قبیله بنی عمر و بن عوف احتمال شرکت آنان در ساخت مسجد نیز وجود دارد. به هر حال پیامبر این مسجد را قبل از ورد به مدینه ساخت و البته پس از تغییر قبله به سوی کعبه پیامبر به همراه

جمعی از یـاران به محـل این مسـجد آمدنـد و قبله آن را که به سـوی بیت المقـدس بـود به سوی کعبه گردانیدنـد و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می کند که : چون قبله از بیت المقدس به کعبه پیامبر به همراه جمعی از یـاران به محـل این مسـجد آمدنـد و قبله آن را که به سـوی بت المقـدس بـود به سـوی کعبه گردانیدنـد و همین امر موجب تعمیراتی در مسـجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می کند که : چون قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر پیدا کرد پیامبر (ص) به محل مسـجد قبا آمـد و دیوار آن را در مین محل که امروز قرار دارد بنا نهاد و فرمود جبرئیل جهت قبله را برای من تعیین می کنـد و خود (۵۲)آن حضـرت و یارانش برای ساختن آن مسجد سنگ حمل می کردند.(۵۳)پس از ای نیز پیامبر اکرم در تمام دوران مدینه احترام و تکریم خاصـی از مسـجد قبا می فرمودند و پیوسـته مسـلمین را به حضور و نمازگزاردن در این مسـجد تشویق می نمودنـد و می فرمودنـد: هر کس به این مسـجد من که مسـجد قباست بیایـد و در آن جا دو رکعت نماز گزارد با برخورداری از ثواب عمره باز می گردد.(۵۴)

علاـوه بر این تشویق هـا پیـامبر خود نیز دائما در این مسـجد حضور می یافتنـد و در آن اقامه نماز می فرمودنـد. به طوریکه ابن سعد چنین نقل می کند که پیامبر (ص) هر روز شنبه پیاده به مسجد قبا می آمد(۵۵)و اینها همگی حاکی از

منزلت و جایگاه ویژه مسجد قبا در نزد پیامبر بود. و شاید بتوان گفت که این مسجد در مدینه پس از مسجد النبی در رتبه دو اعتبار و اهمیت قرار داشته و دارد؛ مسجدی که به تعبیر قرآن کریم بنیان آن بر تقوای الهی نهاده شده است .

ورود به مدینه و ماءموریت ناقه

پیامبر اکرم (ص) در روز جمعه پس از چهار روز اقامت در قبا با همراهی علی بن ابیطالب (ع) در میان استقبال پرشور انصار که از مدتها قبل انتظار ورود آن حضرت را می کشیدند وارد مدینه شدند.مردم انصار طایفه به طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند، پیش آن ها فرود آید و مهار شترش را می گرفتند پیامبر مهار آن را می کشید و می فرمود: بگذارید برود که ماءمور است .

در این تدبیر دو نکته نهفته است ؛ اول اینکه مکانی که در آن مسجد النبی تاءسیس شد مکانی بود که توسط باریتعالی انتخاب شد حتی اراده پیامبر هم در این انتخاب نقش نداشت بلکه اراده الهی از طریق یکی از جنودش که ناقه باشد مکان مسجد النبی به عنوان پایگاه اسلام را تعیین نمود.

دیگر این که این تدبیر باعث شد که زمینه هر گونه سوء تفاهم میان طوایف مدینه از بین برود، طبیعی است که میزبانی از پیامبر افتخار بزرگی بود که اگر القاب پیامبر نصیب یکی از طوایف می گشت موجب آزردگی و ناراحتی دیگر قبایل می شد و همین مساءله در بدایت امر می توانست مشکلاتی را برای پیامبر و جامعه مدینه ایجاد کند بخصوص که یثرب همواره آبستن درگیریهای سنگین و سخت میان قبایل خود بود. اما

این تـدبیر که ناقه ماءمور انتخاب منزلگاه پیامبر باشد همه را قانع کرد.چرا که آن را ناشـی از مشیت الهی می دیدند و لذا همه نیز به جایگاه انتخابی رضایت دادند.

پس از این که ماءموریت ناقه به اطلاع رسید شتر مزبور همچنان بیامد تا به محله بنی مالك بن نجار رسید و در همان جایی که اکنون مسجد آن حضرت قرار دارد زانو زد و خوابید زمین مزبور متعلق به دو کودك یتیم بود به نامهای سهل و سهیل فرزندان عمر و کـه در تحـت سـر پرسـتی معـاذ بن عفراء زنـدگی می کردنـد و در آن زمین خرمـای خـود را که از درخت می چیـدند خشـك می کردنـد.شتر رسـول خـدا در آن زمین خوابیـد ولی آن حضـرت پیـاده نشـد، از این رو شـتر برخـاست .چنـد قـدمی برداشت ولی مجددا به پشت سر خود نگاه کرده به همان جای اول بازگشت و همانجا زانو زده خوابید.و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسـباند. در این وقت رسول خدا (ص) از شتر پیاده شده پرسید: این زمین کیست ؟ معاذبن عفرا پیش آمده عرض کرد: این جا متعلق به فرزندان یتیم عمرو، سـهل و سـهیل است که تحت سر پرستی من هستند و من آن دو را راضی می کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در این جا مسجدی بنا کنید.(۵۶)

سخن دربـاره نحوه در اختیـار گرفتن زمین در سـیره به همین جـا ختم می شود امـا برخی منابع دیگر تاکیـد دارنـد که پیامبر به واگذاری زمین راضی نشدند و آن را از آن دو طفل خریداری نمودند.پیامبر (ص) آن

دو پسر بچه را خواست و پیشنهاد کرد آن قطعه زمین را برای ساختن مسجد بفروشند، گفتند زمین را برای مسجد می بخشیم و به شما می دهیم . رسول خدا (ص) نپذیرفت و فقط به خریدن از آنها قبول کرد. (۵۷)

درباره این زمین نیز که برای مسجد انتخاب شد نقلهایی هست که پیش از ورود پیامبر به مدینه نیز نمازگاه مسلمین مدینه بوده است از جمله ابن سعد نقل می کند که آن زمین به صورت چهار دیورای بدون سقفی بود و قبله اش به جانب بیت المقدس بود که اسعد بن زراره آن را ساخته و با یاران خود آن جا نماز می گزارد.(۵۸)

نویری نیز همین نظر را تایید می کند و نقل می کند که زمینی که ناقه رسول خدا بر آن زانو زد همان موقع هم زمینی بود که گروهی از مسلمانان در آن جا نماز می گزاردند.(۵۹)

بدین ترتیب با مشخص شدن محل ساخت مسجد النبی پیامبر رسما دستور ساخت بنای مسجد را صادر نمودند و بدین ترتیب نخستین مشارکت عمومی امت اسلامی در ساخت مسجد شکل گرفت .

مشارکت عمومی در ساخت مسجد

برای آغاز ساخت مسجد لازم بود که ابتدا زمین مزبور تسطیح شود و زوائد آن از بین برود. لذا پیامبر (ص) فرمان داد تا درختان خرما و درختان خاردار دیگری را که در آن زمین بود بریدند و خشت خام کردند و دستور فرمود تا چند گور را که از دوره جاهلیت در آن بود نبش کردند و استخوانها را در جای دیگر دفن نمودند، در بخشی از زمین آبی بود که آن را کشیدند تا خشک شد و مسجد

را بنیان نهادند.(۶۰)

نکته مهم در جریان بنیانگذاری مسجد، حضور فعال شخص پیامبر اکرم (ص) و کار کردن ایشان پیش و بیش از دیگران بود.به طوری که درخواستهای مکرر اصحاب مبنی بر این که آنها کارها را انجام می دهند و پیامبر به استراحت بپردازند، اثری نداشت و پیامبر (ص) همچنان به فعالیت خودشان ادامه می دادند و طبیعی بود که این حضور موجب حضور جدی تر و پر شورتر اصحاب به تبعیت از پیشوای خود می شد.

ابن هشام در سیره به این موضوع اشاره دارد و می نویسد: پس از این که رسول خدا (ص) دستور بنای مسجد را در آن زمین داد ابتدا خود آن حضرت دست به کار ساختمان مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند و از همین رو عموم مهاجر و انصار در بنای مزبور شرکت جسته و کوشش بسیاری در اتمام آن کردند.(۶۱)

تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساختمانی هم از شوق آنان حکایت داشت و هم متاءثر از مشارکت کاملا فعال پیامبر بود. آنان می دیدند که رسول خدا (ص) نه تنها در موضع نظارت و هدایت ننشسته بلکه خود در کنار همه بلکه بیش از همه در ساختن بنا فعال است .از این رو هرگز روا نمی دیدند که بی دلیل در سایه ای بیارامند و شاهد تلاش و کار پیشوای خود باشند.(۶۲)

از جمله روشهایی که پیامبر و اصحاب در این کار سنگین برای حفظ روحیه به کار گرفتند زمزمه اشعاری با مضامین خوب و مطلوب بود که هم باعث ایجاد شادابی در محیط کار می گشت و هم باعث می شد که کمتر

خسته شوند. به خصوص که شخص پیامبر (ص) نیز به این کار اقدام نمودند و با زمزمه هایی حتی انصار و مهاجرین را دعا می کردند و این خود بر شوق آنان می افزود.

از جمله زمزمه هایی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است این که :

اللهم لاعیش الاعیش الاخره فاغفر للانصار و المهاجره هذا الحمال لاحمال خیبر هذا ابر ربنا و اطهر

پروردگارا، زندگی جز زندگی آن جهانی نیست . خدایا انصار و مهاجران را بیامرز. و نیز این بیت : اینها بارهای پر برکت است نه بارهای خیبر، آری سوگند به پروردگار ما، این نیکوتر و پاک تر است .(۶۳)

و علی بن ابیطالب (ع) نیز این ابیات رامی خواند:

لایستوی من یعمر المساجدایداب فیه قائما و قاعدا و من یری عن الغبار حائدا

کسانی که با کوشش و جدیت در هر حال به ساختمان مسجد اقدام می کنند با کسانی که روی خود را از غبار و خاک می گردانند مساوی و یکسان نیستند.(۶۴)

بدین ترتیب نخستین و در عین حال یکی از زیباترین جلوه های مشارکت عمومی مسلمین در ساخت مسجد مدینه به نمایش گزارده شد و جامعه مدینه شاهد آغاز نوع دیگری از مشارکت فعال و آگاهانه اقشار مختلف مردم از طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی در کنار هم در راستای هدفی الهی و اجتماعی بود و این روند در طول دوران حیات پیامبر در عرصه های مختلف نمود داشت و الگوساز بود.

در پایان سخن پیرامون چگونگی ساخت مسجد مدینه ، در یغمان می آید که از صحابی پاکباخته رسول خدا (ص) عمار سخن به میان نیاوریم که

به گواه منابع معتبر تاریخی نخستین کسی بود که برای ساخت مسجد دست به کار شد و بیش از همه در این راه تلاش کرد و زحمت کشید.و به همین دلیل پیامبر نیز وی را مورد ملاطفت ویژه قرار دادند و او را پوست میان دو چشم خویش خواندند.اتفاقا خبر شهادت عمار به دست گروه باغی را نیز در همین جا به وی ابلاغ فرمودند. در سیره ماجرا چنین نقل شده است که عمار نخستین کسی است که اقدام به ساختمان مسجد کرد، عمار در کار ساختمان مسجد بیش از دیگران زحمت می کشید و خشت برای بالا- بردن دیوار حمل می کرد. روزی آنقدر خش بر پشتش بار کردند که به رسول خدا (ص) عرض کرد:

اینان امروز مرا کشتند.بارهایی از من کشیدند که خود یارای کشیدن آن را ندارند.

رسول خدا (ص) که این سخن را از عمار شنید، دست خود را به موهای سر عمار که گرد آلود شده بود کشید و فرمود: ای فرزند سمیه ، اینان کشنده تو نیستند.

بلکه کشنده تو گروه متجاوز و ستمکار است .(۶۵)

طرح بنای مسجد

باید گفت طرح بنای مسجد طرح منحصر به فرد بود و هیچ نشانی از تقلید از بناها و ساختمانهای دیگر و حتی عبادتگاهها و معابد سایر ادیان در آن مشاهده نمی شد. به طوری که وقتی در طرحی که پیامبر در ساخت مسجد اجرا کرد تامل می کنیم وضوح ، اصالت و تطابق کامل این طرح با روح اسلام ما را به تعجب وا می دارد. بی شک پیامبر طرحهایی کلی از شکل کلیساها و کنیسه ها در اختیار داشته است

و دست کم در سفر دومی که در سن ۲۴ سالگی با سرمایه خدیجه (س) به شام رفت کلیاتی از آن در ذهنش وجود داشت . اما در بنای مسجد هیچ یک از این طرحها تاءثیر نداشته ، و هیاءت و طرح آن تنها برگرفته از روح اسلام بود.(۶۶)

گزارشهای تاریخی موجود از جمله گزارش ابن سعد از طرح بنای مسجد گواهی بر صدق این گفته هاست .وی در باب ساختمان مسجد می نویسد: طول آن از محل محراب تا آخر مسجد صد ذراع و عرض آن هم همچنان و مسجد مربع بود و برخی گفته اند کمتر از صد ذراع بوده است . پایه های اصلی را به اندازه سه ذراع با سنگ بنا کردند و بقیه را با خشت خام ...و سه در برای آن قرار دادند.دری در آخر مسجد و دری دیگر که آن را در رحمت نامگذاری کردند و در سوم مخصوص آمد و شد رسول خدا (ص) بود، تمام دیوارها ساده بود و تنه درختان خرما را ستون قرار دادند و آن را با شاخ و برگ خرما پوشاندند.به پیامبر (ص) گفته شد: آیا برای مسجد سقف نمی سازی ؟

فرمود: نه سایبانی چون سایبان موسی (ع) کافیست ، مقداری چوبهای کوتاه و برگ . اجل شتابان تر از این است . (۶۷)

در واقع از آن جایی که اسلام دینی ساده و روشن است و تنها جاده ای است میان عبد و خالق ، بنابراین مسجد پیامبر (ص) نیز مکانی است پاکیزه که بنده با آفریدگار خویش ملاقات می کند؛ قطعه تمیز ومسطح و پاکیزه از زمین

که دیواری محیط بر آن (۶۸) است .

علاوه بر روح سادگی اسلام که بر مسجد مدینه حاکم بود یک مساله اساسی دیگر وجود داشت و آن ضرورت اصالت مسجد در اسلام بود. برای پیامبر حفظ استقلال و اصالت اسلام و نمودهای آن مساله ای اساسی بود و ایشان با حساسیت خاصی از این امر مراقبت می نمودند.نمونه این امر را در جریان تغییر قبل شاهد هستیم که پیامبر (ص) به شدت مایل بودند که قبله اسلام مستقل از قبله یهود باشد و قرآن نیز به این تمایل اشاره دارد.بدیهی است که اصالت مسجد اگر مهمتر از استقلال قبله نباشد کم اهمیت تر نیست . بنابراین ساختمان مسجد به عنوان نهاد دینی و اجتماعی اسلام باید نشانگر هویت مستقل اسلام می بود و لذا در طرح بنای مسجد مدینه کمترین نشانی از تقلید و اقتباس از معابد یهود و مسیحیت دیده نمی شود.

این سادگی و اصالت در تمام دوران صدر اسلام حفظ شد. در زمان ابوبکر هیچ تغییری در مسجد داده نشد و در زمان خلیفه دوم نیز صرفا بر وسعت و تعداد درهای آن افزوده شد و آن نیز ناشی از افزایش جمعیت مسلمین و کثرت زائران دیگر بلاد به ویژه در ایام حج بود.تنها در زمان عثمان مسجد اندکی تغییر کرد.وی در سال ۲۹ هجری قمری مسجد پیامبر را وسعت داد و در ستونهای آن قلع به کار برد و طول آن را صد و شصت ذراع و پهنای آن را صد و پنجاه ذراع قرار داد.(۶۹)

بدین ترتیب تا پیش از دوران اموی ویژگیهای سادگی و اصالت برای مسجد النبی حفظ شد

و تنها از این دوره بود که همراه با تغییرات بنیاد دینی که در همه چیز اسـلام اتفاق افتاد، در بنای مسجد نیز تغییرات مختلفی به جود آمد.

کارکردهای مسجد در صدر اسلام

توضیح

پیش از این اشاره کردیم که بـدون تردیـد درخشان ترین فراز حیات مساجد در طول تاریخ تمدن اسـلامی دوران صدر اسـلام است . چرا که در این دوران مساجد جایگاه و همه کارکردهای واقعی خود را به کامل ترین شکل دارا بودند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم نقشی کاملا برجسته و مطلوب داشتند.

بایـد خاطرنشـان سـاخت که در صـدر اسـلام مساجـد صـرفا مراکز انجـام دادن اعمـال عبـادی تلقی نمی شدنـد. بلکه همچنین مکانهایی برای انجام دادن فعالیتهای اداری ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، قضایی ، و نظامی جامعه مسلمانان نیز محسوب می شدند.

وقتی که مسجد مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام بنا نهاده شد، این قلب تپنده امت اسلام به عنوان مرکز عبادت ، مرکز سیاست ، مرکز قضاوت و مرکز آموزش و مورد توجه و مراجعه آحاد مسـلمین بود. این یگانگی گویاترین تجلی وحـدت ابعاد مختلف معنوی و مادی زندگی فردی و جمعی مسلمین بود.(۷۰)

در مسـجد نمـاز جمعه و جمـاعت بر پـا می شـد و مسـلمانان برای تعلیم دین و شـنیدن وعـظ و خطـابه در آن جمع می شدنـد، همچنین مساجـد محل قضاوت و داوری میان مردم ، تـدریس علوم مختلف دینی ، قرائت قرآن و پرسـش و پاسـخهای علمی و محل شب به روز آوردن مسافران و غریبان بود. علاوه بر این مساجد پایگاه سیاسـی جامعه و منبر آن تریبون رسمی حکومت و محل انتصاب فرمانداران و فرماندهان و ابلاغ احکام و

دستورات و نیز مکان شور و مشورت و انتشار اخبار و گزارشهای تازه و بعضا گفتگو درباره مسائل مالی و بازرگانی و معاملات تجاری به شمار می رفت .

این روند محدود به دوران پیامبر نبود. پس از ارتحال نبی اکرم (ص) خلفای راشدین نیز به همان ترتیب از مساجد استفاده کردند.خلیفه هم به عنوان امام جماعت و هم به عنوان خطیب جامعه مومنان به شمار می آمد و با همان قدرت و اقتدار پیامبر بر منبر می نشست و احکام و سیاستهای خود را بیان می کرد.(۷۱)

این کارکردهای متعدد، مسجد را به مرکز بی بدیل جامعه اسلامی تبدیل کرده بود. امام تحولات و افولهایی که در دوره های بعد به تدریج این کارکردها را تحت الشعاع قرار داد، آرام آرام مسجد را از مرکز جامعه به حاشیه راند.

در این فصل تلاش شده است در نگرشی نسبتا اجمالی کارکردهای مختلف دینی ، علمی و آموزشی ، فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و قضایی مساجد در صدر اسلام بررسی شود. و در ضمن در بخشی مستقل ویژگیها و کارکرد منبر به عنوان یکی از اجزای مهم و اصلی مساجد نیز تبیین گردد.

کارکرد دینی و تبلیغی

مساجد در درجه اول نهادهای دینی جامعه اسلامی محسوب می شوند که بایستی در آن شعائر دینی و آداب مذهبی اقامه شود و دین خدا در آن جا به صورت روزمره از سوی پیروان به نمایش گذارده شود.

بدون تردید بزرگترین عبادتی که در مسجد بر پا می شود نمازهای جماعت پنجگانه است که نمادی از شکوه توحید و عزت بندگی و حیات امت واحده است . این عبادت شکوهمند در عهد رسول الله

(ص) و صدر اسلام بیش از امروز مورد اهتمام بود و مسلمین با اشتیاق فراوان هر روز چندین نوبت در مسجد پیامبر حاضر می شدند.و با تشکیل صفوف منظم به امامت پیامبر به نماز می ایستادند و این گونه امت به پیشوایی امام خود فرایض دینی را ادا می کردند و به سوی خدا سیر می نمودند.

اقامه نماز جماع و ضرورت اجتماع مردم در زمانهای مشخص ضمن این که باعث به وجود آمدن نوعی نظم روزانه در زندگی مردم شده بود، یکی از زمینه های اصلی تشریع اذان به عنوان ندای اسلام شد؛ ندایی که قرنهاست بر فراز گلدسته های مساجد در همه عالم طنین انداز است . حکایت از این قرار بود که در روزگار رسول خدا و در اوایل تاسیس مسجد پیش از تغییر قبله وسیله ای برای اجتماع مردم وجود نداشت و معمولا منادی پیامبر (ص) ندا می داد و مردم جمع می شدند. هنگامی که قبله تغییر کرد، رسول خدا (ص) به فکر افتاد که اوقات نماز را به اطلاع مسلمانان برساند، مسلمانان پیشنهادهایی کردند. برخی گفتند از بوق و شیپور استفاده شود و برخی گفتند از ناقوس ، لکن پیامبر اینها را به خاطر تشبیه به یهود و مسیحیت نپسندیدند؛ چرا که ندای اسلام نیز باید همانند قبله و عبادتگاه اسلام اصیل و مستقل باشد.

در این خلال شبی مردی از انصار به نام عبدالله بن زید بن ثعلبه خوابی دید که در آن خواب جملات اذان به او آموخته شد. آن مرد انصاری شبانه به حضور پیامبر (ص) آمد و خواب خود را به اطلاع

آن حضـرت رسانـد. رسول خـدا (ص) فرمود: این خواب تو حق بوده و رویـای صادق است .هم اکنون برخیز و آن را به بلال که صـدای نافـذتری دارد تعلیم کن تا هنگام نماز آن را بگویـد، و بـدین ترتیب از آن روز اذان متـداول شد و مردم با شـنیدن صدای اذان به سوی مسجد برای اقامه نماز به راه می افتادند. (۷۲)

البته درباره تشـریع اذان نظرات دیگری نیز وجود دارد و بخصوص بزرگان شـیعه آموختن اذان به پیامبر را کاملا رد می کنند و معتقدند که اذان مدتها قبل و حتی در معراج به پیامبر آموخته شده بود. نظر دیگری نیز درباره جمع دو نظریه وجود دارد.و آن این که اذان از مـدتها قبـل به پیامبر تعلیم داده شـده بود ولکن چون در آن هر بار نام پیامبر برده می شـد، ایشان نمی خواسـتند خود آن را معمول کننـد؛ چرا که طعنه های منافقین و یهود در راه بود. لذا به این طریق که یکی از انصار خوابی دید و اذان را بیان نمود، تشـریع شد تا زمینه ای برای یاوه سـرایی و طعنه باقی نماند. البته این نظر نیز قابل نقد و بررسی است . اما آن چه که مسـلم است اذان مـدتی پس از تاسـیس مسـجد مقرر و متـداول شـده و از آن زمان نیز به عنوان مقدمه ای لازم بر اقامه نماز در مساجد هر روز این ندای آسمانی به گوش جان مسلمین می رسید و آنها را به توحید و نبوت و نماز متذکر می گردید.

هم اکنون در جوامع اسلامی پیش از آفتاب و نیمه روز پسینگاه و نزدیک غروب

موذن بر گلدسته بالا می رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز می خواند.به راستی چه نیرومند است و شریف این دعوت که مردم به پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می کند، چه خوب است که انسان به هنگام نیمروز از کار باز ایستد و چه بزرگ و با شکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل جلاله توجه کند.(۷۳)

این سنت در دوران خلفای نخستین نیز با جدیت پیگیری می شد و همواره یکی از وظایف مقدس خلیفه این و بد که در نمازهای پنجگانه امام مردم باشد و مردم به او اقتدا نمایند.و بدین ترتیب همواره نازهای جماعت با شکوه فراوان و با حضور انبوه مردم از رؤ سا و سران تا افراد عادی در مساجد تشکیل می شد.

علاوه بر نمازهای یومیه نمازهای واجب و مستحبی دیگری هم مانند نماز آیات و نماز اعیادی مانند عید فطر نیز در مسجد النبی برگزار می گردید و نماز میت هم در مجاورت مسجد توسط پیامبر برمسلمین از دنیا رفته اقامه می شد.

اما یکی از عظیم ترین فرائضی که در مساجد برگزار می شد نماز جمعه بود. نماز جمعه به عنوان یک فریضه اجتماعی ، عالیترین و زیباترین عرضه تلفیق دین و سیاست و از شؤ ون حکومت اسلامی بود که در نخستین روزهای ورود پیامبر (ص) به مدینه پایه گذاری شد و لذا قدمت تاریخیش با تاریخ مسجد یکی است . ظرف مکانی این فریضه ، مسجد و امام آن حاکم جامعه اسلامی و امام امت بود.

نماز جمعه از فرائض دارای فضیلت است و علاوه بر این

در متن قرآن کریم به ضرورت توجه مسلمین به آن اشاره شده است :

یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصوه من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکر الله و ذرواالبع ، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون .(۷۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا دهند پس بشتابید به سوی ذکر خدا و تجارت را واگذارید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

و حتی از این آیه وجوب نماز جمعه نیز برداشت شده است .در سخنان و احادیث اولیاء دین و ائمه هدی که همگی سخنان نبی اکرم (ص) است نیز به فضایل این فریضه عبادی و سیاسی اشاره شده است . از جمله امام صادق (ع) می فرمایند: هیچ قدمی نیست که در حرکت وسعی به سوی نماز جمعه باشد جز این که خداوند بدن صاحب قدم را بر آتش حرام می کند. (۷۵)

و نیز امام باقر (ع) می فرماید: هنگامی که روز جمعه می شود ملائکه مقرب نازل می شوند و کاغذهایی از نقره و قلمهایی از طلا- با آنها هست . پس بر درهای مسجد بر صندلیهایی از نور می نشینند و نام ایشان را که از خانه هایشان وارد مساجد می شوند می نویسند، اولی و دومی و...تا زمانی که امام خارج شود. وقتی امام خراج شد صحیفه هایشان را می پیچند و این ملائکه مقرب در هیچ روزی جز روز جمعه فرود نمی آیند.(۷۶)

چنین فضایلی در کنار تاکید خاصی که در سیره نبوی در بر پایی نماز جمعه دیده می شود اهتمام همه جانبه مسلمین و حضور پر شکوه و دائمی آنها به صورت هفتگی

در مسـجد النبی را موجب می گردید، روایات بسـیاری از این حضور انبوه و خطبه های رسول مکرم اسـلام در نمازهای جمعه در کتب مختلف و به ویژه در منابع روایی ذکر شده است .(۷۷)

جـالب آن که نمـاز جمعه نیز همچون مساجـد به عنوان نماد حاکمیت اسـلام از همان زمان رسول اکرم (ص) و سـپس دوران فتوحات به سـرعت به سراسر بلاد اسلام گسترش یافت و همه جا نماز جمعه به صورت منظم با حضور مردمان تازه مسلمان در مساجد برگزار می گردید.

ظـاهرا اولین نماز جمعه در خارج از مسـجد النبی و مـدینه در مسـجد عبـدالقیس در منطقه ای موسوم به جواثااز نواحی بحرین اقامه شده است .(۷۸)

همچنین در سـنن الکبری نقل شـده است که در دوران فتوحات و در عهد خلیفه دوم و سوم در هر شـهر و قریه ای که جماعت زنـدگی می کردنـد و امیری بر آنها بود به نماز جمعه امر شده بودند و لذا اهالی اسـکندریه و مدائن و مصـر و...در روز جمعه برای ادای این فریضه جمع می شدند.(۷۹)

بـدین ترتیب یکی دیگر از کارکردهـای دینی و در عین حـال سیاسـی و اجتمـاعی مساجـد، بر پـایی نمازهـای جمعه بود که از مسجد النبی آغاز شد و سپس به سایر مساجد جامع و مرکزی شهرها در همه بلاد اسلامی توسعه یافت .

علاوه بر انجام آداب و عبادات دینی که به آنها اشاره شد، سـنتهایی همچون اعتکاف را نیز باید به آنها اضافه کرد، یکی دیگر از کارکردهـای مهـم مساجـد تبلیغ دیـن و ایراد خطبـه هـای تبلیغی و همچنیـن ابلاـغ احکـام مهـم دین اعم از احکـام فردی یا اجتماعی بود که

به ترویج تشریع می شد، به طوری که می توان مساجد را به عنوان کانون تبلیغات اسلامی و بزرگترین مکان مبلغان مسلمان در نظر گرفت .

پیامبر (ص) از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمانها مهم ، مانند اعلام حکم حرمت شرابخواری ، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می کردند.(۸۰)

سایر خلفا و بخصوص حضرت علی (ع) نیز دائما در مسجد ایراد خطبه می نمودند و احکام و دستورات خود را ابلاغ می نمودند.امیرالمومنین (ع) بارها بای مردم کوفه در مسجد این شهر خطبه خواندند و آنها را به تقوای الهی و پاسداری از دین خدا دعوت می کردند. گاه نیز این خطبه ها به سبب بی وفایی ها و سستیهای مردم کوفه رنگ و بوی سرزنش و عتاب به خود می گرفت که بسیاری از این خطبه های در کتاب شریف نهج البلاغه جمع آوری شده است .

کارکرد دیگری که در راستای امر تبلیغ می توان برای مسجد یاد آور شد سنت وعظ است . موعظه از زمان پیامبر اکرم (ص) متداول بود و ایشان شخصا در مسجد به این امر می پرداختند و گاه خطبه ها به آن اختصاص می دادند و مردم را پند می دادند و با طرح مطالب حکمت آمیز اذهان مسلمین را آماده هدایت می کردند.بعدها اصحاب بزرگترین وظیفه خود را موعظه مردم متناسب با آن چه از پیامبر آموخته بودند می دانستند. پس از آنها نیز علمای دین همواره بر این امر تاکید داشتند. موعظه آن چنان در مساجد اسلام جا افتاده است که به ندرت سخنرانی را می توان یافت

کـه که حـداقل بخشـی از سـخنان خـود را به آن اختصـاص ندهـد. لازم به ذکر است که به دلیـل غـالب بـودن وجه دینی این کارکرد و اصـطکاک کمتر آن با مسائل سیاسـی در دوره های بعـد نیز این کارکرد در مساجـد به طور جـدی دنبال می شـد و هیـچ مانعی بر سر راه آن به وجود نمی آمـد، بلکه همواره به آن توفیق نیز می شده است . و گاه حتی فعالیت مساجد در دوره هـایی به همین وعـظ و موعظه محـدود شـده است .لـذا می توان از وعـظ به عنوان پایـدارترین کارکرد مساجـد در طول تاریخ اسلام از صدر تا کنون نام برد.

از جمله فعالیتهای دینی دیگری که در مساجد انجام می شد آموزش و تعلیم احکام و مبادی دین بود که در بخش آینده بیشتر به آن پرداخته می شود.پیـامبر شـخصا مبـادی و اصول دین و احکـام و دسـتورات آنها را در مسـجد به مردم تعلیم می دادنـد و همواره در طول روز پاسخگوی سوالات دینی و فقهی مردم بودند و گاه نیز برخی اصحاب آگاه و متبحر در امر دین را ماءمور این تعلیمات می کردند.تعلیم و قرائت قرآن کریم هم از امور جاری و روزمره مساجد بود و همواره صورت قرآن از مساجد به گـوش می رسـید. این امـور به عنوان مهمـترین کارکردهـای دینی و تبلیغی مطرح است که در همه ادوار اسـلام به ویژه دوران صـدر اسـلام به طور جـدی رایـج بوده و مساجـد از بر پایی آنها پر رونق بوده است . در فصول بعدی خواهید دید که کارکرد دینی مساجد گرچه تحولاتی را بعضا منفی و نامطلوب

شاهد بود اما هرگز دچار افول و یا تغییرات بنیاد نشد و کارکرد خود را همچون برخی کارکردهای دیگر از دست نداد.

کارکرد علمی ، آموزشی و فرهنگی

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (۸۱)

این شعار بلند اسلام در اصالت بخشیدن به علم و ارزش گذاری صریح برای دانایی است و همین یک شعار حماسی کافی است که امتی را به حرکت در آورد و آنان را در مسیر علم آموزی تا مرحله جانبازی پیش برد.

قرآن دعوت کرده بود به ایمان ، یعنی باور مبتنی بر آگاهی و شناخت ، پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند. می دانیم که مقدمه واجب نیز واجب است . از این رو در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد، به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه عقلی او واجب است . و از این جا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان وجوب عینی پیدا کرد، و این به جز رشته های تخصصی بود که گاه وجوب کفایی داشت و گاه وجوب عینی .(۸۲)

آیات متعددی از قرآن کریم به تشویق و توصیه در توجه به کائنات و درک و فهم آیات الهی در نظام هستی اختصاص یافته است . به تفکر آزاد در کلیات جهان هستی و در نظام کلی عالم و در نظامهای خاص مانند نظام آسمان و ستارگان و شب و روز و نباتات و حیوان و انسان و غیر آن امر می کند و بار ساترین ستایش کنجکاوی عقلی را می ستاید.(۸۳)این ستایشها و تاکیدات قرآن حس کنجکاوی جدی را در بین مسلمین بر می انگیخت و بدین ترتیب آنان

آگاهی به آفاق و انفس و آیات متعدد الهی در عالم هستی را راهی مطمئن برای خداشناسی و کسب معرفت و دستیابی به حق می دانستند و لذا با انگیزه فراوان که از یک غایت معتبر ناشی می شد وارد عرصه علم آموزی می شدند.

علاوه بر آیات قرآن کریم ، سیره نبوی عامل دیگری در رویکرد علمی و آموزشی جامعه اسلامی محسوب می شد. پیامبر رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود. آن هم در محیطی که سابقه ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آن وجود نداشت و بنابر گزارشهای معتبر تاریخی تعداد افراد با سواد در آن منطقه کمتر از بیست تن بود. این مساءله در کنار سخنان ارزشمندی که در فضیلت علم و عالم از نبی اکرم (ص) نقل می شد از قبیل اینکه حکمت گمشده مومن است پس هر کجا آن را یافت از همه مردم به آن سزاوارتر است . و یا علم را بجویید ولو در چین باشد. و ز گهواره تا گور دانش بجویید و...، اشتیاق و کنجکاوی جامعه عربی بدوی را افزایش می داد و آنان را مشتاقانه به محفل تعلیم و تدریس می کشاند.

اما چنین تشویقها و ترغیبهایی در میان آکادمیهای بزرگ یونان و یا دانشگاه بین المللی جندی شاپور انجام نمی شد؛ بلکه در محیطی انجام می گرفت که در آن هیچ سابقه ای از وجود یک نهاد علمی مشاهده نمی شود. از سوی دیگر علمی که اسلام مبلغ آن بود در راستای تحصیل ایمان و در جهت اهداف عالی دین و جامعه اسلامی بود.در چنین

شرایطی طبیعی است که بهترین و مناسبترین مکان و ملجاء فعالیتهای علمی و آموزشی در جامعه مسجد باشد؛ چرا که از یک سو نهاد دین است و از سوی دیگر اقامتگاه معلم بزرگ بشریت و مشوق اصلی این جریان علم خواهی ، البته نگارنده به این نتیجه نرسیده است که کارکرد علمی و آموزشی یک کارکرد اصالی برای میجد بوده است ؛ اما بی تردید در آن زمان و در آن شرایط مسجد بهترین گزینه برای فعالیتهای علمی و آموزشی محسوب می شد و پیامبر بزرگوار اسلام نیز با تاییدات خود بر این امر صحه گذاردند.

رسول خدا (ص) می فرمودند: هر کس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگری نداشته باشد، بسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد می پردازد.(۸۴)

و نیز از ده تن از یاران پیامبر ص نقل شده است که : ما در مسجد قبا درس می خواندیم ، چون پیامبر بیرون می رفت فرمود: آن چه می خواهید بدانید فرا گیرد و خدای شما را پاداش ندهد مگر آن چه را فرا گرفته اید به کار بندید.(۸۵)

در روایت فوق مشاهده می شود که امور آموزشی در مدینه منحصر به مسجد النبی نبوده و در مساجد دیگر مانند قبا نیز این فعالیتها برقرار بوده است . اما مسجد نبوی در این شهر به عنوان جایگاه و اصلی مهمترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی به شمار می رفت . زیرا در این مسجد معلم بزرگ انسانیت حضرت محمد (ص) شخصا به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بودند و رد پرتو تعالیم وحی

فصلهای نوینی از اصول و مبادی دانشهای اسلامی را برایشان عرضه می کردند.(۸۶)

طبقات و جلسات متعدد آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی در بیشتر ساعتهای روز و حتی شبانگاه در این مسجد تشکیل می شد و علاوه بر رسول خدا (ص) شخصیتهای بزرگی از صحابه که به طور ویژه تربیت شده بودند و آگاهی و توانایی آنها مورد اعتماد پیامبر اکرم بود، همچون امیر مومنان (ع) ابن مسعود، زیدبن ثابت ، ابی بن کعب و...در این نشستها به تعلیم کتاب خدا و فقه اسلامی به مسلمان می پرداختند.(۸۷)

البته توجه داریم که این آموزشها منحصر به قرائت قرآن و فقه نی شد. اما از آنجا که این دو علم مبتلا به مردم بود و هم مردم مایل بودند که قرآن را بخوانند و نیز به احکام فقهی که در زندگی روزمره و کسب و کار و روابط اجتماعی آنها دخیل بود واقف باشند لذا طبیعی بود که اهتمام به آموزش قرآن و فقه بیش از دیگر علوم باشد.

اصحاب صفه نیز که مدتی در این مسجد می زیستند در آن جا به آموختن قرآن می پرداختند و عباده بن صامت معلم ایشان بود.(۸۸)

این روند آموزشی و علمی بیش از دو قرن در تمامی مساجد جهان اسلام جاری بود و تنها پس از تاءسیس مدارس عالی و دانشگاههای جهان اسلام این روند کاهش یافت .البته همانطور که خواهید دید، این مدارس عالی نیز ارتباط تنگاتنگ خود را با مساجد حتی در دوران میانه تا⊓...Ђاسلام از دست نداده اند.

در دوره های پس از صدر اسلام همه متخصصان و طلاب علوم دینی جلسات مباحث خود را در مسجد

بر پا می کردند.اهل حدیث نیز حلقه های خود را در مسجد دایر می کردند. در بعضی مساجد مجموعه های حدیث مخصوصا صحیح بخاری و صحیح مسلم قرائت و تعلیم می شد و سنت املاء کتب که وسیله اصلی انتشار کتب در چندین نسخه بود از مساجد آغاز گشت .احکام شریعت نیز در مسجد مسلمین تعیین می شد. مجالس تفسیر قرآن در مسجد بر پا می شد.در مساجد حوزه هایی بود برای مقابله و تلاوت قرآن که در آنها تجوید و قرائت نیز تعلیم می شد.به عبارت دیگر اختلاف قرائات یا قرائتهای مختلف نیز از دل مساجد جهان اسلام بیرون آمد.زهاد و صوفیه نیز بر خلاف دوره های بعد برای اعتکاف در مسجد خلوت می گزیدند.چنانکه حلقه های اذکار ذکر نام خدا هم در مساجد تشکیل می یافت .(۸۹)

اندکی بعد مباحث جنجالی کلامی میدان دار اصلی عرصه علم و دانش در مساجد شد و حلقه های بزرگ متکلمین که در آن به طرح موضوعات و پرسش و پاسخهای کلامی در باب توحید و معاد و نبوت و قرآن پرداخته می شد، دایر گشت . اهل جدل در حلقه های متعدد به بحث از عقاید دینی بانگ بلند می کردند و در واقع دو مکتب کلامی بزرگ جهان اسلام یعنی اشاعره و معتزله از مسجد برخاستند و در مسجد تاءسیس شدند.

آموزش مباحث فقهی نیز که در دوران پیامبر آغاز گشته بود در دوره های بعد در انجمنهای آموزشی شخصیتهای بزرگی چون امام صادق علیه السلام و ائمه مذاهب اهل سنت مراحل بالندگی خود را گذرانده و به تدریج در کمتر از دو قرن چندین مکتب فقهی

در سراسر جهان اسلام تاءسیس شد که هر یک انبوهی از پیروان و مقلدان را به خود اختصاص داد.

بنابراین مشاهده می شود که همه مکاتب بزرگ فقهی ، تفسیری ، کلامی حدیثی در مساجد جهان تاءسیس شده ، رشد یافتند و در یک کلام همه آنچه که بعدها بنیان علوم اسلامی به ویژه علوم اسلامی اصیل را تشکیل می داد و از مساجد خارج شد و بعدها پایه اصلی عصر طلائی اسلامی را تشکیل داد، به طوری که می توان گفت مسجد مرکز نهضت علمی تمدن اسلامی بود امروز به جهان نیز اسلام وامدار همین انجمنهای آموزشی مساجد و ادامه دهند و همان راه است علاوه بر فعالیتهای علمی و آموزشی ، کارکرد فرهنگی و ادبی نیز از دیگر کارکردهای مساجد از همان دوران پیامبر بود، به طوری که انجمنهای ادبی نیز در مسجد نبوی تشکیل می شد و به عنوان و شاعران و سخنوران بزرگ ادب و عرب در حضور رسول اکرم (ص) به انشاء شعر و ایراد خطابه می پرداختند و پیامبر اکرم (ص) شعر متعهدی را که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزشهای معنوی به کار گرفته می شود ارج می نهاد (۹۰) در باب اهتمام پیامبر به شعر همچنین ابن سعد نقل می کند که پیامبر (ص) دستور داده بود برای احسان بن ثابت در مسجد منبری نهاده بودند و او اشعارش را از بالای منبر می خواند.(۹۱)در دوره های بعد نیز فعالیتهای دینی و علمی مساجد هرگز مانع چنین امور ادبی نبوده است .به طوری که مثلاً در مسجد بصره که در آن جا گروهی اهل

جدل در حلقه ای به بانگ بلند از عقاید دینی بحث می کردند، نزدیک آنها دوستداران شعر و ادب به حلقه دیگر بودند(۹۲)

ملاقـات و مناظره با سـران دیگر ادیان نیز از جمله امور جاری در مساجـد به ویژه در عصـر پیامبر و در مساجـد نبوی بود. پیامبر مکرر سـران و پیروان ادیان دیگر همچون مسـیحیت و یهودیت را در مسـجد به حضور می پذیرفتند و پیرامون عقاید هر یک با هم بحث می کردنـد و پیـامبر دعـوت اسـلامی را به آنهـا ابلاـغ می فرمـود. نمـونه هـای فراوانی از این ملاقاتهـا وجود دارد که گزارشـهایی در کتب تاریخ ضبط شده است .از آن جمله در سیره پیرامون دیدار گروهی از مسیحیان نجران با پیامبر در مسجد نقل شده است که هنگام عصـر بود که نصاری به مدینه وارد شدند و یکسره به مسجد رفتند و در آن هنگام رسول خدا (ص) با مسلمانان نماز عصر به جا می آوردند. و پس از این که نمازشان به پایان رسید در محضر رسول خدا (ص) جلوس کردند و عقاید مختلفی که درباره حضـرت عیسـی (ع) داشـتند اظهار کردند.و در این هنگام بیش از هشـتاد آیه از سوره آل عمران در همین زمینه نازل شـد.(۹۳)به نظر می رسـد که منـاظرات فراوان متکلمـان بزرگ مسـلمان با دانشـمندان و روحانیان مسـیحی و یهودی و مجوس در دوره های

بعدی با الگوبرداری از همین سنت نبوی انجام می شده است .

بدین ترتیب می توان به عنوان یک کارکرد فرهنگی ، تبلیغی و ارتباطی دیگر برای مساجد در دوره های مختلف به ویژه صدر اسلام از مسجد به عنوان مرکز گفتگوی

ادیان در جامعه اسلامی نام برد.

کارکرد سیاسی ، اجتماعی و قضایی

کارکرد سیاسی

بدون تردید در کنار کارکرد دینی ، وسیعترین کارکرد مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی آنها بود.به طوری که مسجد رسما یک نهاد سیاسی در جامعه به شمار می رفت . شواهد تاریخی حاکی از این است که در صدر اسلام مسجد به عنوان نهادی حکومتی تلقی می شد. اسلام ذاتا مخالف جدایی دین از سیاست نبود. از این رو یک فرد واحد هم زمامدار و هم مدیر اجرایی بود و یک ساختمان واحد هم مسجد بود و هم مرکز ثقل مسایل دینی و سیاسی .(۹۴)بنابراین مسجد تنها عبادتگاه جامعه نبود.بلکه مقری بود برای همه فعالیتهای سیاسی جامعه اسلامی که اتفاقا بر اساس اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست در مکتب اسلام ، عبادی نیز محسوب می شد و جوهره عبودیت در آن ملحوظ و آشکار بود.به عبارت دیگر در صدر اسلام مسجد بهترین نماد تلفیق دین و سیاست بود و اصل سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست نخستین بار در مسجد النبی در معرض نمایش گذارده شد.

علاوه بر این اقامت و حضور نسبتا دائمی نبی اکرم (ص) به عنوان امام و رهبر جامعه در مسجد توجه خاص عمومی به این نهاد را دو چندان می کرد. در واقع سکونت رسول اکرم (ص) در مسجد بر اهمیت ویژه آن افزود؛ به گونه ای که مسجد مرکز سیاسی جامعه مسلمین شد. برای ایشان چندان مسلک نبود که در نزدیک مسجد خانه ای برای خویش بسازد. اما پیامبر می خواست اولا پایگاهش در خود مسجد باشد تا مسجد تبدیل به مرکز سیاسی جامعه شود ثانیا مسلمانان وضعیت

زندگی پیامبر را با وجود تسلط ایشان بر همه امور به چشم خویش ببینند. تا خدمتگزاران جامعه اسلامی در زمان پیامبر یا پس از ایشان از این نمونه پیروی کنند. پیامبر می خواست به آنان بیاموزد که خدمت به مردم در جامعه اسلامی ریاست و سیادت نیست . بلکه خدمتی است که تنها برای خدا انجام می شود و هدف آن ثروت اندوزی ، جاه طلبی ، استفاده شخصی یا خودنمایی نیست .امر واجبی است که شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمین و تنها برای پاداش اخروی به جا می آورد.(۹۵)اما در تبیین دقیق تر این کارکرد، با بررسی تاریخ صدر اسلام شامل ده سال حاکمیت پیامبر در مدینه و پس از آن قریب به سه دهه حکومت خلفای راشدین ، می توان کارکردهای ذیل را برای مساجد در حوزه سیاسی بر شمرد:

۱- دارالحکومه .

۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت .

۳- مجلس مشورتی .

۴- محل صدور فرمانهای حکومتی .

۵- محل انتصاب کارگزاران و سفیران .

۶- محل پذیرش سفیران دیگر اقوام و ممالک .

۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران .

۸- محل انتشار و ابلاغ اخبار مهمی چون اخبار فتوحات .

این هشت مورد، ابعاد مختلف کارکرد سیاسی مسجد است که نگارنده در حد تضاعت و مطالعه اندک خود دست یافته است .و طبیعی است که بررسی بیشتر تاریخ صدر اسلام می تواند ابعاد دیگری از این کارکرد را روشن سازد.

۱- درالحکومه

در این مورد قبلا توضیح داده شد که پیامبر در واقع با انتخاب مسجد به عنوان محل سکونت خود آن را به مرکز حکومتی و سیاسی جامعه تبدیل کرد.در دوران

خلفای راشـدین نیز گر چه هیـچ یکماننـد پیامبر مسـجد و یا حاشـیه مسـجد را به عنوان خانه خود برنگزیدند، اما هرگز نه در خانه خود و نه در هیچ مکانی جز مسـجد به امور حکومتی به خصوص جنبه عمومی آن نمی پرداختند و همواره در این دوران نیز مسجد به ویژه در پایتخت بلاد اسلام ، دارالحکومه و مقر حاکمیت محسوب شده و توجه عمومی را به سوی خود داشت .

۲– محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت

این امر نیز هم در زمـان پیـامبر اکرم (ص) اجرا می شـد و هم دوران خلفـای راشـدین . مردم بخصـوص آنـان که به تیرگی به اسـلام در می آمدند عموما در مسجد با پیامبر بیعت می کردند و ولایت پیامبر بر خود را می پذیرفتند. پیامبر یا سخنگویان وی نیز همه فرمانها و احکام و نیز برنامه های حکومتی را در مسـجد به اطلاع مردم می رساندنـد. شایـد بارزترین و معروفترین آنها اعلام حکم جواز جهاد برای مسلمین بود که در مسجد النبی به اطلاع مسلمین رسید.

در زمان ابوبکر گر چه بیعت اولیه در محل سـقیفه بنی ساعـده انجام شد اما بیعت عمومی با وی در روز بعد و در مسـجد انجام یـافت .وی سـپس بر منبر بر آمـد و یک پله پایین تر از نشـیمن پیامبر خـدا نشـست و پس از سـپاس و سـتایش خـدا گفت : من اکنون با این که بهتر شـما نیستم بر شما حکومت یافتم .پس اگر راست بودم مرا پیروی نمایید و اگر کج شدم راستم کنید.نمی گویم که من در فضیلت از شما برترم لیکن در کشیدن این بار بر شما برتری دارم .(۹۶)

خلیفه دوم

نیز پس از به خلافت رسیدن و انجام بیعت در مسجد، بالای منبر رفت و یک پله پایین تر از جای ابوبکر نشست و با مردم آغاز خطبه کرد و سپاس و ستایش خدای گفت و درود بر پیامبر فرستاد و از ابوبکر و برتری او یاد کرد و برای او طلب رحمت نمود.

سپس گفت : من جز مردی از شما نیستم و اگر ناخوش نمی داشتم که فرموده جانشین پیامبر خدا را رد کنم امر شما را به عهده نمی گرفتم . (۹۷)

عثمان نیز دقیقا همین طور عمل کرد و پس از بیعت در مسجد بالای منبر بر آمد و در همان جایی که پیامبر خدا در آن می نشست نشست و سخنرانی نمود.(۹۸)

امیرالمومنین را نیز که مسلمین با آن شرایطی که در روز بیعت معروف است به مسجد بردند و پس از بیعت امیرالمومنین خطبه خواند و برنامه های حکومت خود و نوع خلافت خود را که با شیوه های قبلی تفاوت داشت ، با قاطعیت بر منبر بیان فرمود.

به امام حسن (ع) نیز که پس از شهادت امیر مومنان (ع) برای مدت کوتاهی به خلافت رسید نیز به همین منوال عمل کرد. در همین زمینه در تاریخ یعقوبی آمده است که مردم فراهم شدند و با حسن جامع رفت و خطبه ای طولانی ایراد کرد.(۹۹)

۳- مجلس مشورتی

مسجد همواره مجلس مشورتی مسلمین محسوب می شد. و در دوره های مختلف در مساجد پیرامون اهم مسائل منطقه ، شهر و کشور و یا امت اسلامی میان مسلمین تبادل نظر صورت می گرفته است . پیغمبر اکرم (ص) نیز همواره در مسجد با

مسلمانان درباره مطالب مربوط به جامعه اسلامی مشورت و گفتگو می کردند.به طوری که می توان گفت تقریبا در همه مواردی که دستور مستقیم وحی وجود نداشت از طریق مشورت با مسلمین تصمیم گیری می شد و محل این مشورتها عموما مسجد بود چرا که اساسا این دستور قرآن به پیامبر بود که وشاورهم فی الامر.

مهمترین این مشورتها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاستهای دفاعی بود؟ مصادیق آن را در قالب مصوبه این جلسات مشورتی در انتخاب خارج شهر برای جنگ احد و یا حفر خندق در شمال مدینه در جنگ احزاب می توان یافت .

در زمان خلفای راشدین که دیگر ارتباط آسمانی و وحی قطع شده بود، امور بیشتری به مشورت گذارده می شد. شاید تفاوت این دوران البته به استثنای دوران امیرالمومنین با عصر نبوی در این باشد که در دوران پیامبر مشورتها عمومی بود و هر مسلمانی از هر طبقه ای که صاحب نظر بود آن را ارائه می کرد.اما در دوران خلفا ین مشورتها بیشتر با کبار صحابه و سران طوایف انجام می شد.

خلیفه در اداره امور دولت از مجلس اعیان کمک می خواست . مجلس اعیان اسلامی از بزرگان اصحاب و سران قبایل و بزرگان مدینه در مسجد تشکیل می شد و خلیفه کاری را جز با مشورت آنها سرانجام نمی داد.

این کارکرد برای مساجد گر چه در دوره های بعد در اثر تحولاتی که اتفاق افتاد در حوزه مسائل سیاسی و کلان حکومتی از بین رفت ، اما همواره مسائل محلی و منطقه ای و شهری در آن طرح شده و مردم آن منطقه درباره آن امور

با یکدیگر مشورت می نمودند.

۴– محل صدور فرمانهای حکومتی

مسجد همواره در صدر اسلام محل اصلی صدور فرمانهای حکومتی بود و مردم همواره این احکام را در مساجد دریافت می نمودند.در زمان رسول الله (ص) احکام متعدد الهی همچون وجوب جهاد، حکم حرمت شرب خمر، وجوب روزه ، وجوب زکات ، حکم پیمان اخوت و دهها حکم و دستور دیگر در مسجد از سوی پیامبر و یا به صحابه که نقش سخنگوی پیامبر را بر عهده داشتند ابلاغ می گردید و خلفا نیز احکام حکومتی و یا دعوت به جهاد و دیگر دستورات خود را عموما شخصا در مسجد و بر منبر ابلاغ می نمودند. به عنوان نمونه عمر در مسجد مدینه از فراز منبر به مسلمانان گفت که سپاهشان در عراق عقب نشینی کرده و برای حرکت بدان سرزمین ترغیب شان کرد.(۱۰۰)و یا امیرالمومنین (ع) در مسجد مردم را به خاطر کوتاهی از جنگ با شامیان سرزنش می فرمود و جهاد را بر آنان واجب نمود.

۵– محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران

در صدر اسلام پیامبر اکرم خلفا، امیران و کارگزاران حکومتی و نیز سفیران اسلام به دیگر بلاد را در مسجد منصوب می نمودند و آنان را اعزام می فرمودند.موارد زیادی در این زمینه ها در کتب مختلف تاریخی می توان یافت که در این جا برای رعایت اختصار به چند نمونه اشاره می شود.

در سیره ابن هشام آمده است که پس از آن که نصارای نجرانی از مباهله خودداری کردند و به تابعیت حکومت مدینه رضایت دادند، پیامبر نیز به آنها فرمود که امیری را بر آنها می گمارد. سپس بعد از نماز ظهر در مسجد در میان اصحاب خود نگاه کردند تا این

که چشمشان به ابوعبیده جراح افتاد. پس او را طلبیده فرمودند: به همراه اینان برو و در میانشان بر طبق حق حکومت کن ، و با این ترتیب این منصب نصیب ابوعبیده شد.(۱۰۱)

در جای دیگر نقل شده است که پیامبر (ص) به اصحاب خود که آنان را برای سفارت برگزیده بود، فرمود: همگی به سپیده دم در نماز صبح حاضر باشید برای رضای خدا نسبت به بندگان خدا خیرخواهی کنید.هر کس عهده دار کاری از امور مردم گردد و برای ایشان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید. بروید و چنان مکنید که سفیران عیسی (ع) کردند که به افراد نزدیک رسیدند و پیش آنها رفتند و آنان را که دور بودند رها کردند.(۱۰۲)

در زمان خلفا نیز امور به همین منوال بود به عنوان مثال ، روزی خلیفه دوم به مسجد رفت و نعمان بن مقرن را دید که نماز می خواند.پهلوی او نشست و چون نمازی را به سر بر گفت : می خواهم تو را به کار حکومت برگمارم .گفت : اگر برای خراج گرفتن است حاضر نیستم مگر این که برای جنگ باشد.گفت : برای جنگ می روی . و او را بفرستاد.(۱۰۳)

۶- محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی

پیامبر اکرم (ص) همواره سفیران و نمایندگان اقوام و بلاد مختلف را در مسجد به حضور می پذیرفتند و با آنها به گفتگو می پرداختند و پیام آنها را می شنیدند.این دیدارها در مساجد در سال نهم هجری موسوم به عام الوفود که هیاتهای نمایندگی متعددی برای اعلام پذیرش اسلام به مدینه می آمدند به طور چشمگیری افزایش یافت و مسجد النبی

مرتبا شاهـد حضور سـفیران مناطق و طوایف مختلف بود. شـرح این دیـدارها و گفتگوهای صورت گرفته به طور مفصل در دو کتاب طبقات ابن سعد و نهایه الارب نویری آمده است و ما در این جا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می نماییم .

پـانزده نفر از نماینـدگان قبیله طی به حضور پیـامبر آمدنـد. هنگـامی که وارد مـدینه شدنـد پیـامبر (ص) در مسـجد بود. آنـان مرکبهای خود را کنار مسـجد بسـتند، سـپس وارد مسـجد شدند و نزدیک پیامبر آمدند، آن حضـرت اسـلام را به ایشان عرضه فرمود و همگی مسلمان شدند.(۱۰۴)

چند نفر از نمایندگان بنی حنیفه در مسجد به حضور رسول خدا رسیدند و سلام دادند و شهادت حق بر زبان آوردند.(۱۰۵)

پیامبر (ص) دسـتور فرمود برای کسانی که از بنی مالک بودند در مسـجد خیمه زدند و معمولا هر شب بعد از نماز عشاء پیش ایشان می آمد و می ایستاد و گفتگو می فرمود.(۱۰۶)

نمایندگان عبدلقیس نیز با جاههای مشـخص خود هنگامی که رسول خدا (ص) در مسجد بود آمدند و سلام دادند و پیامبر با آنها به گفتگو پرداخت .(۱۰۷)

۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران

این مساءله گر چه در زمان پیامبر اکرم (ص) تحقق نیافت و چنین امری مشاهده نشد، اما در عصـر خلفای راشدین به ویژه سـه خلیفـه اول و بخصـوص در دوران عثمـان به طـور فزاینـده ای دیـده می شـود و مسـجد همـواره بهـترین پایگـاه داد خـواهی از کارگزاران و اعتراض به سیاستهای حکومتی و استیضاح مسئولین جامعه بوده است .و نکته مهم اینکه کارگزاران و سردمداران جامعه نیز خود را ملزم به پاسخگویی به این مسائل و قانع کردن

مردم می دانستند و لذا در مسجد حاضر می شدند و بر منبر از خود دفاع کرده ، توضیحات لازم را به اطلاع مردم می رساندند.

به عنوان مثال ، در سال بیست و یکم مردم کوفه از امیرشان سعد بن ابی وقاص شکایت کردند.عمر، محمد بن مسلمه انصاری را بفرستاد تا در قصر کوفه را آتش زد و سعد را در مسجد کوفه با مردم روبرو کرد و درباره وی از ایشان پرسد که بعضی او را ثنا گفتند و بعضی شکایت کردند که عمر او را عزل کرد.(۱۰۸)همانطور که اشاره شد اوج استفاده از مسجد برای اعتراض به حکومت در زمان عثمان بود و سبب اصلی آن نیز بدعتها و انحرافاتی بود که دستگاه حاکمه و از سنت نبوی و حتی روش دو خلیفه قبلی داشت . لذا علاوه بر توده مردم شخصیتهای برجسته ای از کبار صحابه و یا زنان پیامبر به وی معترض بودند که از مهمترین آنها ابوذر و عایشه بودند البته بعضا با دو انگیزه متفاوت .

ابوذر در مسجد اعتراض می کرد: عثمان خبر یافت که ابوذر در نشیمن پیامبر خدا (ص) می نشیند و مردم پیرامون او فراهم می شوند و احادیثی می گوید که باعث قدح عثمان است و نیز در مسجد ایستاده و گفته است : محمد (ص) وارث دانش آدم و برتریهای پیامبران است و علی بن ابیطالب (ع) وصی محمد (ص) و وارث علم او است . ای امت سرگردان پس از پیمبرش ، هان که اگر شما کسی را که خدا پیش داشته مقدم می داشتید و کسی که خدا

پس انـداخته عقب می انداختیـد و ولایت و وراثت را در خاندان پیامبر خود می نهاید، البته از بالای سر و از زیر پای خود می خوردیـد و دوست خـدا نادار نمی شـد و سـهمی از فرائض خدا از میان نمی رفت و دو نفر در حکم خدا اختلاف نمی کردند؛ مگر آن که علم آن را از کتاب خدا و سنت پیامبرش نزد اینان می یافتند.

لیکن اکنون که چنین کردید پس بدفرجامی کار خود را بچشید

سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

عثمان نیز خبر یافت ؟ ابوذر از او بـدگویی می کند و سـنتهای پیامبر خدا و روشـهای ابوبکر و عمر را که تغییر داد او دگرگون کرده است یادآور می شود. پس او را به شام تبعید کرد.(۱۰۹)

دربـاره اعتراض عـایشه نیز نقـل شـده است که عثمان روزی خطبه می خوانـد که عایشه پیراهن پیامبر خـدا را بیاویخت و فریاد کرد: ای گروه مسـلمانان ، این جامه پیامبر خدا است که کهنه نگشته ولی عثمان سنت او را کهنه کرده است .پس عثمان گفت : پروردگارا مکر این زنان را از من بگردان ، همانا مکر ایشان بزرگ است .(۱۱۰)

علاوه بر این عثمان در موارد دیگری نیز که مورد اعتراض واقع می شـد بر منبر می رفت و از خود در مقابل اعتراضات مردمی دفاع می نمود و لذا مسجد محل این استیضاح و پاسخگویی بود.

۸- محل انتشار اخبار مهم

مسـجد بـا مـاذنه هـایی که داشت و دارد، همواره محـل انتشار اخبار گوناگون بوده است . بخصوص اخبار مهمی که با مصالح عمومی ارتباط داشت مانند اخبار حکومتی و جنگلها و از همه مهمتر اخبار مربوط به

فتوحات در مساجد به گوش مردم می رسید.مردم همواره موثق ترین اخبار را در مساجد جستجو می کردند و حاکمان نیز هر خبری را که می خواستند جمعیت بیشتری آن را بشنود در مساجد اعلام می کردند.

در دوران پیامبر اکرم (ص) این کارکرد برای مساجد به وجود آمد و همواره مسلمین اهم رویدادها و اخبار پیرامون مسائل داخلی حکومت و یا مسائل خارجی و تحرکات مشرکین و اخبار سپاهیان را در مسجد می شنیدند و در دوران خلفا نیز که دوره آغاز فتوحات گسترده بود همواره اخبار این فتوحات در مسجد و مهم تر آن که توسط شخص خلیفه به اطلاع مردم می رسید و بعضا در صورت اهمیت فوق العاده آنها این اخبار زمان هم نمی شناخت .

از جمله خبر فتح قیساریه بود که شبانگاه به اطلاع مردم رسید. یعقوبی نقل می کند که قاصد سپاه شام شبانه به مدینه و نزد خلیفه دوم رفت و خبر فتح قیساریه را که از مناطق مهم فلسطین بود توسط سپاه مسلمین به او خبر داد.وی تکبیر گفت و خدا را ستود. سپس همان نیمه شب به سوی مسجد رفت و دستور داد مردم مردم را جمع کردند و آتشی نیز آوردند برای روشنایی مسجد، آنگاه بر منبر رفت و خدا را ستود و فتح قیساریه را به مردم اعلام نمود.(۱۱۱)

در دوران عثمان نیز مشابه این مساله درباره فتوحات شمال آفریقا نقل شده است به این شکل که ، عبدالله بن سعد بن ابی سرح فرمانده سپاه اسلام در مناطق شمال آفریقا، عبدالله بن زبیر را با مژده داد.عثمان نیز برای اعلام این خبر شخصا به

مسجد رفت و به منبر برآمد و آن خبر را به اطلاع مردم رسانید.(۱۱۲)

بـدین ترتیب مشاهـد می شود که مسـجد علاوه بر همه کارکردهای خود در واقع همچون یک رسانه گروهی معتبر و موثق در جامعه آن روز اسلامی عمل می کرد.

کارکرد اجتماعی و قضایی

گر چه تمامی آن چه تا کنون درباره کاکردهای متعدد مساجد صدر اسـلام بر شـمرده ایم به نوعی کارکرد اجتماعی محسوب می شد اما در این جا به طور خاص بابی مسـتقل را پیرامون مسائل اجتماعی و قضایی گشوده ایم تا نقش مساجد در این موارد را نیز بررسی نماییم .

نخسـتین مسـاله ای کـه در حـوزه مسائـل اجتمـاعی مطرح می شـود شکســته شـدن نظامهـای طبقـاتی و اخلاـق اشــرافیگری و مرزبندهای کاذب خون و نسب و ثروت و جایگزین شدن فرهنگ برابری و برادری در محیط مساجد است .

مسـلمانان هنگامی که در مسـجد نماز جماعت اقامه می کننـد و یا عبادات جمعی دیگر را از انجام می دهنـد با هم یکساننـد و هیچکس بر دیگری امتیاز نـدارد و این عجیب نیست زیرا خداوند مومنان را برادر همدیگر قرار داده و تفاوتی میان آنها نیسـت مگر تفاوتی که در پیروی حق دارند.(۱۱۳)

پیامبر اکرم (ص) نیز در مسـجد هر گاه با مومنین نشـست و برخاست داشـتند این امر با به دقت رعایت می فرمودند و حتی در نگاه کردن نیز مساواتی را برای همه قائل بودند.بـدین ترتیب مسـلمین با حضور مداوم در مسـجد این برادری و برابری را عملا تمرین می کردند و سپس آن را در محیط جامعه تسری می دادند.

در جامعه اسلامی گر چه شکاف اقتصادی وجود دارد و اسلام نیز

نهایت تلاش خود را برای ترغیب مسلمین به از بین بردن این شکاف کرده است ، تا هرگز برتری جویی ، جنبه فکری ، فرهنگی و اجتماعی پیدا نکند و سنت نشود و در محیط جامعه اسلامی کسی خود را به سبب ثروت و مکنت و یا خون و نسبت و یا رنگ پوست برتر تلقی نکند، چرا که در مسجد فقیر و غنی ، سیاه و سفید، اشراف و اضعاف و در یک کلام همه اقشار جامعه در کنار هم حضور داشتند و مسجد هیچ جایی برای برتری جویی و تفاخر برای مردم فراهم نمی کرد و بلکه با آن مبارزه می نمود. این کارکرد به عنوان یک کارکرد ارزشمند و مهم در حوزه مسائل اجتماعی برای مساجد محسوب می شود.

کارکرد اجتماعی دیگر مساجد در صدر اسلام را باید در حدیثی از امام باقر (ع) جستجو کرد. حضرت می فرماید: همانان مساکین و فقراء در عهد رسول خدا در مسجد سکونت می گزیدند.(۱۱۴)

این سخن اشاره به این دارد که مساجد خانه امید فقراء و محل سکونت موقت آنها بود .نمونه بارز این گونه افراد در صدر اسلام اصحاب صفه هستند.ابن سعد درباره اصحاب صفه چنین می نویسد: اصحاب صفه گروهی از یاران رسول خدا (ص) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول (ص) در مسجد می خوابیدند و روزها هم ما: جا سایه می گرفتند و جای دیگر غیر از آن نداشتند. پیامبر (ص) شبها به هنگام غذا خوردن آنها را فرا می خواند، گروهی را میان خود تقسیم می فرمودند که با آنها غذا بخورند و گروهی هم

با خود رسول (ص) غذا می خوردند و چنان بود تا این که خداوند متعال آنان را ثروتی عنایت فرمود.(۱۱۵)

این حضور مساکین در مسجد دو فایده مهم است اولا از آوراگی آنها در جامعه که می توانست به ایجاد انحرافاتی برای آنها شود جلوگیری می کرد ثانیا اینان به عنوان طبقه نیازمندان جامعه دائما در جلوی چشم حاکم و مردم بودند و در لابه لای شلوغی شهرها و رفت و آمدها گم نمی شدند تا فراموش شوند و لذا این مساله باعث می شد که هم پیامبر اکرم (ص) و هم مسلمین دائما در فکر تامین زندگی آنها باشند و اولین امکاناتی را که به دست می آوردند به آنها اختصاص می دادند.بنابراین مسجد در صدر اسلام خانه امید فقیران و مسکینان جامعه محسوب می گردید .

علاوه بر این مساجد ملجا غریبان و در راه ماندگان یا به تعبیر قرآن ابن السبیل نیز بود. به طوری که در شهرهای اسلامی هر گاه فرد تازه واردی داخل می شد که در آن شهر کسی را نمی شناخت یکسره به سراغ مسجد آن شهر می رفت در مدت اقامت خود در آن جا سکنی می گزید.این سنت تا زمانی که تاسیس مهمانخانه ها و مسافرخانه ها رایج شد ادامه داشت و تا همین اواخر نیز بسیاری از افراد در دیار غربت به مسجد پناه می بردند تا در آن جا از میان برادران و خواهران دینی خود آشنایی می یافتند.

در کنار این کارکردهای وسیع اجتماعی ، مساجد دارای کارکرد قضایی هم بودند.در دوران پیامبر تقریبا تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که نیازمند رسیدگی

بود در مسجد صورت می گرفت و پیامبر اکرم (ص) میان مردم به عدالت قضاوت می کردند. حتی پیامبر در مسجد قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبرشان ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. پیامبر (ص) مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر معمول ساخت و می فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغ گوید هر چند برای یک چوبه مسواک باشد جایگاه او در آتش خواهد بود. (۱۱۶)

این روند بعدها نیز ادامه یافت و سالها بعد در همه بلاد اسلامی تا زمانی که مکان مستقلی به عنوان دادگاه تاسیس شد، قاضیان جلسات رسیدگی به دعاوی را در مساجد تشکیل می دادند و در میان ادعاها و اختلافات مردمی قضاوت می کردند. این جلسات در مساجد از دو جهت مفید بود.از یک سو برای قاضی که چون در محیط مسجد و عبادت که همواره ذکر خدا در آن است کار خود را انجام می داد اگر متقی بود همواره خدا را در نظر می گرفت و با دقت هر چه تمامی تر کار قضا را به پایان می برد. از سوی دیگر طرفین دعوی نیز اگر مومن بوده باشند هر روز در آن مسجد در مقابل خداوند به عبادت می ایستادند و لذا دچار نسیان نمی شدند و از ادعای دروغ پرهیز می کردند و حال آن که در محیطهای قضایی غیر از مساجد این امر کم رنگ تر است و ممکن است حتی برای مومنینی که در درجات پایین تر تقوی هستند برای حفظ منافع انحرافاتی پیش آید.

به هر حال مساجد در

صدر اسلام و حتی بعد از آن تا مدتها کارکرد قضایی داشت و محل دادرسی مردم و ملجا مظلومان بود.

منبر، یکی از مهمترین اجزاء مسجد

در پایان بحث پیرامون کارکردهای مسجد در صدر اسلام لازم است درباره یکی از مهمترین و کارآمدترین اجزاء مسجد یعنی منبر سخنی کوتاه داشته باشیم . منبر که به عنوان تریبون مسجد محسوب می شد در همه کارکردهایی که ذکر شد نقش داشت و تقریبا با هیچ یکی از آنها بی ارتباط نبود. اما پیش از بحث درباره این نقش ، لازم است از نحوه ورود این جزء به درون مسجد آگاه شویم ، و طبعا برای آگاهی از آن لازم است از کتب تاریخی استمداد نماییم .

در طبقات الکبری درباره نحوه ساخت منبر چنین نقل شده است : در آن هنگامی که مسجد سقف نداشت رسول خدا (ص) کنار تنه خرمایی نماز می گزارد و به ایراد خطبه به آن تکیه می داد. مردی از اصحاب (۱۱۷)گفت : اجازه می فرمایی تا برای تو منبری بسازم که روز جمعه بر آن بایستی تا مردم تو را ببینند و خطبه تو را بهتر بشونند؟ فرمود: آری . او منبری ساخت که دارای (سه پله بود و آن همان سه پله ای است که اکنون بالای منبر قرار دارد. و چون منبر ساخته و در جای خود گذاشته شد پیامبر برخاست و سوی آن حرکت فرمود. آن ستون چنان بانگی کرد که شکافته شد. پیامبر (ص) از منبر فرود آمد و به آن ستون دست کشید تا آرام گرفت و آنگاه به سوی منبر برگشت .(۱۱۸) و بدین ترتیب منبر

در مسجد به کار گرفته شد و از آن تاریخ به جزء لاینفک همه مساجد تبدیل شد.

منبر گرچه ابتدا صرفا برای ایراد خطبه مورد استفاده بود ولی بعد در همه زمینه ها از آن استفاده شد. به طوری که مبلغین بر آن تبلیغ دین می کردند واعظان بر روی آن مردم را اندرز می کردند. علما از آن احکام دین را بیان می نمودند و معلمان با نشستن بر آن تدریس می نمودند. محدثین بر آن احادیث را املاء می کردند و قاضیان بر آن نشسته حکم صادر می نمودند و از همه مهمتر حاکمان جامعه و به ویژه پیامبر (ص) و خلفا بر آن برای مردم سخنرانی می نمودند و پیرامون مسائل سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و نظامی سخن می گفتند.

وقتی خلیفه انتخاب می شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود از منبر می خواند. بنابراین منبر در اسلام مانند تریبونی بود که در حکومت مشروطه برنامه سیاسی دولت از پشت آن شرح داده می شد.(۱۱۹)

فرمانهای حکومتی و اخبار مهم جامعه نیز بر آن به اطلاع عموم می رسید و از این رو ابزار اطلاع رسانی آن زمان به شمار می آمد. و حتی حاکمان و کارگزاران حکومتی بر منبر به اعتراضات مردمی پاسخ می دادند و از کارنامه خود دفاع می کردند؛ کما این که عثمان چنین کرد و در برابر اعتراضات گسترده عمومی بر منبر از خود دفاع کرد.

بدین ترتیب منبر به صورت یک جزء اساسی مسجد که در همه کارکردهای آن نقش محوری داشت ، تبدیل شد و همین بر ثبات آن در

مساجد افزود. بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام تریبون رسمی حکومت منبر بود همانطور که مقر حاکمیت مسجد بود.

با این بحث کوتاه پیرامون منبر، بحث درباره کارکردهای مسجد در صدر اسلام را به پایان می بریم و به تبع از دوران صدر اسلام خارج می شویم تا نگاهی گذرا داشته باشیم به نقش و وضعیت مساجد و تحولاتی که در دره میانه تاریخ اسلام در کارکردهای آنها پیش آمد.

تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام

اشاره

یاتی علی الناس زمان لایبقی فیه من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه مساجد هم یومئذ عامره من البناء و خراب من الهدی . سکانها وعمارها شر اهل الارض ، منهم تخرج الفتنه و الیهم تاوی الخطیئه یردون من شذ عنها فیها. و یسوقون من تاخر الیها. یقول الله تعالی : و قد فعل و نحن نستقبل الله عشره الغفله (۱۲۰)

مردم را روزگاری می رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن . در آن روزگار بنای مسجدهای آنان آباد است و از رستگار ویران . ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین اند. فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان در آویزد، آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آن که از آن پس افتد به سویش برانند.خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند و چنین کرده است و ما از خدا می خواهیم از لغزش غفلت در گذرد.

این سخنان پیشگویی بزرگمردی است که با احاطه خود به حیات بشریت که از اتصال به این حقیقت ناشی می شد، همه

آن چه بعدها بر سر امت پیامبر می آمد را می دید و اینچنین با بیان تلخ خبر از دگرگونی در همه امور دینی و از جمله تحولات اساسی در وضعین مساجد، این پایگاهای توحید جامعه می داد. آن پیشگویی دیری نپایید که به حقیقت پیوست . به زودی و با حاکمیت بنی امیه بر جهان اسلام تبدیل خلافت به سلطنت ، از قرآن جز نقش و نگاری و از اسلام جز نامی بر جای نماند و در آن زمان آن چنان که خواهید دید مساجد آباد و با شکوه بود، اما از محتوا و روشنگری تهی و این چنین امیر المومنین (ع) پرداختن به تشریفات و فراموشی زمانها را در روند حرمت امت مسلمان پیش بینی نمود و آن را بیان کرد. تفسیر سخن آن امام بزرگوار از عهده ما خارج است و خوانندگان می توانند به شرح بزرگان بر این سخنان مراجعه نمایند.اما تنها چیزی که مسلم است این که مولای متقیان خبر از تحولی اساسی و ساختاری در ابعاد اسلام و همچنین کارکرد مساجد در دوران پس از صدر اسلام می دهند و لذا ما سخن آن بزرگوار را سر آغاز و زینت بخش این فصل نمودیم .

در این فصل از تحولات کار کرد مساجد و افول برخی کار کردها و به وجود آمدن برخی کاردکردهای جدید سخن به میان می آوریم ، گرچه این تحولات همگی منفی نیست ، اما در جمع بندی آنها باید اذعان نمود که حیات مساجد شادابی و طراوت دوران صدر اسلام را در این دوره از دست می دهد و آرام آرام به حاشیه جامعه

رانده می شود.

سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن

اولین و اساسی ترین تحولی که در مساجد اتفاق افتاد سلب کارکرد سیاسی از مساجد بود که سنگین ترین ضربه را به موقعیت مساجد در جامعه وارد کرد.

مساجد که در دوران صدر اسلام مقر حاکمیت و پایگاه ساسی جامعه محسوب می شد، اکنون بدون وجه سیاسی ، ناقص به نظر می رسید، نخستین نشانه های تضعیف این نقش را باید در دوران معاویه دید، وی که مرکز حاکمیت را به شام منتقل کرد، در نخستین گام مقر حاکمیت را به کاخ با شکوه خود در دمشق منتقل کرد و بدین ترتیب مسجد دیگر مقر حاکمیت نبود، چرا که او آشکارا خلافت را به سلطنت تبدیل کرده بود و مسجد را با سلطنت چه کار.

سعید بن مسیب می گفت : خدا معاویه را چنین و چنان کرد. چه او نخستین کس است که این امر (خلافت) را به صورت پادشاهی باز گرداند، و معاویه می گفت : منم نخستین پادشاه (۱۲۱)

گام دوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد تضعیف رابطه حاکم و مردم در عهد اموی بود که آن نیز از دوران معاویه آغاز گردید. از این زمان فاصله های جدی میان و مردم و حاکم پدید آمد و به تدریج رابطه مستقیم مردم و حاکم قطع شد.

مردمی که هر روز خلیفه را در کوچه و خیابان در میان خود می دیدند اکنون مشاهده می کردند که معاویه به همراه جمع کثیری محافظ در شهر حرکت می کند. معاویه نخستین کس در اسلام بود که نگهبانان و پاسبانان و دربانان گماشت و جلو خود حربه راه می برد (۱۲۲) وی به این اکتفا

نکرد و گـارد محافـظ خود را در مسـجد نیز به همراه داشت و حتی جایگـاه خود را از مردم جـدا کرد و نخستین بـدعت را در دوران مسجد ایجاد کرد و آن ساخت اطاقکی به نام مقصوره بود.

معـاویه اول کسـی بود که در مسـجد اطـاقکی پدیـد آورد که به تنهـایی دور از دسترس دیگران در آن نمـاز می کرد زیرا بیم داشت که وی را نیز مانند علی (علیه السـلام) در حال نماز به غافلگیری بکشـند. وقتی به نماز می ایسـتاد نگهبانان با شمشـیری بالای سر او می ایستادند. (۱۲۳)

این در حالی است که در دوران صـدر اسـلام پیامبر و خلفا هرگز اقدام به چنین کاری نمی کردند در حالی که خطرات زیادی آنان را نیز تهدید می کرد، ابن سعد ماجرای یکی از سوء قصدها به جان پیامبر در مسجد را چنین نقل می کند:

ابوسـفیان تنی چند از قریش را گفت : آیا کسی یافت نمی شود که محمد (صلی الله علیه وآله) را غافلگیر کرده ، بکشد؟ و او آزادانه در کوچه و بازار می رود. مردمی از بادیه نشـینان اعلام آمادگی کرد شبانه از مکه بیرون آمد...به مدینه آمده از رسول خـدا جویا شد و بدو گفتند که پیامبر (صـلی الله علیه وآله) چون او را دید فرمود: در کار این مرد خدعه ای هست . و چون او خواست تا نزدیک پیامبر بیاید و وی را بکشد، اسیر بن حضیر او را باز کشید و از میان ارزش خنجری بیرون افتاد. (۱۲۴)

موارد بسیاری از توطئه های مشابه در دوران مدنی نقل شده است اما پیامبر هرگز میان

خود و امت خود در مدینه حائل قرار نداد و مردم آزادانه به پیامبر دسترسی داشتند.

خلفا نیز از همین سنت پیروی کردند. در همین راه سه تن از آنان جان خود را از دست دادند اما هرگز میان خود و مردم محافظ و حائل دائمی قرار ندادند.

ماجرای ترور خلیفه دوم در مسجد نیز در همین زمینه قابل ذکر است مسعودی نقل می کند که چون ابولولو به انجام کار خود مصمم شد خنجری همراه برداشت و در یکی از گوشه های مسجد در تاریکی به انتظار عمر بنشست . عمر سحر گاه می رفت و مردم را برای نماز بیدار می کرد و چون بر ابولولو گذشت وی برجست و سه ضربت به عمر زد و همان بود که سبب مرگش شد.(۱۲۵)

امیرالمومنین علی (ع) نیز با آن که از توطئه ها و نقشه های شوم خوارج و یاران معاویه در کوفه آگاه بود و احتمال خطر کاملا جدی بود. اما به هیچ عنوان حاضر به همراهی محافظ با خود در شهر نمی شدند و این چنین بود که اشقی الاخرین به آسانی توانست در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت برساند و تاریخ بشریت را برای همیشه داغدار نماید.

این روش حاکم در صدر اسلام بود که معاویه آن را تغییر داد و آشکارا با آن مخالفت نمود. پس از او جانشینان او نیز همین روش را ادامه دادند تا جایی که کار حتی به قرق مساجد کشیده شد. به عنوان نمونه نقل شده است که ولید بن عبدالملک هنگامی که برای بازدید از باز سازی مسجد النبی در مدینه به مسجد

وارد شد نگهبانان هر که را در مسجد بود، بیرون کردند.(۱۲۶)

این بدعت به تدریج در جامعه اسلامی پذیرفته شد و در میان کارگزاران حکومت نیز رایج شد به طوری که پس از مدتی اگر حاکم یا کارگزاری بدون محافظ و یا تدابیر امنیتی در مسجد یا شهر حاضر می شد، بسیار شگفت آور و محل سوال بود. بدین ترتیب مساجد دیگر محل دیدار مستقیم مردم و حاکم نبود و مردم تنها از لابلای محافظین مسلح می توانستند نظری به حاکم بیافکنند.

گام سوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد، ایجاد جو خفقان عمومی و گرفتن حق اظهار نظر و انتقاد و اعتراض از مردم بود که مرکز همه این امور مسجد محسوب می شد و لذا مساجد در معرض چنین خفقانی قرار گرفتند.خلفای اموی آشکارا در مساجد و بر منابر حاضر می شدند و در جهت تثبیت پایه های حکومت خود مردم را تهدید می کردند و به آنها نسبت به هر گونه تحرک سیاسی و اعتراض هشدار داده ، وعده مجازاتهای سنگین می دادند و کارگزاران آنان نیز به تبع حاکمان خود با مردم این گونه رفتار می کردند و با ایجاد رعب و وحشت جرات هر گونه سخن گفتن را از مردم می گرفتند و بدین ترتیب حق نظارت عمومی مسلمین را مختل نموده ، آن را منتفی می دانستند.برای درک بهتر این امر سه نمونه تاریخی از رفتار خلفای اموی و کارگزاران آنها با مردم و تهدیدهایشان بر منبر را نقل می نماییم .

عبدالملک در سال ۷۵ به حج رفت . و در حالی که لبیک می گفت به مکه در آمد و لبیک

گویان وارد مسجد گردید و در چهار روز خطبه خواند. هر روز خطبه ای ، و در یکی از روزها ضمن خطبه اش چنین گفت : و من هر چیز را از شما تحمل می کنم جز بر افراشتن پرچمی را و همان غلی که آن را به گردن عمر و انداختم ، نزد من است و به خدا سوگند یاد می کنم که آن را به گردن کسی نمی اندازم که جز با سختی و فشار در آورم .(۱۲۷)

حجاج بن یوسف ثقفی حاکم خونریز و سنگدل کوفه نیز پس از آن که از سوی عبدالملك بن مروان به حکومت عراق منصوب شد، با لباس مبدل و به صورت ناشناس به کوفه رفت و بانگ برداشت که مردم برای نماز جماعت حاضر شوند، سپس با چهره ای پوشیده به منبر رفت و نشست . وقتی مسجد پر شد حایل از چهره برداشت و برخاست و عمامه از سر برداشت و بدون حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر سخن آغاز کرد و گفت : کار من روشن است و از بالا می نگرم و چون عمامه بردارم مرا خواهید شناخت به خدا چشمها می بینم که خیره است و گردنها که افراشته است و سرها که رسیده است و هنگام چیدن آن را رسیده است و این کار من است . گویی می بینم که خونها میان عمامه ها و ریشها جاریست ... ای مردم عراق ، الی اهل شقاق و نفاق و اخلاق بد، به خدا شدت عمل من نه چنان است که پندارید؛ که مرا از روی دقت انتخاب کرده و از

روی تجربه جسته اند، به خدا شما را چون چوب پوست می کنم و چون کلوخ به هم می کوبم و چون شتر می زنم و چون سنگ در هم می شکنم ...(۱۲۸)

ولید بن عبد الملک نیز پس از رسیدن به زمامداری بالای منبر رفت و مرگ پدرش را اعلام کرد و گفت : از مردم بر شما باد به فرمان بردن و همراهی با جماعت ؛ چه هر کس مخالفت خود را آشکار سازد سرش را از تن جدا کنم و هر کس خاموش ماند با اجل خویش بمیرد.(۱۲۹)

این سخنان و خطبه ها را مقایسه کنید با خطبه های پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین ، تا دیروز سخن از حق متقابل مردم و حاکمیت بود و امروز سخن از تکلیف محض مردم . تا دیروز سخن از اعتبار رای و نظر مردم بود و امروز سخن از ممنوعیت اظهار نظر، تا دیروز بر منبر از گسترش نظارت عمومی و مسؤ لیت پذیری مردم در امور مختلف حکومت برای بقا و صلاح جامعه سخن به میان می آمد و امروز سخن از ضرورت خاموشی به عنوان تضمین ادامه زندگی ، تا دیروز مسجد محل اعتراض و پرسش و استیضاح بود و آن روز محل سکوت و خفقان . تا دیروز حاکمان خود را ملزم به پاسخگویی به مردم در مسجد و تواضع در برابر آنان می دیدند و امروز در همان مسجد مردم را تهدید می کنند. بدین ترتیب بسیاری از ابعاد کارکرد سیاسی مساجد همچون اصل شوری و اعتراض و استیضاح و نظارت بر حکومت و...از بین رفت . اما مگر کار

به همین جا ختم شد.

گام بعدی در تضعیف بعد سیاسی مساجد، کاهش چشمگیر در مسجد بود. تا این زمان اهمیت اساسی مسجد در این بود که حاکم جامعه از آن جا با مردم سخن می گفت و مردم در آن جا برای دریافت احکام حکومتی جمع می شدند.اما مدتی بعد به دلیل همان کاهش حضور حاکم و خلیفه در مسجد، این اعتبار نیز از دست رفت .خلفا امامت نماز روزانه را بر عهده نمی گرفتند و بها در نماز جمعه عهده دار این کار می شدند.در عصر اموی روزهای همه خلیفه با لباس سفید و عمامه جواهر نشان به مسجد می رفت و برای خواندن خطبه به منبر می رفت ....بعضی از خلیفگان بنی امیه برای نماز جمعه نیز حاضر نمی شدند و سالار نگهبانان را به نیابت خود می فرستادند.(۱۳۰)

این وضعیت دوران اموی به وضعیت اسفناک تری در دوران عباسی تبدیل شد. در شرایطی که در اوایل دوران خلافت اسلامی ، حکام به عنوان امام مسجد و امام جماعت تلقی می شدند. امام بعدها در دوره خلفای عباسی امام فردی بود که در یکی از مساجد کوچک و فرعی وظیفه امامت را انجام می داد (۱۳۱) و خلیفه خود از انجام این وظیفه مهم دینی و سیاسی سرباز می زد.

بدین ترتیب همه این امور دست به دست هم داد تا به تدریج وجه سیاسی مساجد از بین برود و مساجد به پایگاه عبادی محض در جامعه تبدیل شود. در مسجد پس از نماز فقط خطابه دینی خوانده می شد که در آن از خدا ستایش و از پیغمبر تمجید می کردند و بر صحابه

درود می گفتند. خلیفه را که مدعی نیابت پیغمبر بود دعا می گفتند. از نمودارهای سیاسی چیزی در مسجد نماند جز این که نام خلیفه در خطابه یاد می شد و بدینوسیله ولایت های اسلام به تسلط اسمی خلیفه گان اعتراف می کردند.(۱۳۲)

افول کارکرد سیاسی مسجد امری کاملا طبیعی و به عبارت دیگر اجتناب ناپذیر بود، چرا که مسجد در صدر اسلام گر چه مقر حاکمیت هم بود، اما در درجه نخست پایگاه حضور و فعالیت دائمی و جدی مردم بود و مرکزی برای هماهنگی عمومی و فعالیت جمعی سیاسی و اجتماعی محسوب می شد. طبیعی بود که حکومتی که بنیان آن نامشروع و بر اساس زور و ظلم بنا شده بود و روش آن نیز استبدادی بود، حضور فعال مردم در صحنه را بر نمی تابد و لذا می کوشید مردم را به حاشیه براند و قوت فعالیت و نظارت را از آنان سلب کند. برای تحقق این خواسته باید پایگاه فعالیت آنان یعنی مسجد از بین می رفت و یا متحول می شد. لذا حکومت اموی و به دنبال آن حکومت عباسی با ترویج تئوری جدایی دین از سیاست در میان مردم ، آنها را به عبادت و خودسازی و واگذاری امور به خداوند و قضا و قدر و پرهیز از دخالت در امور دنیوی تشویق می کردند گو این که ترویج تفکر جبرگرایی که تز عقیدتی امویان بود شاخه ای از همین سیاست کلی محسوب می شد. آن دسته از مردم را هم که با این حرفها خام نمی شدند و دست از مبارزه بر نمی داشتند با وحشیانه ترین روشها سرکوب

می کردند و از این طریق جو رعب و وحشت نیز به کمک آنها می آمد.

اکنون مساجد فقط پایگاه عبادت بود و نه سیاست و اهالی آن نیز افرادی که صرفا برای امور عبادی به آن جا می آمدند.بعدها عباسیان با اقدامی که در ساختن شهر بغداد صورت دادند آخرین ضربه را به موقعیت اجتماعی مساجد وارد آوردند.

بنی عباس بر خلاف سنت رایج که مسجد مرکز شهرها و بخصوص شهرهای تازه تاسیس بود در پی ریزی و بنیادگذاری بغداد به گونه ای عمل کردند که دارالاماره را مرکز شهر قرار دادند، این اقدام نوآوری برجسته ای تلقی شد، فاطمیان مصر نیز از همین سنت پیروی کردند.(۱۳۳)

بدین ترتیب مرکزیت و موقعیت مسجد نسبت به بافت شهرهای اسلامی از دست رفت و بدین گونه دوران گوشه نشینی مساجد از عرصه جامعه آغاز گشت و نهادی که پیامبر بزرگوار اسلام به عنوان رکن اساسی و نخستین نهاد جامعه اسلامی به دست مبارک خود تاسیس نموده بود، به حاشیه رانده شد.

تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن

پیش از این اشاره شد که مساجد در صدر اسلام مرکز اصلی علمی و آموزشی در جامعه محسوب می شد و علت اصلی آن نیز محدودیت علوم به علوم دینی بود. اما با گسترش مرزهای جغرافیایی تمدن اسلامی و ورود مناطقی چون ایران و مصر و شام به حوزه این تمدن سرمایه های گرانبهای علمی این مناطق نیز وارد گستره تمدن اسلامی گشت و از این رو دریچه های جدیدی از علوم مختلف به روی مسلمین باز شد، مسلمینی که قبلا به روح کنجکاوی و علاقه مندی آنان در مسیر علم آموزی اشاره شد و بذرهای متعددی که

قرآن و سنت در جانهای آنان کاشته بود بیان گردید.اکنون زمینه های بکر و مساعدی را یافته بودند، لذا با عطشی باور نکردنی تلاش علمی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و طبیعتا نخستین گام انتقال و اقتباس این علوم بود و لازمه این اقتباس ترجمه علوم به زبان مسلمین ،زبان عربی ، از این رو نهضت ترجمه آغاز گشت و در کوتاه مدت با حمایت جدی حکمرانان مسلمان بخش زیادی از کتب دانشمندان جهان در علوم مختلف ریاضی ، طبیعی و انسانی به زبان عربی بازگردانده شد. آن چه در این بحث اهمیت دارد مکان این فعالیتها بود. ترجمه نیازمند یک محیط مساعد بود و این محیط مساعد کتابخانه ها بودند.لذاست که در دوران عباسی شاهد تاسیس کتابخانه های عظیم هستیم .

به دوران اموی کتابخانه اهمیتی نداشت و چون به دوران عباسی کار ترجمه بالا گرفت و کاغذ سازی پیش رفت ، وراقان پدید شدند که کارشان نویسانیدن و خرید و فروش کتاب بود و مکانهای وسیع داشتند که دانشوران و ادیبان در آن جا فراهم می شدند. به دنبال این نهضت کتابخانه ای بزرگ پدید آمد که کتابهای دینی و علمی در آن نگهداری می شد و بعدها همین کتابخانها معروفترین مراکز فرهنگی دنیای اسلام شد.(۱۳۴)

بدین ترتیب در محیط تمدن اسلامی کتابخانه ها اولین رقیب مساجد رد حوزه فعالیت علمی و فرهنگی محسوب می شدند.اما کار به این جا قرار نیافت . بلکه اکنون این علوم دخیل و همین طور علوم اصیل نیاز به طبقه بندی و به اصطلاح تخصصی شدن داشت . چرا که پس از گسترش فرهنگ و پیدایش روح تحقیق

و پژوهش ، دانش ، بـه اعتبـار موضوعـات مـورد نظر متعـدد می شـود. زیرا کـه رسـیدگی محققـانه به موضـوع نیـاز به انگـاره تخصصـی و محـدوده ویژه و حوزه خاص تحقیقی پیدا می کند. این حالت موجب می شود تا دانش و آگاهی درباره چیزها به رشته های گوناگون منقسم شود.

در فرهنگ اسـلامی نیز این اصل تحقیقی و شـناختی عملی شـد. مسـلمین از سده های نخستین ، معلومات و تالیفات خویش را دسته بندی کردند و علمها را از یکدیگر جدا ساختند و سنت تخصصی و انشعاب در علم را در فرهنگ خویش با بنیانی استوار پی افکندند و پی گرفتند.(۱۳۵)

این تخصصـی شـدن منجر به پیدایش دهها رشـته علمی شد. به طوری که کشف الظنون به عنوان یکی از کتب معتبر به تنهایی ۲۶۰ رشته علمی را در دوران مولف در خود ثبت کرده است و پیرامون هر یک توضیحاتی داده است .

این گسـتردگی و انشـعاب نیازمنـد محیـط منـاسبی نیز بـود چرا که مساجـد بـا سـادگی و امکانـات محـدود خود تکـافوی نیـاز پژوهشـگران و طلاب این علوم را نمی داد. لذا به زودی تحولاتی در ساختار و اسـتفاده از مساجد پدید آمد. پس دومین عامل پس از نهضت ترجمه در ایجاد تحول در کارکرد آموزشی و علمی مساجد مقوله بود.

نظام جدیـد در اسـتفاده از مساجد عبارت بود از وارد شدن مدارس در آن و به وجود آمدن مجموعه هایی تحت عنوان مجتمع مسجد و مدرسه و همین امر بالطبع در نقشه ساخت مساجد تغییراتی را حاصل می کرد.

باید تاسیس چنین مجتمع هایی را به دوران معلم بزرگ امت و بلکه بشریت صادق آل محمد (ص

) پیش برد. نمونه ساده این مجموعه ها که اقامتگاه طلاب را نیز شامل می شد مسجد مدینه بود.اما چندی بعد به سرعت در سراسر بلاد اسلامی رواج یافت . نخستین این گونه مجتمع ها الازهر در قاهره بود (۱۳۶)

الازهر که در ابتدا یک مسجد جامع بزرگ بود پس از مدت کوتاهی به یک مجموعه مسجد و مدرسه تبدیل گشت . در الازهر ابتدا فقط امور مذهبی شیعیان برگزار می شد.ولی به زودی در اثر تحولاتی که در جهان اسلام رخ داد و قدرت فاطمیان افزایش یافت این مسجد و مدرسه به مرکز تعلیمات عالی تشیع و به ویژه شیعه اسماعیلی که مذهب رسمی حکومت فاطمیان مصر بود تبدیل گشت . (۱۳۷)

مجموعه های مشابهی مانند نظامیه در دیگر نقاط جهان اسلام تاسیس شد که همگی دارای امکانات خوبی بودند.در این مجموعه های علاوه بر مدرسه و کتابخانه و حجره های طلاب گاهی وسایل معالجه دانشجویان و مدرسان بیمار و مکتب خانه برای تحصیل کودکانشان نیز تاسیس می گردید.(۱۳۸)

باید توجه داشت که تمامی این مدارس و مساجد موقوفاتی داشتند که در آمد آنها کاملا۔ صرف نگهداری مدرسان و دستیاران ایشان و دیگر خدام و همچنین تعمیر و مرمت بناها و امور دیگر می گشت .(۱۳۹)

پرسش مهمی که پیش می آید این است که این مجموعه ها که از آنها سخن رفت برای علوم انسانی و اسلامی محیطی مفید و مطلوب بود. اما آیا این مجموعه ها برای علوم ریاضی و طبیعی نیز مناسب بود؟ پاسخ این سوال منفی است . علوم ریاضی از قبیل جبر، فیزیک ، مکانیک ، نجوم ، هیات و...ت و علوم

طبیعی و تجربی همچون طب ، داروسازی ، شیمی ، فلاحت و نیز علومی چون جغرافیا نیازمند مراکز علمی چون آزمایشگاهها، بیمارستانهای آموزشی و رصدخانه ها و زمینهای وسیع کشاورزی و... بودند که جمع کردن آنها در این مجموعه ها امری غیر ممکن به شمار می رفت .لذا این نیاز منجر به تاسیس مراکز عالی آموزشی به سبک دانشگاهها گشت که تا حدود زیادی فاقد ارتباط مستقیم با مساجد بودند و بدین ترتیب سومین عامل در راستای تحول کارکرد آموزشی مساجد یعنی تاسیس دانشگاهها نیز شکل گرفت و لذا مساجد به تدریج شرایط آموزشی و علمی خود را از دست دادند و این وظیفه بر عهده دانشگاهها و مراکز علمی دیگر قرار گرفت . گر چه این بدان معنا نیست که این امور در مساجد مختل شد بلکه همچنان بحث آموزش قرآن کریم و مسائل فقهی و علوم دینی در آن رایج بود.اما سطح این فعالیتها یک سطح عمومی و محدود بود و شکل تخصصی و پژوهشی به خود نمی گرفت .

در پایان این بخش لازم است یک نکته تذکر داده شود که نگارنده تحول فوق الذکر را یک تحول منفی ارزیابی نمی کند، بلکه آن را مثبت و اجتناب ناپذیر می داند.در فصول قبل اشاره شد که به نظر نمی رسد کارکرد علمی و آموزشی جزء کار کردهای اصیل مسجد محسوب شود، بلکه در آن شرایط خاص صدر اسلام مسجد بهترین مکان برای این فعالیتها بود.بعدها با دگرگونی شرایط، طبیعی بود که این کارکرد موقت به نهادهای دیگر واگذار گردد.بنابراین آن چه که همواره مهم بوده و هست حفظ ارتباط مساجد با این محیطهای

علمی در جهت هدایت این فعالیتها به سوی اهداف عالی دین است .

اثرات جریان صفیه و خانقاه در کارکرد مساجد

در این بخش به بررسی مختصر یکی از جریانهای مهم و فعال جامعه اسلامی و اثرات غالبا منفی آن بر مسجد و کارکردهای آن می پردازیم . این جریان عبارت است از جنبش صوفی گری و تصوف که در دورانی در جامعه اسلامی سر بر آورد و در جلب افکار عمومی به سوی خود تا حدود زیادی موفق بود، در بررسی لغوی کلمه صوفی باید گفت در باب ریشه آن اختلاف اقوال وجود دارد.آن چه قدمای صوفیه گفته اند و قاعده اشتقاق هم با آن موافقت دارد این است صوفی از صوف گرفته شده است به معنی پشم ، این وجه اشتقاق را بسیاری از مولفان صوفیه و دیگران هم نقل کرده اند و اشکالی بر آن وارد نیست ، سبب انتساب قوم نیز به این نسبت ، پشمینه پوشی آنها بوده است که در زمان قدیم شعار زاهدان و نیکان به شمار می آمده است .(۱۴۰)

صرف نظر از بررسی لغوی آن ، در باب خود این جریان و ویژگیهای و نیز نحوه سر برآوردن آنان باید گفت در حالی که محافل علمی و مدارس سرگرم مباحثات غالبا غامض فکری و فقهی بودند، تحول اسلامی دیگری صورت گرفت که همانا عبارت بود از جنبشهای عرفانی و افراطی ، جنبشهای عرفانی که اسم عام آن در اسلام تصوف است ، صرفا از افرادی واجد تجارب معنوی و فلسفه های گوناگون تشکیل نمی شد.بلکه به زودی شامل انجمنهای اخوت شد که به کلیه سطوح اجتماع نفوذ کرد و مبدل به یکی از ارزنده ترین

عناصر ساختار اجتماعی و معنوی جهان اسلام شد.(۱۴۱)

البته نگارنده از این که عرفان اسلامی را منحصر در تصوف بداند ابا دارد، چرا که شخصیتهای عارف فراوانی در طول تاریخ اسلام بودند که مبادی آداب صوفیه و اهل روش آنها هم نبودند و نیز در وجود مقدس امیرالمومنین (ع) که سر سلسله همه عرفا بود نیز نشانی از صوفی گری مشاهده نمی شود.گر چه می توان این جریان را در قالب یکی از جنبشهای عرفانی بررسی نمود.

به هر حال صوفیه جماعتی از مسلمین بوده اند که اساس کار آنها در عمل بر مجاهدت مستقل فردی و در علم بر معرفت مستقیم قلبی مبتنی بوده است . گرچه بعضی از آنها با وجود اعتقاد به ارتباط بلاواسطه با حق و در عین اتکاء بر کشف و شهود شخصی ، متابعت از شریعت را نیز به منزله مقدمه و شرط راه ، لازم می شمرده اند و در جاهایی که کارهاشان با ظاهر شریعت موافق نمی بوده است ؛ یا ظاهر شریعت را تاویل می کرده اند یا طرز کار خود را به نوعی توجیه می نموده اند. لیکن به سبب استقلالی که در عمل و طریقت خویش داشته اند هم متشرعه که اهل سنت و جماعت بوده اند خود را از آنها کنار می کشیده اند هم علماء که اهل معرفت عقلی و استدلالی بوده اند آنها را گمراه می شناختند.(۱۴۲)

این جریان نیز مانند هر جنبش دیگر برای سازماندهی خود نیازمند پایگاهی بود. لذا اینان مرکزی را با عنوان خانقاه برای این امر در جامعه اسلامی تاسیس نمودند. این مرکز ضمن این که پایگاه تشکیلاتی صوفیه

تلقی می شد، اقامتگاه دائمی کسانی که زندگی خود را وقف ارشاد معنوی یا تهذیب نفس می کردند و نیز محلی برای اقامت موقت سالکان یا دیگران به شمار می آمد. در این خانقاه ها مراحل مختلف ریاضت و خلوت ، روح سالک را ترقی می بخشید و غالبا صحبت و ارشاد پیر و مرشد وی را در طی این مرحله ها رهبری می کرد: نکته مهم آن که وقتی سالک مراحل سلوک را می پیمود و از شیخ دستور و اجازه برای ارشاد می یافت ، از خانقاه شیخ بیرون می آمد. اما در جای دیگر مثلا شهری دیگر خانقاه تازه ای که در واقع چون شعبه ای از خانقاه شیخ بود پدید می آورد و بدین گونه از یک خانقاه که شیخ و مرشدی در یک شهر به وجود آورده بود، چندین خانقاه دیگر در بلاد مختلف پدید می آمد که شیوخ و مرشدان همه آنها جملگی نسبت به شیخ خانقاه نخست حالت تسلیم و فرمانبرداری داشتند و در همه موارد دستور او را به کار می بستند و اهل طریقت او به شمار می آمدند(۱۴۳)و بدین ترتیب این نهاد جدید در جامعه اسلامی به صورت شبکه ای پیوسته و کار آمد فعالیت می کرد.

این خانقاه از سه جهت بر کارکرد مساجد تاثیر منفی گذاردند.اول اینکه خانقاه صرفنظر از جنبه تعلیمی که برای سالکان داشت ، مکان عبادت و ذکر و سلوک منوی نیز تلقی می شد. در خانقاه ها اوراد و اذکار و ریاضات و چله نشینیها رایج بود که غالبا اشتغال به آنها بیشتر اوقات سالکان طریق را مستغرق می داشت

، در این خانقاه ها سالکان و فقیران خلوت نشین نیز مانند شیخ خانقاه ، زاویه خاص خویش داشتند.اما ذکر دسته جمعی و درک صحبت شیخ و صرف طعام و حلقه سماع آنها غالبا در جماعت خانه منعقد می شد.(۱۴۴)بدین ترتیب این اولین بار بود که در حیطه جهان اسلام مرکزی جدید علاوه بر مسجد تاسیس می شد که در آن مراسم عبادی و آیین بندگی و حتی صف نماز بر پا می گردید و حال آن که تا پیش از آن ، این امر صرفا منحصر در مساجد جوامع اسلامی بود. لذا مسجد که از صدر اسلام تنها مرکز عبادی جامعه اسلامی محسوب می شد امتیاز انحصاری خود را از دست داد و در حوزه کارکرد عبادی و دینی با یک رقیب سر سخت و جذاب برای مردم روبرو گردید.

دومین اثر منفی تصوف و خانقاه بر جامعه و مسجد، روش خاص عبادی حاکم بر خانقاه بود نوعی نیایش انفرادی را ارایه و تکمیل کردند که نقطه مقابل عبادت اجتماعی که از ویژگیهای اسلام در ادوار قبل بود به شمار می رفت و پرستش زهاد منفرد برای دیگران منبع قداست شد..این امر همچنین موجب شد مساجد عظیم جمعه قرون اولیه اسلامی جای خود را به تعدادی حرمهای کوچک بدهد که بر نیایش فردی در محیطی آرام که منتهی به عبادت و مراقب می شد تاکید داشت .(۱۴۵)

به عبارت دیگر خانقاه بر خلاف مسجد که نماد روحیه جمعی مسلمین و پایگاه وحدت و اتحاد و جایگاه عبادت دسته جمعی بود، به سیر و سلوک فردی و گوشه نشینی و کناه گیری از جمع تشویق می

کرد.استقبال عمومی از این تفکر سنگینی بود بر کارکرد عبادت مساجد که بر جمع گرایی تاکید داشت .

نکته سوم در این زمینه مربوط می شود به روش تبلیغ صوفیه و خانقاه علیه مسجد و اهالی آن . همان طور که اشاره شد اهل سنت و جماعت و متشرعین از بزرگترین مخالفان صوفیه به شمار می آمدند و تا آن جا که دستشان می رسید از دشمنی با آنان کوتاهی نمی کردند و لذا صوفیه نیز مقابله به مثل می کردند و علیه آنها تبلیغ می نمودند و بخصوص پایگاه اصلی آنان راکه مسجد بود هدف حملات تبلیغی قرار می دادند تا جایی که متشرعه اهل ظاهر و ریاکار و اهل مسجد پیروان ظاهری دین و مسجد مامن زاهدان ریاکار معرفی می گردید. البته ما در مقام قضاوت نیستیم و نمی گوییم که کدامیک حق داشتند و کدامیک صحیح می گفتند اما آن چه که بر آن تاکید داریم این است که این تبلیغات صوفیه که نفوذ فراوانی نیز در میان طبقات مردم داشتند منجر به تضعیف قداست مسجد این پایگاه اصیل اسلام شد و حتی در ادبیات رایج میان توده مردم نیز متاثر از همان تبلیغات به مسجد و اهالی آن طعنه زده می شد، بدین ترتیب صوفیه و مرکز آنها خانقاه اثرات منفی فراوانی جایگاه مسجد در جامعه اسلامی و کارکرد عبادی و دینی به عنوان ثابت ترین کارکرد آن بر جای می گذارد که عقبه آن تا دوران معاصر نیز بر جای مانده است .

مسجد مهد هنر معماری اسلامی

قسمت اول

در دوران صدر اسلام مسجد محیطی بی آلایش و نوع معماری آن ساده و نزدیک به روح سادگی

اسلام بود. اما به تدریج این سادگی جای خود را به تجمل داد و نوع معماری نیز تغییر کرد.

شیوه و سبک معماری مسجد بر اسلوبی که در زمان پیامبر و خلفای راشدین بود باقی نماند و همپای گسترش و شکوفایی تمدن اسلامی دگرگون شد. شکل کلی بنای مسجد نسبت به سابق تغییر کرد و به تناسب دولتهای جدید و ملتهای صاحب تمدن از عناصر جدیدتری برخوردار شد.(۱۴۶)

این تحول از دوران اموی آغاز شد. تا زمان عبدالملک و ولید، خلفا اشتیاقی به معماری و شکوهمند ساختن مساجد از خود نشان نمی دادند.این دو نفر مساجد جدیدی را در بیت المقدس (قبه الصخره) و در دمشق (مسجد اموی) ساختند و دومی از آن جهت به این نام خوانده شده است که جانشینان ولید نیز در ساختن و آراستن آن سهیم بوده اند. این هر دو بنا به گونه ای متمایز از مساجد پیشین بود (۱۴۷)و تاسیس و ساختن آنها را باید نقطه آغاز تحول در معماری مساجد و ایجاد یک کارکرد جدید برای آنها یعنی کارکرد هنری و معماری تلقی کرد.ماجرای ساختن قبه الصخره به دست عبدالملک خلیفه اموی از این قرار است که ، عبد الملک مردم شام را از حج بازداشت و آن بدان جهت بود که هر گاه به حج می رفتند(عبدالله) بن زبیر (که در مکه خروج کرده بود و مردم را به بیعت خویش می خواند) آنان را به بیعت می گرفت و عبدالملک که چنان دید، ایشان را از رفتن به مکه منع کرد. پس مردم به فریاد آمدند و گفتند: ما را از حج خانه خدا که

بر ما واجبی است خدایی ، باز می داری ؟ به آنان گفت : این پسر شهاب زهری است که برای شما نقل حدیث می کند که پیامبر خدا گفته است : بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد، مسجدالحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس . و آن برای شما به جای مسجدالحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس و آن برای شما به جای مسجد الحرام است و این سنگی که بر حسب روایت پیامبر خدا چون خواست به آسمان بالا- رود پای خویش بر آن نهاد برای شما به جای کعبه است . پس بر آن صخره قبه ای بنا نهاد و پرده های دیبا بر آن آویخت و خدمتگزارانی بر آن گماشت و مردم را گرفت تا چنان که پیرامون کعبه طواف می کنند پیرامون آن طواف کند و در دوران بنی امیه این رسم برقرار بود.(۱۴۸)ولید بن عبدالملک نیز مسجد دمشق را در سال ۸۸ هجری بنیان نهاد و در ساخت آن هزینه بسیاری صرف کرد به طوری که برخی نقل کرده اند که ولید هفت سال مالیات کشور خود را بر آن خرج کرد (۱۴۹)به هر حال مسجد دمشق در نوع خود بی نظیر بود چرا که نخستین مسجد عظیم و پر شکوه در تاریخ تمدن اسلامی محسوب می شد و به واقع از معجزات هنر اسلامی به شمار می رفت و تا کنون نیز جلوه و زیبایی خود را حفظ کرده است .محل مسجد امویان دمشق قرنها معبد بت پرستان بود و سپس جایگاه کلیسای حضرت یحیی شد. معمارانی که در خدمت ولید

بودند کلیسا را خراب کردند. ولی دیوار خارجی و چهار برج مربع چهار گوشه و دو ردیف ستونهای طاقدیس مقابل مدخل و درگاههای معبد رومی را باقی گذاشتند و مسجد را طوری بنا کردند که با این آثار بازمانده متناسب باشد.(۱۵۰)بنای این مسجد حدود هشت سال زمان برد و در ساختن این مسجد ملیتهای مختلف خاورمیانه اشتراک مساعی کردند.ولی سبک ساختمان ، بیزانیسی است . دیوارهای پوشیده از موزائیک های شیشه ای و نقاشی به سبک رومی است .در ضمن آثار هنری ساسانی مثل نقش شیرهای بالدار و جانوران افسانه ای در آن وجود دارد. به علاوه ستونها و مقصوره و رواق و گنبد روی محراب ، جامع دمشق را نخستین و عالیترین نمونه مساجد قدیم اسلامی ساخته است .(۱۵۱)بدین ترتیب مشاهده می کنید که رفته رفته با گسترش مرزهای تمدن اسلامی و تعدد قومیتها و ملیتهایی که در حوزه این تمدن واقع شدند، عناصر فرهنگی و تمدنی آنها نیز با فرهنگ اسلامی آمیخته شد و حتی در عرصه هایی مانند معماری اسلامی مساجد ظهور و بروز یافت . عناصر و اجزایی که از معماری قدیم اخذ می شد به تدریج با هدفهای دین جدید تطبیق می گشت و در تحول معماری اسلامی تاثیر بخشید. به طوری که سبک معماری بیزانس در مساجد دوره اموی رواج و نفوذ عمده داشت .البته این سبک در دوره های بعد به ویژه از اواسط دوره عباسی جای خود را به شیوه معماری ساسانی داد که در سراسر جهان اسلام تسری یافت .(۱۵۲) بعد از جامع دمشق مسجد عمر و عاص در فسطاط مصر و مسجد الاقصی در بیت

المقدس که به امر ولید بن عبدالملک بر جای کلیسای ژوستی نین احداث گردید و سپس مسجد جامع قرطبه در اسپانیا که در ۱۷۵ هجری قمری به وسیله امرای اموی اندلس ساخته شد همه از نمونه های مساجد عهد اموی هستند که باقی مانده اند. (۱۵۳)که در این میان مسجد جامع قرطبه از اهمیت و شکوه خاصی برخوردار است چرا که در غرب جهان اسلام در اروپا ساخته شد.این بنا را عبدالرحمن اول خلیفه اموی اندلس در سال ۱۶۸ هجری قمری بنیان نهاد و هشتاد هزار دینار در بنای آن خرج کرد.و فرزند وی به سال ۱۷۷ هجری قمری آن را به پایان برد و از پس وی دیگران به تزیین آن پرداختند تا به شمار زیباترین مساجد دنیای اسلام در آمد. ردیف ستونهای مسجد از شرق به غرب نوزده و از شمال به جنوب سی و یک عدد بود و بیست و یک در داشت که آن را با مس صیقلی پوشانیده بودند.ستونهای محراب را از نقره ساخته و به خاتم کاری بدیع آراسته بودند. منبر مسجد را از عاج و چوبهای گران قیمت ساخته بودند که سی و شش هزار قطعه چوب در آن به کار رفته و به میخهای طلا و نقره به هم پیوسته بود و با جواهر مزین شده بود. چهار محل شستشو در مسجد بود که از کوهستانهای اطراف به وسیله لوله آب بدان می رسید. در سمت غربی مسجد برای توقف مسافران و درماندگان جاهایی ساخته شد بود. صدها شمعدان در مسجد نصب شده بود که شمعهای بزرگ شبانه روز در آن می سوخت . سیصد مرد به خدمت

مسجد قیام می کردند و عنبر و عود می سوختند و هزاران قندیل را روغن می کردند. (۱۵۴)

مسجد النبی و مسجد الحرام در مدینه و مکه نیز از این کارکرد کلی و جدید مساجد در عرصه هنر معماری مستثنی نبودند و بلکه پس از صدر اسلام در هر دوره تحولات جدیدی می یافتند و بر وسعت و عظمت آنها و نیز زیبایی معماری آنها افزوده شد.به طوری که به زودی آن مسجد ساده جای خود را به مسجدی مجلل و عظیم داد.مسجد الحرام نیز در دوران اموی و به دست ولید بازسازی شد. بنابر نقل ، وی سی هزار دینار نزد خالدبن عبدالله قسری فرماندار مکه فرستاد و آنها را به صورت تخته های نازک پهن در آوردند و بر در کعبه و ستونهای داخلی و ارکان کعبه و ناودان زدند.بدین ترتیب ولید نخستین کسی در اسلام بود که کعبه را زرنگار کرد.(۱۵۵)در دوران عباسی نیز در زمان منصور مسجد الحرام بازسازی شد و به اندازه وسعت مسجدالحرام در آن زمان بر آن افزوده شد. شروع این کار در سال ۱۳۸ هجری قمری و پایان آن سال ۱۴۰هجری قمری بود.(۱۵۶)

آن چه که مسلم است معماری ساده اسلامی ، شیوه های متعددی را از تمدنها و فرهنگهای دیگر اخذ نمود و همانطور که در عرصه علم و دانش ، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه علم و دانش ، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه هنر و به ویژه معماری نیز از این کار باز نماندند و بزرگترین شاهد این مدعا بنای مساجد در این دوران است .مظاهر گوناگون فرهنگ

و هنر اسلامی در طی قرنهای دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که امروز یک مورخ دقیق و روشن بین می تواند تنها از مطالعه در مساجد، تصویر روشنی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند..اشتراک مساعی اقوام و امم مختلف اسلامی در تکمیل و تزیین مساجد با وجود حفظ خاصیتهای ملی و محلی نوعی جهان وطنی را در معماری اسلامی سبب شده است که از مفاخر معنوی مسلمین بشمارست .(۱۵۷)

به هر حال آن چه که مسلم است در طول نسلها و قرون در فاصله آفاق مختلف هنر اسلامی ملجای پاک تر و نمایشگاهی امن تر از مسجد نداشته است .(۱۵۸)به طوری که در بنای بسیاری از مساجد هنرهای مختلف به هم در آمیخته است معماری در توازن اجزاء کوشیده است . نقاشی به نقوش و الوان ، شعر، موعظه ها و ماده تاریخها عرضه داشته است و موسیقی هم برای آن که از دیگر هنرها باز نماند در صدای موذن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گیری یافته است .حتی صنعتهای دستی هم برای تکمیل و تزیین این مجموعه الهی به میدان آمده اند: فرشهای عالی ، پرده های گرانبها، قندیلهای عظیم و درخشان ، منبت کاری های و ملیله دوزیها نیز در تکمیل زیبایی و عظمت مسجد نقش خود را ادا کرده اند. (۱۵۹) آن چه نباید از نظر دور داشت این که درست است که بسیاری از اشکال ریشه در تمدنهای قبل از اسلام دارند و حتی برخی معانی نمادین عناصر و راز و رمز معنویشان نیز مورد توجه بسیاری ملل و

جهانبینی ها بوده است ، اما باید توجه کرد که اولا بنا به تاکید غالب محققان ، فرمهای اخذ شده از سایر ملل و تمدن ها توسط مسلمین به گونه ای استحاله یافتند که پس از مدتی هویتی کاملا اسلامی به خود گرفتند. ثانیا ابایی از این نیست که برخی اشکال یا مفاهیم از سایر تمدنها که به هر حال به آیینی اکثرا در بنیان الهی معتقد بوده اند، اخذ شود و باز بودن پیرایه های آنها و همچنین تکامل و تعالیم به عنوان عنصری اسلامی و مورد پذیرش مسلمین بدل گردد.ثالثا این توصیه اسلام است که در آثار پیشینیان غور و دقت کنید و ضمن رد بدیها و اشکالات ، نیکیهای آنها را اخذ کنید.(۱۶۰)بدیهی است که آثار هنری مسلمان در زمینه های تصویری ، تجسمی ، معماری ، خطوط هندسی و نقش و نگارها از یک مایه غیر مادی و ماورایی برخوردار است و این از متن تفکر مذهبی و لایه های مکتب شریف اسلام سر چشمه می گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی با نگرش یک انسان مادی متفاوت است . (۱۶۱)بنابراین هنرمند مسلمان طرحهایی را در مسجد اجرا می کند که در جهت تقویت معنویت و افزایش حضور قلب مومنین به هنگام حضور در مسجد و سوق دادن آنها به سوی مبدا هستی باشد.

اگر در و ایوان مساجد منحنی است ، اگر پیشانی محراب و سقف مساجد خمیده است ، بیان کننده آن روح تعبد و تسلیم و رکوع بنده در برابر خالق است .(۱۶۲)و اگر همه چیز در مناره و گنبد در شکلی دایره وار در

نهایت به یک ختم می شود، نمادی از توحید ناب اسلامی است که مساجد منادی و پایگاه آن بوده است .

قسمت دوم

از مهمترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمانان می توان به این سه امر اشاره کرد:

۱- رواقها و ایوانهای محیط بر صحن مسجد.

۲- به کار بردن خط کوفی و نقشهای نوشتاری برای تزیین دیواره ها و کنار و لبه سقفها.

۳- قوسی شکل بودن بالای درها و مدخلها و سقفها... حالت انحنا و قوسی بودن در معماری اسلامی معنا عمیق و خاصی می تواند داشته باشد.این انحنا بیشتر در شکل گنبدها، محرابها، سردرها، ایوانها و قسمتهایی از رواق وجود دارد.(۱۶۳)بدین ترتیب مساجد که بخش زیادی از کارکردهای مهم خود را در جامعه از دست داده بود و تا حدود زیادی از محتوا خالی شده بودند با به دست آوردن یک کارکرد جدید یعنی تبدیل شدن به مهد هنر معماری اسلامی مجدد در عرصه جامعه توجهات را به سوی خود جلب نمودند؛ اما این بار از منظری دیگر و تاریخ این چنین گواهی شد، برای تحقق پیش بینی امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) درباره آینده امت اسلامی و سرنوشت مساجد.

علل ظهور این کارکرد جدید

در بیان علل ظهور این کارکرد جدید در مساجد تا حداقل دو دیدگاه متفاوت و بعضا متضاد وجود دارد. یک دیدگاه می گوید در دوره امویان و با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران نوعی رقابت با کلیساهای مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد. خلفای بنی امیه در ساختن قصرها، کاخها، قلعه ها و حتی مساجد مجلل بسیار کوشیدند...هنر بیشتر در خدمت حاکمان و

اطرافیـان آنـان بود و امکـان سـر پیچی از فرمـان خلفا و امر در به اسـتخدام در آوردن معماران هنرمنـد برای ساختن مـدارس ، مساجـد و قصـرها نبود. انگیزه غـالب این حاکمـان در سـاختن مـدارس و مساجـد حـک نـام خویش بر پیشـانی ساختمـان بود. (۱۶۴)امـا دیـدگاه دیگر معتقـد اسـت چه کسـی گفت که در اسـلام ، دین را بـا هنر سازگـاری نیست . بر عکس این هر دو با یکـدیگر ملاقـات می کننـد آن هم در مسـجد..حقیقت آن است که معمار مسـلمان در روزگاران گذشـته هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می یافت سـعی می کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کنـد. (۱۶۵)ایـن دو دیـدگاه گر چـه در ظـاهر متضـاد به نظر می رسـند امـا در واقـع چنین نیست . بلکه اختلافی که مشاهـده می شود ناشـی از تفاوت منظر هر یک از صاحبنظران است . در این صورت اگر منظر هر دیدگاه را درست تشـخیص دهیم خواهیم دیـد که هر دو دیـدگاه کاملاـ صـحیح و دقیق است . منظر دیـدگاه اول ، حاکمـان سیاسـی جـامعه و انگیزه های نفسـانی در سـاختن مساجـد بوده است .بـدون تردیـد خلفـای اموی و عباسـی درد دین نداشـتند و لـذا این که در پی رقـابت یا جاودان کردن نام خود بوده اند سـخن درستی است . اما منظر دیدگاه دوم ، هنرمندان و معماران عاشق و مومنی است که نه به اجبار و اکراه و با بی علاقگی بلکه با شور و اشتیاق که از یک انگیزه الهی و ایمانی ناشی می شد

تلاش می کردنـد و لـذا آن چه می آفریدند به راستی زیبایی بود که آن را به محضـر باریتعالی تقدیم می نمودند. برای درک بهتر این دو منظر متفاوت لازم است هر یک را بیشتر توضـیح دهیم .در باب حاکمان سیاسـی و انگیزه های آنان باید گفت : تا زمـانی که مرکز حکومت اسـلامی در مـدینه بود، خلفـای چهار گانه همچون پیامبر از اسـراف و هر چه که مظهر اشـرافیت بود پرهیز می کردنـد، ولی در زمان معاویه که حکومت به دمشق منتقل شـد، این سـنت تغییر یافت . در این زمان معاویه با مشاهده معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان اقدام به بر پایی مساجدی پر شکوه تر از این ساختمانها کرد.(۱۶۶)پس از معاویه نیز سایر خلفا از روش او پیروی کردند و بلکه آن را توسـعه دادند ساخت بسیاری از مساجد مجلل در شام توسط خلفای اموی برخاسته از تاثیرپذیری از کلیساها و با انگیزه های سیاسـی و رویارویی با پایگاه های دینی مسیحیت بوده است .(۱۶۷)این انگیزه ها گاه به قـدری قوی بوده که حتی اگر خلیفه ای مصـمم به جلو گیری از این تجمل گرایی می گردیـد او را متقاعـد می کردند که به صلاـح جامعه اسـلامی نیست . به عنوان نمونه عمر بن عبـدالعزیز وقتی به خلافت رسـید کسانی را به مساجـد فرسـتاد تا هر چه مرمر و کاشـی و زر در آن است بردارنـد و از مسـجد بیرون کنند و می گفت : مردم با دیدن اینها از حضور قلب در نماز خود باز می مانند. به او گفتند.وسیله ای است برای زبونی دشمن ، پس آن را رها کرد.(۱۶۸)

این

دیدگاه که توانست خلیفه را متقاعد کند در واقع معتقد بود که مسجد بنایی سمبلیک است و نماد و نمود دین به شمار می رود و عظمت مسجد یادآور عظمت و عزت اسلام و مسلمانان است ؛ و بر عکس محقر بودن آن چه بسا ضعف و فقر و ناتوانی مسلمانان را در اذهان تداعی کند.(۱۶۹)البته همه انگیزه ها هم ناشی از رقابت و رویارویی با بیگانگان نبود.برخی از مساجد با شکوه توسط حاکمان به ظاهر مسلمانی بنا شده که قصد داشتند از این راه یاد و نام خود را جاودان سازند و یا با سفارش به دفن بدنشان در کنار مسجد گور خود را مصونیت بخشند و دارای موقعیتی ممتاز نمایند. گاهی هم پرداختن به این کار ناشی از حس منفعت طلبی و کسب آبرو و حیثیت دنیوی بوده است .(۱۷۰)علاوه بر این انگیزه های فردی ، با در نظر گرفتن مسایل جامعه شناختی یکسری انگیزه های اجتماعی که در واقع بازتاب شرایط روانی افراد در جامعه است را نیز می توان یافت .

به عبارت دیگر می توان روی آوردن به آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آن را به دلیل کنار نهادن ارزشهای حقیقی دانست .به دیگر سخن نوعی پیوستگی و همراهی میان گسستن از ارزشها و گرایش به آراستن مساجد و مظاهر دینی وجود دارد. به نظر می رسد نکته روانی همراهی میان این دو پدیده آن است که انسان هم در رفتار فردی و هم در رفتار اجتماعی هر گاه از پرداختن به اصالت و ارزشهای حقیقی دست بر می دارد، به آراستن ظاهر می پردازد. جامعه ای که

در تضـاد میـان دین و دنیا در حقیقت دنیا را برگزیـده است ، هر گاه حس مـذهبی خود را به طور کامل از دست نـداده باشـد برای پاسخ گفتن به ندای این حس به آراستن مظاهر دینی همچون مساجد روی می آورد.(۱۷۱)به هر حال مشاهده کردید که همه انگیزه ها و تمایلات که بر شـمرده شـد در مسیر خواهشـهای نفس و انحراف از دین خدا بود و هیچ یک در جهت تعظیم شعائر الهی و ارزشهای دینی نبوده است . لذا بدیهی است که این منظر، منظری قابل تقبیح و نکوهش است . اما آیا همه انگیزه ها در همین جا خلاصه می شود و آن که هنرمندان نقشی اساسی تر و برجسته تر در احداث این مساجد داشته اند که بی شک پاسـخ به این سوال منفی است .هنرمندان بی نام و ناشـناس این مساجد که تمام هستی خویش را وقف خدمت به خداوند کرده بودنـد.. می کوشـیده انـد تـا بهـترین تصـوری را کـه از زیبـایی میداشـته انـد در طی این آثـار مقـدس جلـوه و تحقـق بخشـند.(۱۷۲)مسـلمانان به دلیل عظمت و قـداستی که برای مسـجد قایلنـد و آن را منسوب به خداوند بزرگ می دانند تلاش می کنند خانه خدا را هر چه بهتر و با عظمت تر بسازند. در این زمینه شواهد فراوانی وجود دارد و حتی با یک نگاه سـطحی و گذرا می توان پی برد که آفرینش بسـیاری از این پدیـده هـای هنری بـا پشـتوانه عظیمی از عشق و ایمـان بوده است . (۱۷۳)در واقع این اسلام نبود دعوت به تزیین مساجد و ساختن بناهای مرتفع و معماریهای شگفت و پرشکوه

به نام مسجد کرد. زیرا با توجه به فلسفه وجودی مسجد، شکل مسجد اسلامی روشن است . این هنر بود که مسجد را به عنوان ظرفی مناسب و زمینه ای مستعد برای بروز و تجلی یافت و این هنرمندان بودند که روح تفاهم آمیز مکتب را در ارتباط با هنر متعهد شناختند.و به استقبال آن رفتند.(۱۷۴)تردیدی نیست که پرداختن به زرق و برقهای غیر ضروری و تزئینان کاخها و قصرها در مساجد از مصادیق اسراف و تبذیر مال است و این از گناهان بزرگ است . چرا که ضمن این که رواج تجمل گرایی در ساخت و سازها را به دنبال دارد.فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت که از ارزشهای مسلم اسلامی است را رفته رفته در جامعه کم رنگ می کند.(۱۷۵)علاوه بر این در شرایطی که طبقات فقیر در جامعه اسلامی به وفور یافت می شوند و رسیدگی به آنها وظیفه آحاد مسلمین است ، هزینه کردن مالهای هنگفت برای ساختن مساجد به جای رسیدگی به وضع محرومین با هیچ معیار الهی و اسلامی قابل توجیه نیست .اما به یک نکته مهم نیز باید توجه داشت و آن این که به کار بستن هنر در مسجد، الزاما با ساده سازی آن منافات ندارد و مراعات همزمان هنر و سادگی هم خود نوعی هنر است . در واقع این رسالت هنرمند مسلمان است که با تکیه بر معیارهای مکتبی که یکی از آنها ساده سازی است ؛ مسجد را جذاب و دلکش بسازد. به عبارت دیگر میان زیبایی و جمال با سادگی و بی پیرایگی تضادی وجود ندارد. می توان مسجد را در عین

سادگی ، زیبا و دل انگیز ساخت . بی گمان خداوندی که خود زیباست و دوستدار زیبایی ، خواهان زیباسازی خواه خود نیز هست . انسان نیز موجودی است که روح الهی او از عالم تناسبات است و گرایش کامل به زیبایی دارد و مسجد هم خانه خدا و هم خانه مردم است .پس باید تلاش نمود تا زیبایی و دلکشی در خانه آن زیبای بی همتا جلوه گر شود. اما این زیبایی باید در چارچوب همان معیارهایی باشد که صاحب خانه تعیین نموده است .(۱۷۶)بدین ترتیب با رعایت هم زمان هنر و سادگی و پرهیز از تزئینات اشرافی مابانه و کاملا غیر ضروری می توان مساجدی زیبا و سازگار با روح اسلام داشت و در کنار این مساله که مربوط به ظاهر مساجد است باید به کارکردهای و محتوای آن نیز پرداخت تا این نهاد عظیم اسلامی ناقص نماند؛ چرا که مساجد هر چقدر هم زیبا باشند اگر نقش خود را در جامعه ایفا نکنند تنها موزه هایی برای تماشای عمومی و استفاده های هنری و تاریخی خواهند بود.

سخن آخر

آن چه گذشت نگرشی گذرا و تاریخی بود بر جایگاه مسجد، این مقدس ترین نهاد اسلامی در حوزه تمدن اسلامی و بررسی چگونگی تاسیس و کارکردهای آن و نیز فراز و نشیبهایی که در طول تاریخ پشت سر گذارده است .بدون تردید پرداختن به تاریخ از به قصد درس آموزی و عبرت گیری نباشد از بیهوده ترین امور و در شکل خوشبختانه تنها یک تفنن علمی است .پس به تاریخ می نگریم تا برای فردای خود برنامه ریزی نموده و از تجربیات گذشته برای مسیر

خود استفاده نماییم .پرداختن به تاریخ تحولات مسجد به عنوان یک نهاد جامعه اسلامی نیز از این اصل کلی مستثنی نیست . آن چه مطرح شد برای این بود که بدانیم بر این نهاد چه گذشته است و چه دوره هایی را تجربه کرده است . چگونه در دوره ای مرکز بی بدیل جامعه بوده و در دوره ای به حاشیه رانده شده است .تا از آن برای تکامل بخشیدن به مساجد دوران خود و جامعه اسلامی مان بهره مند شویم . اگر امروز نظام جمهوری اسلامی پس از قرنها بار دیگر داعیه دار حکومت دینی و منادی ارایه یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر احکام ناب اسلامی است باید همه لوازم و ضروریات این داعیه را نیز بپذیرد.

مسجد در چنین جامعه و نظامی باید جایگاه واقعی خود را بیابد و در این مسیر مسجد النبی در مدینه صدر اسلام بهترین الگوست .واقعیت آن است که هر چند مساجد امروزی ما پاره ای از شرایط سنتی خود را به ویژه در زمینه امور دینی حفظ کرده اند اما در مجموع به عنوان یک نهاد اثر گذار بر حیات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جامعه معاصر مسلمانان اهمیت خود را به صورت فزاینده ای از دست داده اند.(۱۷۷)و تلخ تر این که گر چه در دوران میانه تاریخ اسلام بر حسب آن چه در این نوشتار گذشت تحولات گسترده ای در کارکرد مساجد اتفاق افتاد و مساجد را تا حدود زیادی از جایگاه واقعی خود دور کرد؛ اما باید ادعا کرد که حتی شرایط آن دوره نیز از شرایط مساجد در دوران فعلی بهتر است

و حداقل مساجد دارای اعتبار فراوانی در نزد افکار عمومی مردم بودند. گرچه امروزه با وقوع انقلاب اسلامی ایران و جوشش آن از کانون مساجد جامعه تا حدود زیادی در پیشرفت موقعیت مساجد تلاش شده است .اما هنوز تا رسیدن به مرحله متوسط برای جایگاه واقعی مساجد راه درازی در پیش است و این وظیفه آحاد جامعه و البته به طور خاص متولیان امور مساجد است که با الگو برداری از مساجد صدر اسلام و تطبیق آن با شرایط زمان و مکان بر این مهم جامه عمل بپوشانند.امید است آن چه در این نوشتار آمد که تلاشی در همان راستا بود مقبول درگاه الهی افتد و نیز در مسیر تکامل مساجد جامعه اسلامی ایران و جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد تا شاهد بازگشت مساجد به جایگاه واقعی شان در حکومت اسلامی باشیم .ان شاءالله .

سخن را با سفارش و توصیه مصلح بزرگ جهان اسلام در عصر حاضر و بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ، حضرت امام خمینی (ره) که اگر امروزه فرصت یافته ایم پیرامون جایگاه مسجد در تمدن اسامی و ضرورت تکامل آن در جامعه اسلامی سخن بگوییم همه از برکت وجود مقدس آن امام عظیم الشان است به پایان می بریم که فرمود: سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد.

و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

پی نوشتها

۱ تا ۸۰

۱ سوره جن آیه ۱۸

۲ ابن منظور، لسان العرب ، ج ۳ بیروت : دار صادر، ۱۹۹۷ م ، (ص) ۲۴۶.

۳ سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ج ۸، بیروت ، دار احیاء التراث العربی

، ۱۹۷۰ م ، (ص) ۱۷۴.

۴ علی اکیر دهخدا، لغت نامه ، ج ۱۳، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۳۷، (ص) ۲۰۸۵۲

۵ ر.ك .جان بی ناس ، تاریخ جامع ادیان ، علی اصغر حکمت ، تهران علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۷ (ص) ۵۰۱

۶ احمد بن حسین بیهقی ، السنن الکبری ، ج ۴، بیروت ، دارالفکر، بی تا، (ص) ۳۹۷

۷ حسین مونس پیدایی مساجد سید سعید حسینی ، دو ماهنامه مسجد، ش ۳۷ و ۳۸، محمد رضا امیری تهرانی ، تهران ، مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروردین ، تیر ۷۷، (ص) ۸۰ و ۸۱

۸ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تمدن .

۹ نور ۳۶

۱۰ جن ۱۸

۱۱اعراف ۲۹

۱۲ اعراف ۳۱

۱۳ توبه ۱۸

۱۴توبه ۱۷

۱۵بقره ۱۱۴

۱۶حج ۴۰

۱۷ توبه ۱۰۸ و ۱۰۷

۱۸ برای مطالعه بیشتر بنگرید به سیره ابن هشام ، ج ۲، (ص) ۳۳۴.

۱۹توبه ۱۰۸

۲۰ سید رضی ، نهج البلاغه ، سید جعفر شهیدی ، تهران ، علمی ، و فرهنگی ، ۱۳۷۸، (ص) ۳۸۴، کلمه قصار ۱۳۱

۲۱ابن هشام ، سیره النبویه ، ج ۲ سید هاشم رسولی ، تهران ، کتابچی ، ۱۳۷۵ و ۳۳۷

۲۲ محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار، ج ۸۴ بی جا: المکتبه الاسلامیه ، ۱۳۷۶، (ص) ۱۴.

۲۳ همان ، ج ۸۳ (ص) ۳۵۱

۲۴شیخ محمد بن حسن حر عاملی ، وسائل الشعه ج ۵ قم : موسسع ال البیت

۲۵بحار الانوار، ج ۸۴، (ص) ۶

۲۶همان ، ج ۸۴ (ص) ۱۶.

۲۷همان .

۲۸من لایحضره الفقیه ، ج ۱، (ص) ۳۵۲

۲۹همان ، ج ۱ (ص) ۳۵۷

۳۰وسائل الشیعه ، ج ۵، (ص) ۱۹۹

۳۱ بحار الانوار،

ج ۸۳، (ص) ۳۷۹ و ۳۸۰

۳۲کنز العمال ، ج ۷ (ص) ۶۵۲

۳۳ پرنده ای به اندازه کبوتر، کنایه از کوچکی

۳۴من لا یحضره الفققیه ، ج ۱، (ص) ۳۵۴

۳۵ همان ، ج ۱، (ص) ۳۵۲

۳۶وسائل الشیعه ، ج ۵، (ص) ۲۲۹

۳۷همان ، ج ۵ (ص) ۲۰۱

۳۸ برای آگاهی از این بیعت بنگرید به سیره ابن هشام ، ج ۱، (ص) ۲۸۶

۳۹ غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام ، تهران ، سمت ، ۱۳۷۸ت (صلی الله علیه وآله) ۳۱۹ و ۳۲۰

۴۰ همان (ص) ۳۲۹

۴۱ همان

۴۲همان ، (ص) ۳۳۰

۴۳ پیدایی مساجد، (ص) ۸۱

۴۴همان

۴۵همان

۴۶همان ، (ص) ۴۷۷.

۴۷ ابن واضح یعقوبی ، تاریخ یعقوبی ، ج ۲، محمد ابراهیم آیتی ، تهران ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۸ و (ص) ۳۶۴

۴۸ توبه ۱۰۸

۴۹سیره ابن هشام ، ج ۱ (ص) ۳۲۶

۵۱تاریخ صدر اسلام ، (ص) ۳۳۹

۵۲

۵۳ طبقات الکبری ، ج ۱، (ص) ۲۳۰

۵۴من لایحضره الفقیه ، ج ۱ (ص) ۳۴۴

۵۵

۵۶سیره ابن هشام ، ج ۱، (ص) ۳۲۷

۵۷

۵۸ طبقات الکبری ، ج ۱

۵۹ نهایه الارب ، ج ۱

۶۰ طبقات ااکبری ، ج ۱

۶۱سیره ابن هشام ، ج ۱

۶۲تاریخ صدر اسلام ،

۶۳طبقات الکبریت ج ۱

۶۴سیره ابن هشام ، ج ۱

۶۵همان ، ص ۳۲۹

۶۶پیدایی مساجد ص ۸۱

۶۷طبقات الکبری ، ج ۱ صص ۲۲۶ - ۲۲۵

۶۸پیدایی مساجد (ص) ۸۱

۶۹تاریخ یعقوبی ، ج ۲ صص ۵۸ - ۵۹

۷۰ محمد نقی زاده مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، محمد قره چمنی ، تهران : دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷

۷۱تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۵

۷۲

۷۳ ویل

دورانت ، تاریخ تمدن ج ۴، ابوالقاسم پاینده و...تهران ، آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۱ت (ص) ۲۷۳

۷۴ جمعه ۹

۷۵ وسائل الشیعه ، ج ۷، ص ۳۸۶

۷۶ همان ، ج ۷، ص ۳۴۷

۷۷

۷۸السنن الکبری ، ج ۴، ص ۳۹۷

۷۹ همان ، ج ۴ ص ۳۹۹

۸۰ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۵

۸۱ تا ۱۷۷

۸۱ زمر ۹

۸۲محمد رضا حکیمی ، دانش مسلمین ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۴، ص ۹

۸۳ سید محمد حسین طباطبایی ، شیعه در اسلام ، تهران ، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۶ ص ۱۰۱

۸۴فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص) ۵۴ به نقل از سمهودی ، ج ۲ ص ۳۰۱

۸۵ همان ، ص ۵۲

۸۶ همان ، ص ۵۳

۸۷ همان ، ص ۵۵

۸۸ همان ، به نقل از کتانی ، تراتیب ، ج ۱، ص ۴۰

۸۹کارنامه اسلام ، ص ۱۴۵

۹۰ فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص ۵۵)

۹۱ طبقات الکبری ، ج ۲ (ص) ۷۴۵

۹۲تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۲ (ص) ۲۹۸

۹۳ سیره ابن هشام ، ج ۲ ص ۳۸۲

۹۴تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۶

۹۵ پیدایی مساجد، (ص) ۸۳

۹۶ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۲

۹۷همان ، ص ۲۰

۹۸ همان ، ص ۵۴

۹۹همان ، ص ۱۴۱

۱۰۰

۱۰۱سیره ابن هشام ، ج ۱، صص ۳۸۵ - ۳۸۶

۱۰۲ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲۴۹

۱۰۳ مروج الذهب ، ج ۱، ص ۶۷۹

۱۰۴ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۳۰۹

۱۰۵ همان ، ص ۳۰۳

۱۰۶ همان ، ص ۳۰۱

۱۰۷ همان

۱۰۸ مروج الذهب ، ج ۱، ص ۶۹۱

۱۰۹ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۶۶-۶۵

۱۱۰ همان ، ص ۷۲-۷۱

۱۱۱همان ، ص ۳۷

تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۵۸

۱۱۳تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۲۰۷

۱۱۴ بحارالانوار، ج ۸۳ ص ۳۵۷

۱۱۵طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲۴۰

۱۱۶ همان ، ص ۲۳۶

۱۱۷ بنا بر روایت دیگری در همین منبع آن صحابی تمیم داری بود.

۱۱۸ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲۳۷

۱۱۹ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، (ص) ۴۵۰

۱۲۰ نهج اابلاغه ، ص ۴۲۶، کلمه قصار ۳۶۹

۱۲۱ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، (ص ۱۶۶

۱۲۲ همان ،۶۵ص

۱۲۳ تاریخ سیاسی اسلام ۹۱ص

۱۲۴ طبقات الکبری ، ج ۱، ۲ص

۱۲۵ مروج الذهب ، ج ۱ ص ۶۷۷

۱۲۶ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۳۸

۱۲۷ اریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۲۴

۱۲۸ مروج الذهب ، ج ۲ ص ۱۳۱ - ۱۳۲

۱۲۹تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۲۳۶

۱۳۰ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۴۹۲

۱۳۱ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۸

۱۳۲ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، (ص) ۴۵۰

۱۳۳ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۶

۱۳۴ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۲ ص ۲۹۸ - ۲۹۹

۱۳۵ دانش مسلمین ، ص ۸۱

۱۳۶ دائره المعارف تشیع ، ج ۲، ص ۱۵۱

۱۳۷ همان ، ص ۸۹

۱۳۸ همان ، ص ۱۵۱

۱۳۹لغت نامه دهخدات ج ۱۳ ص ۲۰۸۵۴

۱۴۰ عبدالحسین زرینکوب ، ارزش میراث صوفیه ، تهران : امیرکبیر، ۱۳۷۷، (ص) ۴۰

۱۴۱ درک هیل ، اولگ گرابر، معماری و تزینات اسلای ، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران : علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۵، ص ۵۵

۱۴۲ ارزش میراث صوفیه ، ص ۳۳

۱۴۳ همان ، (ص) ۷۸

۱۴۴همان ، ص ۷۷

۱۴۵ معماری و تزئینات اسلامی ، (ص) ۵۵ - ۵۶

۱۴۶ حین عرفانی دو ماهنامه مسجد،

ش ۳۹، ص ۶۷

۱۴۷ تاریخ اسلام ، ص ۱۵۴

۱۴۸ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۲۰۴– ۲۰۵

۱۴۹ ر.ک .تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱ ص ۴۸۱

۱۵۰ تاریخ اسلام ، ص ۱۵۴

۱۵۱دایره المعارف تشیع ج ۲ ص ۱۵۰

۱۵۲کارنامه اسلام ، ص ۱۴۶

۱۵۳ دایره المعارف تشیع ، ج ۲ ص ۱۵۰

۱۵۴ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۲، ص ۳۱۷ – ۳۱۸

۱۵۵ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۲۳۸

۱۵۶ همان ، ص ۳۵۸

۱۵۷ کارنامه اسلام ، (ص) ۱۴۸

۱۵۸ همان

۱۵۹ همان

۱۶۰ مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی ، ص ۱۳۱

۱۶۱ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۶۷

۱۶۲همان ، ص ۷۰

۱۶۳ همان .

۱۶۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ، ص ۶۶

۱۶۵ کارنامه اسلام ، ص ۱۴۴

۱۶۶ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ، ص ۶۶

۱۶۷ رحیم نوبهار، معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، ص ۲۴۳

۱۶۸ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۷۱

۱۶۹ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، ص ۲۴۸

۱۷۰ همان ، ص ۲۴۳

۱۷۱ همان

۱۷۲ کارنامه اسلام ، ص ۱۴۴

۱۷۳ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ص ۲۴۲

۱۷۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۹۲

۱۷۵ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، (ص) ۲۵۰

۱۷۶ همان ، ص ۲۵۰ – ۲۵۱

۱۷۷ تحول مسجد در گذر تاریخ (ص) ۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹